

مسائل بین المللی

شماره ۵ (۵۹)

آذر - دی سال ۱۳۵۱

فهرست مقالات :

صفحه	مؤلف	عنوان
۷ - ۶	کنفرانس تئوریک بین المللی	تجربه ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی و اهمیت تاریخی - جهانی آن
۹ - ۸	نطق افتتاحیه زارودوف سردبیر مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم "	مرحله مهم در راه پیشرفت اجتماعی جامعه بشری
۲۲ - ۱۰	بوریس پونوماریوف عضو مشاور و پروری سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی	اهمیت بین المللی تشکیل و تکامل اتحاد شوروی
۲۵ - ۲۳	ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران	عامل نیرومند صلح
۲۹ - ۲۶	کنستاننتین تالاف دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان	انترناسیونالیسم سوسیالیستی در عرصه
۳۳ - ۳۰	رایمون گی یو عضو پروری سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه	سهم برجسته در تجربه بین المللی مبارزه انقلابی
۳۷ - ۳۴	اید ریس کوکس نماینده حزب کمونیست بریتانیا ی کبیر	ستاره راهنمای خلق های سراسر جهان
۴۱ - ۳۸	نامسرای لووسانراودان عضو پروری سیاسی کمیته مرکزی حزب توده انقلابی مغولستان	جلوه گاه قانونمندی های سوسیالیسم
۴۵ - ۴۲	آنچی وریلیان عضو هیئت دبیران کمیته مرکزی حزب کارگر متحد لهستان	نمونه مناسبانین میان خلق ها
۴۹ - ۴۶	گاستونه جنسینی معاون کمیسیون تفتیش مرکزی حزب کمونیست ایتالیا	در باره برخی جوانب مبارزه حزب کمونیست ایتالیا

<u>صفحه</u>	<u>مؤلف</u>	<u>عنوان</u>
۵۳ - ۵۰	<u>گوتترهايد ن</u>	مناحيات بين المللى طراز نوبن
	رئيس انستيتوى ماركسيسم - لنينيسم وابسته به كميته مركزى حزب سوسياليست متحد آلمان	
۵۶ - ۵۴	<u>بيعقوب د مير</u>	خلل ناپذيرى اتحاد برادرانه
	د بيراون كميته مركزى حزب كمونيست تركيه	
۵۹ - ۵۷	<u>يوزف سابو</u>	د رسهاى ساختمان سوسياليسم د ر اتحاد شوروى
	معاون رئيس مدرسه اعلى حزبى وابسته به حزب سوسياليست كارگرمجارستان	
۶۳ - ۶۰	<u>كوليچنگو</u>	جامعه شوروى ووجه اشتراك تاريخى خلق هاى آن
	رئيس شعبه انستيتوى ماركسيسم - لنينيسم وابسته به كميته مركزى حزب كمونيست اتحاد شوروى	
۶۶ - ۶۴	<u>فيليب بارت</u>	مبارزه حزب كمونيست عليه نژاد پرستى
	عضو كميته مركزى حزب كمونيست ايالات متحده امريكا	
۶۹ - ۶۷	<u>احمد كريم</u>	عليه ناسيوناليسم وشوينيسم بورژوايى
	عضو شوروى سياسى كميته مركزى حزب كمونيست عراق	
۷۳ - ۷۰	<u>يان فميتيك</u>	افزايش وتحكيم اعتبار اتحاد شوروى
	د بيركميته مركزى حزب كمونيست چكوسلواكي	
۷۷ - ۷۴	<u>رودنى امان</u>	راه واقعى رهائى زن
	نماينده حزب چپ كمونيست هاى سوئد	
۸۲ - ۷۸	<u>فدوسيف</u>	انترناسيوناليسم جزء لا ينجزائى ايد تلوژوى وسياست كمونيستى است
	رئيس انستيتوى ماركسيسم - لنينيسم وابسته به كميته مركزى حزب كمونيست اتحاد شوروى	
۸۳		د ر باره كنفرانس همبستگى احزاب كمونيست وكارگرى اروپا با خلق ويتنام
۸۵ - ۸۳		اعلاميه كنفرانس
۹۹ - ۸۶	<u>گوستا وهوساك (مصاحبه)</u>	حزب - دولت - مردم
۱۰۸ - ۱۰۰	<u>اريش گوك آتوف</u>	ماركسيسم - لنينيسم ودوران ما : قانومندى هاى عام وويژگى هاى مللى تكامل سوسياليسم
	رئيس شعبه كميته مركزى حزب سوسياليست متحد آلمان	

گنفرانس
تئوریک بین‌المللی

تجربه ساختمان سوسیالیسم در اتحاد
شوروی و اهمیت تاریخی - جهانی آن

طی روزهای ۵ - ۷ ژوئیه در شهر پراگ با ابتکار مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " و انستیتوی مارکسیسم - لنینیسم وابسته به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی یک کنفرانس تئوریک بین‌المللی برگزار شد که به پنجاهمین سالگرد تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اختصاص داشت. نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری بشری در آن شرکت داشتند:

حزب کمونیست آرژانتین، حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزب کمونیست اتریش، حزب کمونیست اردن، حزب کمونیست اسپانیا، حزب کمونیست اسرائیل، حزب کمونیست آفریقا جنوبی، حزب کمونیست الجزیره، حزب سوسیالیست متحد آلمان، حزب کمونیست آلمان، حزب کمونیست اندونزی، حزب کمونیست ایتالیا، حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، حزب توده ایران، حزب کمونیست برزیل، حزب سوسیالیست متحد برلین غربی، حزب کمونیست بریتانیا، کبیر، حزب کمونیست بلژیک، حزب کمونیست بلغارستان، حزب کمونیست بلیوی، حزب کمونیست پاراگوئه، حزب کمونیست پرتغال، حزب کمونیست ترکیه، حزب کمونیست تونس، حزب کمونیست چکوسلواکی، حزب کمونیست دانمارک، حزب کمونیست رومانی، حزب کمونیست ژاپن، حزب چپ کمونیست های سوئد، حزب کمونیست سوئدان، حزب کمونیست سوریه، حزب آفریقای آلمانی، استقلال سنگال، حزب کمونیست شیلی، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست فرانسه، حزب کمونیست فنلاند، حزب کمونیست فیلیپین، حزب مشرقی خلق زحمتکش قبرس، حزب کمونیست کانادا، حزب کمونیست کلمبیا، حزب کمونیست لبنان، حزب کمونیست لهستان، حزب کمونیست لوکزامبورگ، حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، حزب آزادی و سوسیالیسم (مراکش)، حزب توده انقلابی موزامبیک، حزب کمونیست هندوستان.

رفیق پونوماریوف عضو مشاور شوروی سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

نطقی تحت‌عنوان " اهمیت بین‌المللی تشکیل و تکامل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی " در کنفرانس ایراد کرد.

شرکت کنندگان کنفرانس در سخنرانی‌های خود اهمیت جهانی - تاریخی تجربه اتحاد شوروی را در زمینه حل مسئله ملی و ساختن سوسیالیسم و نقش کشورهای شوروی و حزب کمونیست اتحاد شوروی را در مبارزه آزاد پیکش جهان علیه ستم اجتماعی و ملی و در راه صلح و دموکراسی، استقلال ملی و سوسیالیسم خاطر نشان ساختند. بسیاری از سخنرانان اقداماتی را که در کشورهایشان برای بزرگداشت پنجاهمین سالگرد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی انجام میگیرد تشریح کردند. خلاصه‌ای از سخنرانی‌های بخش‌های شرکت‌کنندگان در این کنفرانس در این شماره درج میگردد.

مرحله مهم در راه پیشرفت اجتماعی جامعه بشری

تألیفات: زاروف سردبیر مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم"

کفرانس مابیه رویدادی اختصاص دارد که در تاریخ قهرمانانه پیکارهای انقلابی مقام شاخ اجرا میگذرد.

تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پیش از هر چیز برای زحمتکشان روسیه وروابط ملی تمام جامعه بشری عصر نوینی آغاز نهاد که عصر دوستی و برادری ملل آزاد و نزدیک روزافزون آنها بر بنیاد انترناسیونالیستی است. تشکیل اتحاد شوروی علاوه بر این یکی از عوامل قاطعی بود که برای نوسازی سوسیالیستی جامعه و اعتلای اقتصاد و فرهنگ تمام ملل شوروی و در عین حال تحکیم مواضع بین المللی سوسیالیسم شرایط مساعد فراهم ساخت. این رویداد پیروزی مسلم اصول انترناسیونالیسم پرولتری و ره آورد تحقق عملی اصول مارکسیستی تکامل دولتداری نوین بود.

تشکیل اتحاد شوروی نیز همانند انقلاب اکثریت با نام و فعالیت لنین بزرگ پیوند ناگسستنی دارد. این حکم دارای اهمیت عظیم که مبارزه آزاد بیخشم ملی در دوران امپریالیسم به جزه کلینیک جنبش جهانی در راه نوسازی سوسیالیستی بدل میگردد به لنین تعلق دارد. تعالییم موزون و هماهنگ درباره مسئله ملی را لنین بنیاد نهاده و کار بست خلاق این تعالییم در انطباق با شرایط بسیار پیچیده روسیه کثیرالمله توسط او انجام گرفته است.

اکنون که راه پنجاهساله کشورشوراها را از مد نظر میگذرانیم با احساس سربلندی میتوانیم بگوئیم که حزب کمونیسم - حزب لنین مسئله ملی را درست حل کرده است. مکانیسم مناسبات میان ملت های ساکن در درون کشور برهبری لنین طرحریزی شد و این مکانیسم از "آزمایش و وام" کامیاب بیرون آمد. بدیهیست که این مکانیسم اکنون نیز تکمیل میشود و کار جستجوی بهترین طرق برای تقویت بیش از پیش همکاری میان افراد شوروی و تحکیم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی متوقف نمیگردد. سیستم لنینی مناسبات میان ملل در خدمت تمام خلق های شوروی است.

کفرانس بزرگ و بیخارج حاصله در زمینه ایجاد دولت سوسیالیستی کثیرالمله و ساختمان جامعه سوسیالیستی رشد یافته که با مساعی جمعی زحمتکشان کشورشوراها انجام گرفته و نیز به چگونگی حل مسئله بسیار پیچیده ملی توجه لازم معطوف خواهد داشت.

بنظر میرسد که در بررسی این تجارب باید از آن ملاک های متدولوژیک پیروی کرد که لنین هنگام توضیح چگونگی مفهوم وسیع و متحد اهمیت بین المللی انقلاب سوسیالیستی اکتیسر مطرح ساخته است. در مورد اول یعنی اهمیت بین المللی این انقلاب با مفهوم وسیع آن چگونگی تاثیر کامیابی های اتحاد شوروی در زمینه ساختمان دولت کثیرالمله و نیز تاثیر و پیشرفت سریع و همه

جانیه جمهوری های شوروی در کشورهای ملل گوناگون تجزیه و تحلیل میشود و در مورد دوم از تکرار ناگزیر قانونمندی های اساسی پیدایش و تکامل و مسایات میان ملت ها در کشورهای آسیایی که راه سوسیالیسم در پیش گرفته اند سخن می رود . لنین تعریف جامعی برای این قانونمندی های بیان داشت و صحت آنها برای نخستین بار در جریان ایجاد جامعه سوسیالیستی در اتحاد شوروی به ثبوت رسید .

مارکسیست - لنینیست ها همواره برای تجربه بین المللی مبارزه انقلابی و نوسازی های سوسیالیستی اهمیت فراوان قائل بوده اند . لنین میگفت کمونیست ها باید دستاوردهای تمام ادواری پیشین و هر آنچه را که بهتر و مترقی تر است فراگیرند . این مطلب بویژه در مورد تجربه پیدایش و تکامل کشور کثیرالمله صادق است ، زیرا مللی که هم اکنون به حل مسائل بفرنج ساختمان سوسیالیسم مشغولند و یا برای حل این مسائل آماده میشوند میتوانند از این تجربه چه در کشورهای کم رشد و چه در کشورهای کاملاً رشد یافته استفاده کنند . اتحاد شوروی نه تنها در زمینه برانداختن عقب ماندگی در زمان بسیار کوتاه و رفع سریع خصوصیات های ملی و تأمین اتحاد ملل آزاد در چارچوب کشور واحد کثیرالمله بلکه در زمینه پیشرفت همه جانبه اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی نیز تجربه کافی دارد . این پیشرفت ها اتحاد شوروی را بیکی از نیرومندترین کشورهای جهان بدل ساخته و آنرا در سنگر مقدم انقلاب علمی و فنی قرار داده است . بدیهیست که استفاده از تجربه و آرنجمله از تجربه شوروی برخوردار خلاق باین تجربه و در نظر گرفتن کلیه رجحان ها و نقصان ها و نیز توجه به ویژگی شرایط ملی هر کشور و اوضاع و احوال جهانی را ایجاد میکنند .

یك نکته دیگر نیز باید یاد آور شد : مارکسیست - لنینیست ها بر آنند که در دوران ما اعتبار بین المللی اتحاد شوروی و تأثیر نیکوی آن در پیروان انقلابی و در مجموع سیاست جهانی افزایش میدهد . تصدیق این مطلب نشانه حسن نیت یا سوء نیت نیست بلکه تصریح يك واقعیت عیان است . بنظر ما کم بهاداران باین واقعیت در حکم عدول از موضع استوار واقع بینی و غلبیدن به سراسیمه شدن گزاف و امتناع از بازگردن شیوه برخورد طبقاتی برای تحلیل سیر تکامل جهان کنونی است .

رفقا اجازه بدید امیدوار باشیم که کنفرانس ما با روح برخورد رقیقانه به بحث مورد بررسی برگزیده و به تحلیل بسیاری از مسائل مهم ناشی از تجربه پنجاه ساله رشد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی کمک کند .

اهمیت بین‌المللی تشکیل و تکامل اتحاد شوروی*

ب . ن . پونوماریف

عضو مشاور و دبیر سیاسی و دبیر کمیته
مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

در ۳۰ دسامبر سال ۱۹۲۲ کنگره شوراهای سراسر شوروی به پیشنهاد و ای. لنین تصمیمی تاریخی اتخاذ نمود و تأسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را اعلام داشت. این تصمیم که بیانگر اراده تمام ملل و خلق‌های کشور شوروی بود، پیروزی انترناسیونالیسم پرولتری و سوسیالیستی و پیروزی سیاست ملی‌لنیستی حزب ما بود. این در عین حال یکی از بزرگترین کامیابی‌های طبقه کارگر جهانی و نیروهای سوسیالیستی بود.

لنین خاطر نشان می‌ساخت که اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی همچنان‌که برای خلق‌های کشور مالا زم است، برای "پرولتاریای کمونیستی سراسر جهان و برای مبارزه با بورژوازی جهانی و برای دفع دسائیس آن" (۱) نیز ضرورت دارد.

تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از لحاظ نتایج اقتصادی و سیاسی واید ثلوثیك خود مرحله درخشانی را در تاریخ دولت شوروی و در پیشرفت اجتماعی تمام جامعه بشری بوجود می‌آورد. وحدت دولتی جمهوری‌های شوروی در تحکیم و تقویت دستاوردهای انقلاب اکتبر و تأمین رشد سریع و همه‌جانبه کشور، تحقق برتری‌های نظام سوسیالیستی، تحکیم قدرت دفاعی و اعتبار جهانی دولت شوروی نقش عظیم داشت. دوستی خلق‌های شوروی پیوسته عامل مهم اعمال تأثیر انقلابی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بر تکامل جهان بود و هست.

نتایج راه عظیمی که دولت کثیرالمله شوروی طی کرده در قطعنا مکمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی "بنا بر است تدارک پنجاهمین سالروز تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی" جمع‌بندی شده است.

بررسی تئوریک مسئله ملی بوسیله لنین و جمع‌بندی تجربه سیاست‌مدارانی حزب و دولت ما در

* - متن کامل سخنرانی در کتاب "اتحاد شوروی و جهان معاصر" از نشریات "صلح و سوسیالیسم" پراگ، سال ۱۹۲۲ انتشار می‌یابد. متن کامل تمام سخنرانی‌ها نیز در این کتاب درج می‌گردد.
(۱) - لنین، مجموعه کامل آثار، جلد ۴۵، ص ۳۶.

اسناد حزب کمونیست اتحاد شوروی سهم برجسته ای در غنای مارکسیسم — لنینیسم داشته و مورد قبول همگان قرار گرفته است .

با توجه با این امر که تمام جامعه بشری از طبل و خلیق ها تشکیل یافته و تکامل در ولت و جامعه تا مدتی مدید از لحاظ شکل خصلت ملی خواهد داشت و باید در نظر گرفتن نقش عظیمی که عامل ملی در مناسبات تعیین کشورهای و در داخل کشورهای ایفاء میکند . اهمیت واقعا جهانی — تاریخی تئوری لنینی مسئله ملی و اقدامات حزب در راه تحقق این تئوری برای مبارزه طبقاتی بخاطر تحول انقلابی جامعه با وضوح بیشتر آشکار خواهد شد .

نقش تاریخی حزب کمونیست اتحاد شوروی در تئوری و پراتیک

حاصل مسئله ملی

مارکس و انگلس مسئله ملی را بمثابة يك مسئله اجتماعی بنیاد نهادند و رابطه متقابل آنرا با مسائل تجدید سازمان سوسیالیستی جامعه نشان دادند . آنان اصول انترناسیونالیسم پرولتری ، وحدت منافع انترناسیونالیستی و ملی پرولتاریا را از لحاظ تئوری پایه گذاری کردند . کاملاً روشن است که تئوری علمی مسئله ملی فقط پس از پیدایش طبقه کارگر در صحنه جهانی میتوانست بوجود آید . تاریخ نقش قاطع در حل مسئله ملی را فقط به عهد طبقه کارگر گذارده است . مسئله ملی در دوران امپریالیسم و در شرایط گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم در مقیاس جهانی حدت بیشتری یافته است .

لنین که اصول انترناسیونالیسم پرولتری را موافق شرایط دوران جدید تکامل بخشید مورد نقش عظیم جنبش آزاد بیخشی ملی را در مبارزه طبقاتی انقلابی در جهان علیه سیادت امپریالیستی و نظام سرمایه داری و در راه تحول سوسیالیستی جهان آشکار ساخت .

— لنین حزب پرولتری را با برنامه انقلابی در باره مسئله ملی مجهز ساخت و مطالبات سیاسی و اصول هندلویک این برنامه را تنظیم نمود . این برنامه بخش جدائی ناپذیر برنامه استراتژیک لنین را در باره انقلاب سوسیالیستی و استقرار دیکتاتور پرولتاریا تشکیل میدهد .

— لنین در یاد لکتیک حل واقعی مسئله ملی را تشریح نمود و تئوری و عمل ثابت کرد که شمار حق تمام ملل برای تعیین سرنوشت خویش تاحد جدائی در شرایطی که حزب کمونیست نیروی رهبری کننده باشد ، به جدائی ملل منجر نشده و میتواند و باید همبستگی و اتحاد د اوطنیانه و آزادانه ملل را در مبارزه مشترک آنان بخاطر آیند به بهتر و سوسیالیسم تأمین نماید .

— لنین مسئله اصولی نوین تشکیلات دولتی بر مبنای ملی را پایه گذاری کرد و این مسئله را در عمل حل نمود . لنین مبنای تئوریک مناسبات سوسیالیستی میان ملل و دول را بوجود آورد و طرق و اشکال مشخص ایجاد دولت کثیر الملله سوسیالیستی را نشان داد .

— لنین نشان داد که جلبتوبدهای دهقانی و خرد و بورژوا با مبارزه انقلابی و سپس بمبارزه در راه سوسیالیسم زیر رهبری پرولتاریا ، ماهیت برخوردار صحیح به مسئله ملی را در کشور کثیر الملله تشکیل میدهد . یکی از شرایط پیروزی انقلاب اکثریت پیروزی سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی این بود که طبقه کارگر روسیه بیاری میاست انترناسیونالیستی خود توانست توده های چند ملیونی دهقانان ملیت های مختلف را بسوی خود جلب کند و آنان را به انقلاب و مبارزه در راه سوسیالیسم رهبری نماید .

— لنین نظریات پرولتریستی راست و " چپ " را شدیداً انتقاد نمود و بی پایگی نیمه لیسم را در مورد مسائل ملی و جنبش آزاد بیخشی ملی و نیز نادرستی کوشش های ناسیونالیستی را در جهت

پرده پوشی و یا تحریف محتوی اجتماعی مسائل ملی آشکار ساخت . لنین برای ناسیونالیسم ملت ستمکش محتوی دموکراتیک و ضد امپریالیستی قائل بود و در عین حال اشکال وحدت پشیمانیه حزب پرولتری را از این ناسیونالیسم نشان میداد .

(۱) — لنین "خوشبختی و ارتباط وحقی یکسانی اپورتونیسم را با سوسیال — ناسیونالیسم تمام آشکار ساخت و خطراتی را که ناسیونالیسم در پیوند با اپورتونیسم و ریبزیونیسم میتواند برای انقلاب داشته باشد نشان داد .

شعارهای لنین درباره حق ملل در تعیین سرنوشت خویش تا حد جدائی و اتحاد داوید — طلائیانه و آزادانه ملل نه فقط در تکامل انقلاب روسیه نقش عظیم داشت ، بلکه انگیزه ای نیرومند برای انقلابی کردن توده ها ، گسترش مبارزه آزاد پیخش ملی خلق های ستمکش در سراسر جهان بود . باید اهمیت اصولی شیوه برخورد انترناسیونالیستی لنین را به ترکیب سازمانی حزب نیز خاطر نشان نمود . بطوریکه میدانیم این شیوه در مبارزه علیه نظریات سوسیال — دموکراسی اتریشی درباره اصطلاح " خود مختاری فرهنگی — ملی " و مبارزه در داخل روسیه علیه منشویک ها و هولد را بوند که کار را به تجزیه حزب وجدائی سازمانی برحسب علائم ملی میکشاند ، پیروز شد . این نکته حائز اهمیت فراوان است که هم در آستانه انقلاب سال ۱۹۱۷ و هم در آستانه تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سال ۱۹۲۲ در سراسر سرزمین عظیم کشور ما چندین سال بود که سازمانهای حزبی واحدی فعالیت داشتند که کمیونیستهای ملیتهای مختلف — روس ، اوکراین ، بلوروسی ، لتونی ، گرجستان ، ازبکستان ، آذربایجان ، استونی ، لیتوانی ، آریک ، کازاخ ، یهودی ، تاتار ، نمایندگان خلق های قفقاز شمالی و غیره را متحد ساخته بودند . این واقعیت به محل صحیح مسئله ملی در کشور ما و به ایجاد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بمریان زیاد کمک نمود . تذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که در روسیه پس از انقلاب فوریه ده ها حزب ناسیونالیستی بوجود آمد . تمام این احزاب در راه " استقلال " به مفهوم بورژوائی و ناسیونالیستی آن مبارزه میکردند و خلقی را در برابر خلقی دیگر قرار میدادند و این کار به خصوصت ملی و تحریک ملتی علیه ملت دیگر منجر میشد . اگر این جریان ادامه مییافت ورشته های برادری و همبستگی که میان خلق های روسیه طی مبارزه مشترک علیه تزار ایسم ضد انقلاب پدید آمده بود ، مانع آن نمیشد ، اگر این جریان با مقابله قاطع حزب کثیرالملله طبقه کارگر که بر مبنای انترناسیونالیستی استوار بود ، روبرو نمیکردید ، نه حفظ دستاورد های انقلاب و تطبیق اولی ساختمان سوسیالیسم میسر میگردد . بطوریکه جنگ داخلی نشان داد منطق ناسیونالیسم کار را به ضد انقلاب و بالنتیجه به خیانت به منافع حیاتی ملی هر یک از خلق ها و تمام خلق های اتحاد شوروی میکشاند . تصادفی نیست که بسیاری از احزاب ناسیونالیستی با امپریالیست ها و مداخله گران خارجی ارتباط نزدیک داشتند و میزدوران آنان تیدیل شدند .

حل مسئله ملی در کشور ما در شرایطیک دولت کثیرالملله ، یکی از مهمترین عوامل تجدید سازمان سوسیالیستی جامعه بود .

رققا ، درباره رشد و تکامل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نکات فراوان و بسیار فراوان

(۱) — لنین ، جلد ۴۶ ، ص ۱۵۱ .

— بوند — " اتحادیه کل کارگران یهود لتونی و لهستان و روسیه " ، سازمانی که در سال ۱۸۹۷ بر پایه ناسیونالیسم و تجزیه طلبی در جنبش کارگری روسیه بوجود آمده بود . مترجم .

میتوان گفت . مهم آنکه تجربه این تکامل با اطلاع توده های مردم سراسر جهان برسد . در اینجا فقط یادآوری برخی نکات مهم برای ما میسر است .

در کار ساختن دولت تحقق پیگیر برنامه لنین بمعنای ایجاد سازمان دولتی شوروی واحد برای تمام ملل ، تامین برابری کامل سیاسی و حقوقی خلق های کثیرالعدد روسیه در چارچوب دولت متحد واحد بود . بدینسان شالوده اتحاد داوطلبانه ملل بنحوی که هرگونه زورگویی ملتی را بر ملت دیگر برمیانداخت و بگفته لنین " به اعتماد کامل ، درك روشن وحدت برادرانه ، توافق کامل داوطلبانه " (۱) میتنی بود ، پی ریزی شد . چنین مناسباتی میان ملل تاکنون در تاریخ شناخته نبود .

حزب با رهبری کار خلاق و زنده توده ها عملاً ثابت کرد که اتحاد جمهوری های سوسیالیستی که از عهد آزمايش دشوار جنگ کبیر میهنی برآمد ، استوارترین و در عین حال انصاف پذیرترین شکل ساختمان دولتی در کشور کثیرالمله بوده و برای تکامل پیگیر بنیاد ملی - دولتی کشور امکان فراهم آورد و منافع تمام جامعه را با منافع هر یک از ملتها و خلق ها بر پایه دموکراسی سوسیالیستی شوروی بنحوی هماهنگ پیوند میدهد .

در عرصه ساختمان اقتصادی و فرهنگی تحقق برنامه ملی لنین پیش از همه بمعنای تمرکز مساعی برای برانداختن نابرابری واقعی ملل که از گذشته با رثا رسیده ، بود . سیاست حزب کمونیست اتحاد شوروی به یکسلسله از ملیت ها ی کشور ما فرصت داد تا به امکان گذار به سوسیالیسم از راه طفره رفتن از مرحله رشد سرمایه داری ، عملاً تحقق بخشند .

نظریه حزب کمونیست اتحاد شوروی در باره تکامل فرهنگ با شکل ملی و مضمون سوسیالیستی حائز اهمیت فراوان بود . این کشف بزرگ حزب ما بود . نتایج حاصله از سیاست حزب ما در این زمینه حائز اهمیت جهانی و تاریخی است . دانشمندان شوروی برای بیش از ۵۰ سال که در گذشته فاقد کتابت بودند ، شیوه نوشتن تنظیم کردند . بدینسان حکومت شوروی در عرصه زبان یعنی یکی از مهمترین عرصه های حیات ملی نیز نه فقط برابری و برابری حقوقی را اعلام کرد ، بلکه برای تحقق این برابری حقوقی تمام شرایط مادی ضروری بوجود آورد .

در زمینه ایدئولوژی و سیاست تحقق برنامه لنینی بمعنای انجام پیگیر خط مشی حزب و دولت شوروی در باره بسط و تحکیم و تقویت خلق های اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بر پایه اصول انترناسیونالیسم پرولتری و مبارزه علیه بقایای ایدئولوژی بورژوازی - ناسیونالیستی در اندیشه و عمل مردم ، علیه شوونیسم و ناسیونالیسم بود .

حل صحیح مسئله ملی در کشور شوروی از راه تحقق شعار لنین در باره مبارزه با شوونیسم عظمت طلبانه و ناسیونالیسم محلی ، شعار بگونه ای که دارای وحدت و یگانگی است ، تامین گردید . حزب در فعالیت تئوریک و سیاسی خود در مراحل مختلف و متناسب با شرایط مشخص ، گاه باین ، گاه بآن شعار تکیه میکرد .

دستاورد بزرگ حزب ما و نتیجه عمده سیاست لنینی آن در مسئله ملی این بود که در جریان مبارزه در راه سوسیالیسم و کمونیسم اشتراک تاریخی نوین یعنی خلق شوروی پدید آمد ، خلق های کشور ما که زندگی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی واحدی آنان را بهم پیوند میدهد و ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی آنان را متحد میسازد ، کلکتیو کثیرالمله واحدی را تشکیل میدهد . پیوند

ارگانیک میان ویژگیهای ملی و خصائل مشترکی که دارای ماهیت سوسیالیستی و انترناسیونالیستی است، از مشخصات خلق شوروی است.

حزب کمونیست اتحاد شوروی دوستی خلقهای کشور شوروی را که مهمترین عامل پیروزی های تاریخی و افزایش قدرت اقتصادی و سیاسی کشورها را رفتن مداوم سطح رفاه و فرهنگ مردم شوروی و تکامل آگاهی کمونیستی آنانست، همچون مردمک چشم حفظ میکند. حزب کمونیست اتحاد شوروی با تمام گرایش های ناسیونالیستی در هر جا و به هر شکلی که بروز کند، بنحوی قاطع مبارزه میکند.

کنگره ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی در آستانه پنجاهمین سالگرد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی برنامه عظیم تازه ای برای ادامه ساختمان کمونیسم تصویب کرد. این برنامه رشد همگانه تمام جمهوری های شوروی برادر رودرین حال نزدیک تدریجی بیشتر ملل و خلق های کشورها را پیش بینی کرده است. رفیق برژنف در گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی خاطر نشان ساخت که "این نزدیکی در شرایطی که ویژگیهای ملی دقیقاً در نظر گرفته میشود و فرهنگ های ملی سوسیالیستی تکامل مییابد، انجام میگیرد. توجه مستر به منافع عمومی و مشترک سراسر کشورها و نیز منافع هر یک از جمهوری های متشکله آن ماهیت سیاست حزب را در این مسئله تشکیل میدهد".

در تاریخ، هیچ کشور دیگری که باندازه روسیه دارای ملل و خلق های مختلف و مسائل ملی گوناگون باشد، وجود نداشته است. برخی خلق های کشورها در گذشته دارای تشکیلات دولتی خود بودند و برخی دیگر فاقد آن. مسئله ملی به مثابه مسئله استعماری نیز بروز میگرد و اختلافات مذ هبیه به بغرنجی آن میافزود. مسئله ملی شاملی مسائل مربوط به مناسبات متقابل خلقهای مختلف است که بطور متراکم در داخل سرزمین واحد زندگی میگردند و مسائل مربوط به اقلیت های ملی که در نواحی مختلف پراکنده بودند، نیز میشود. حزب کمونیست اتحاد شوروی در مراحل مختلف فعالیت خود نه فقط شرایط اجتماعی و سیاسی داخلی کشور، بلکه شرایط بین المللی را نیز در حل مسئله ملی پیوسته در نظر میگیرد. حزب ما برای نخستین بار در تاریخ توانست کبید حل تمام این مسائل را بیابد. در این حال حزب کمونیست اتحاد شوروی در سیاست انترناسیونالیستی خود همیشه بر آن بود که منافع دراز مدت ملی فقط بر پایه حل مسائل مشترک جنبش انقلابی جهانی میتواند تامین گردد. ما معتقدیم که تمام آنچه گفته شد مجموعاً میتواند غنای کامل و اهمیت جهانی تجربه حزب کمونیست اتحاد شوروی را در حل مسئله ملی آشکار سازد.

مسئله ملی در جهان ما صرفاً اهمیت تجربه حزب کمونیست اتحاد شوروی

در تکامل مسئله ملی در مقیاس جهانی در واقع مرحله نوینی آغاز شده است. خصائص اساسی این مرحله کدام است؟
پیش از همه عبارتست از تحکیم پیوند دیالکتیکی میان مسائل بین المللی و مسائل ملی در تکامل اجتماعی تمام جامعه بشری. از یکسو پیرویه خروشان تکوین و تثبیت ملل و توضیح آنان و مبارزه شدیدی بخاطر پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ملل جریان دارد. در چنین شرایطی مسئله ملی فعلیت وحدت خاصی پیدا میکند. از سوی دیگر پیرویه نزدیکی خلق ها انجام میگیرد و شرایط عینی و ویژه شرایط تکنیکی و اقتصادی برای وحدت اقتصادی و برانداختن حصارهای موجود میان ملل و نزدیک شدن آنان گسترش مییابد. اشتراک منافع ملل در مبارزه بخاطر صلح و دموکراسی و پیشرفت اجتماعی بیشتر از پیش نمودار میگردد. تاثیر متقابل فرهنگ ها افزایش مییابد.
ثانیاً حل ملی مسئله ملی فقط در اتحاد شوروی، بلکه در گروه کشورهای سوسیالیستی

پیدایش نوع جدید مناسبات دولتی میان خلق های آزاد سوسیالیستی ویراین پایه پدید آمدن اشتراك بیسابقه میان ملل و دول یعنی پیدایش جامعه کشورهای سوسیالیستی .

پایان تحقق اساسی اصل خود مختاری دولتی ملل در منطقه عظیم مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق ، قوام یافتن کشورهای نوخاسته ملی ، قرار گرفتن مناسبات سیاسی و اقتصادی آنان با خارج بر مبنای جدید ، تبدیل شدن تضاد میان متروپول های امپریالیستی با مستعمرات به تضاد میان امپریالیسم که از سیاست نو استعماری پیروی میکند با کشورهای نوخاسته ملی .

رابطه تجدید حیات جنبش های ملی در یک سلسله از کشورهای سرمایه داری پیشرفته ای که مدت ها است دوران تحولات بورژوازی و بورژوا - دموکراتیک را از سر گذرانده اند .

خاصیت محتوی اجتماعی کیفانویین مسئله ملی ، رابطه نزدیک میان مبارزه با خطر رهسپاری از راه امپریالیستی از یک سو و مبارزه علیه مناسبات استثنای و گرایش های ضد سرمایه داری از سوی دیگر . سازمان پروسه مبدل شدن احزاب کمونیست به نیروی سیاسی قابل ملاحظه در بسیاری از کشورهای سرمایه داری موجبات گسترش دامنه وظائف بین المللی کمونیست ها را فراهم می آورد . این امر تلفیق صحیح وظائف ملی را با وظائف انترناسیونالیستی ضرورت می سازد و مستلزم درک عمیق و محاسب آوردن این نکته است که مابین احزاب کمونیست با رشد و تکامل جنبش جهانی کمونیستی و نفوذ و تاثیر آن در وضع جهانی رابطه مانگستنی دارد .

دوران ما بیش از هر زمان دیگر امکانات انقلابی و ضد امپریالیستی توده های وسیع مردم که منافع ملی و آرمان هایشان تضاد آشتی ناپذیر با امپریالیسم دارد ، افزایش می یابد . و این معلول تناسب جدید نیروهای طبقاتی در عرصه جهانی ، اعتلای خود آگاهی سیاسی خلق ها و اطمینان آنان به پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی و تمام نیروهای ترقیخواه متشکل و نیز معلول تحول اساسی در تمام محیط زندگی بین المللی است . اندیشه لنینی درباره خود مختاری ملی و برابری حقوق اکنون به نیروی مادی واقعی بدل شده است .

میان پیشرفت مبارزه آزاد بیخش ملی و تاثیر و نفوذ سیاست بین المللی لنینی حزب کمونیست اتحاد شوروی و خط مشی مشترک تمام جامعه کشورهای سوسیالیستی که هدف آن تحکیم صلح عمومی و مهار کردن نیروهای تجارکاران ، رابطه بسیار نزدیک وجود دارد . اجرای برنامه صلح که در کنگره ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی بتصویب رسید ، تحول قابل ملاحظه ای در امر تخفیف و خامت بین المللی بوجود آورد . ابتکارات اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سیاست خارجی ، بخصوص اجرای قرارداد با جمهوری فدرال آلمان و یک سلسله موافقتنامه های کبابالات متحده منعقد گردید به پیشرفت اوضاع جهان در جهت مساعد برای حل مسائل بنیادی ملی و اجتماعی بسیاری از خلق ها کمک میکند . اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی محافل امپریالیستین را به در نظر گرفتن وضع واقعی جهان و اداری سازند و میگویند تا به حق ملل برای تعیین سرنوشت خویش و پیشرفت مستقل و آزاد بدون دخالت خارجی عملاً احترام گذارده شود .

اکنون رابطه عینی میان مسئله ملی و سیر تضاد اساسی دوران یعنی پروسه گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم در مقیاس جهانی ب میزان قابل ملاحظه ای افزایش یافته است .

تشکیل و تکامل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نمونه ای بود برای چگونگی تکامل تشکیلات دولتی بر مبنای ملی در چارچوب یک کشور متحد و جامعه جهانی کشورهای سوسیالیستی نمونه ایست برای تکامل روابط بیشتر از پیش نزدیکتر ملل مستقل و برابر حقوق سوسیالیستی بر پایه مناسبات میان کشورهای سوسیالیستی .

تجربه حاصله در نمایشات متقابل کشورهای سوسیالیستی نشان میدهد که تکامل همه جانبه و آزاد هر یک از کشورهای سوسیالیستی شرط مادی موفقیت تمام کشورهای سوسیالیستی است و هر یک از کشورهای سوسیالیستی بنوبه خود با انجام وظیفه انترناسیونالیستی و ایفای نقشی خود در امر تأمین همبستگی اقتصادی و سیاسی و امید ثلوث بزرگ کشورهای سوسیالیستی، دستاوردهای خود را تحکیمی بخشد و بر آنها میافزاید.

اعتماد متقابل و همکاری نزدیک و همه جانبه و برادرانه میان کشورهای سوسیالیستی بیانگر نیازمند بیهای عینی تکامل سوسیالیسم جهانی و قانونمندی تحکیم آتش آنست و در همین حال تحقق منافع ملی هر یک از اعضاء خانواده سوسیالیستی خلقها را تأمین میکند.

دولت شوروی و تجربه و سیاست آن بیش از نیم قرن است که عامل واقعی نیرومندی را در پیشرفت اجتماعی منطقه جنبش آزاد بیخشی ملی تشکیل میدهند.

اکنون بیش از هر زمان دیگر موفقیت خلقها در مبارزه با خطر تحکیم استقلال خود و کارآیی مقابله آنان با استعمار نوین، پیش از همه به چگونگی استفاده از تحولات مثبتی که در چند دهه اخیر در وضع جهانی بزمین زیاد در نتیجه افزایش قدرت اقتصادی و نظامی - سیاسی اتحاد شوروی و تمام کشورهای سوسیالیستی حاصل شده، وابسته است.

پشتیبانی همه جانبه حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی از کوبای انقلابی و خلقهای هند و چین و کشورهای عربی و شیلی و پشتیبانی از مبارزانی که علیه رژیمهای استعماری و نژاد پرست در افریقا برخاسته اند - همگی در جنبش آزاد بیخشی دوران معاصر نقش مهم داشته است. جنبش لنینی ما و تمام خلق انترناسیونالیست شوروی با تمام خلقهایی که در راه آزادی و استقلال خود و علیه امپریالیسم مبارزه میکنند همبستگی خلل ناپذیر موثر دارند.

مسئله ملی اکنون در مناطق مستعمره و نیمه مستعمره سابق دارای ویژگیهای محینی است. بدین قرار:

اولاً، امپریالیسم با استفاده از شیوههای نو استعماری میکوشد، سیستم تبعیت اقتصادی و سیاسی مستور و ظریف نوینی را به کشورهای نو استقلال تحمیل کند. در نتیجه، پروسه تحکیم روابط اقتصادی میان آنان و گرایش عمومی در جهت برافتادن سدهای اقتصادی و سیاسی و فرهنگی میان کشورهای مختلف، بیش از پیش با خصلت استثمار سیستم امپریالیسم برخورد و تصادم پیدا میکند بنابراین امکاناتی که نیروهای مولده کهنی برای نزدیکی خلقها بوجود میآورد، عقیم میماند و منحرف میگردد.

ثانیاً، باید عواقب گوناگون شرکت فعال در همه کشورهای نو استقلال ملی را در زندگی بین المللی در نظر گرفت. در دفاع از منافع حقه ملی، مرزی ولو کاملاً باریک و متحرک ولی کاملاً معین وجود دارد که تجاوز از آن کار را به خودگرائی و بی اعتنائی به وظائف مشترک تمام خلقها و حل مسائل خاص یک ملت بدون در نظر گرفتن منافع سایر ملل و گاه حتی به زیان آنها میکشاند. در چنین شرایطی آنچه ملی بود خصلت انترناسیونالیستی بخود میگردد.

امپریالیسم برای جلوگیری از اتحاد کشورهای نو استقلال ملی برای دفاع از منافع مشترک خود و بخصوص از گسترش همگرایی آنان با کشورهای سوسیالیستی به تلاشهای خود میافزاید. و این خطری بزرگ ایجاد میکند، زیرا این کاملاً روشن است و واقعیتها نیز به ثبوت رسانده اند که فقط پشتیبانی اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی میتواند در برابر کشورهای نو استقلال ملی برای تحکیم استقلال سیاسی آنان و ایجاد اقتصاد ملی و شرکت در پروسه اتحاد اقتصاد برپایه برابری حقوق و نفع متقابل درونمای واقعی بوجود آورد.

تصادف ماستعلی در داخل خود کشورهای آزاد شده از استعمار نیز بروز میکند . این امر محلول عوامل مختلف است . در مواردی ریشه های عمیق این قبیل تصادمات را باید در گذر شته دور ، زمانیکه در این مناطق کشورهای فئودالی سرهم بندی میشد که خلق ها و اقوام گوناگون را در داخل مرزهای خود گرد میآوردند ، جستجو کرد . باید این را نیز در نظر گرفت که اشغالگران امپریالیستی چنان مرزها بی برای مستعمرات خود بوجود میآوردند که بهمینوجه با محل سکونت خلقهای جداگانه که در طول تاریخ پدید آمده بود ، هماهنگی نداشت . بعلاوه استعمارگران نه فقط کانون های اختلافات ملی — مذهبی را که پیش از آنان وجود داشت ، حفظ میکردند ، بلکه عمداً به تصویب این اختلافات کمک میکردند .

تیک

حل مسئله ملی در داخل کشورهای کثیرالمله آسیا و آفریقا فقط از راه تحولات عمیق در مودکرا و ضد امپریالیستی و مبارزه پیگیر با استعمار نوین و امپریالیسم میسر است .

از این لحاظ طبیعی است که نیروهای تیرقیخواه و احزاب کمونیست کشورهای کثیرالمله آسیا و آفریقا برای مطالعه تجربه خلقهای اتحاد شوروی در ایجاد دولت کثیرالمله اهمیت فراوان قائلند . یکی از رجال کهنسال حزب کمونیست هند ، رفیق شی . سرد سانی در کتاب خود " هند و ستا و انقلاب روسیه " مینویسد : " هند آرزای مطالعه دقیق اینک انقلاب روس و اتحاد شوروی مسائل مهم حیاتی ایراکه ما در جریان بدست آوردن استقلال بحل آنها موفق نشدیم و تاکنون نیز لا ینحلی باقی مانده اند ، توانستند حل کنند ، بهره فراوان گرفته است . . . نمیتوان تردید داشت که موفقیت های اتحاد شوروی در ایجاد خانواده سعادتمند خلق های مختلف راه ما را برای رسیدن بآیند هد ف روشن میسازد و برای اجتناب از بسیاری دشواریها در راه رسیدن باین هد ف بها کمک خواهد کرد " .

کمونیست ها این را وظیفه اساسی سیاسی خود میدانند که اعتلای جنبش آزاد بیختر ملی در تمام اشکال خود و بالا رفتن سطح خود آگاهی ملی حتماً در خدمت مبارزه علیه امپریالیسم و هد ف های پیشرفت اجتماعی و آزادی زحمتکشان قرار گیرد . اصل مهم آنستکه این پیرو سه هانه بانفرد وجدائی ملل و خلق های مختلف ، بلکه به نزدیکی آنان ، نه به تضعیف و پراکندگی نیروهای ضد امپریالیست ، بلکه با اتحاد و یکپارچگی آنان منجر گردد .

واقعیت های چند ده سال اخیر حاکی است که در کشورهای رشد یافته صنعتی سرمایه سه داری نیز مسئله ملی که بنظر میرسد در قرن ۱۹ و انتظام یافته ، از نو حدت یافته است . جنبش آزادی بخش سیاهپوستان در ایالات متحده آمریکا ، مبارزه ساکنین کاتولیک ایرلند شمالی علیه سیاست امپریالیستی و ارتجاع محلی ، نامبائتیمان فلانماندها و والون ها در بلژیک ، مسائل کاتالون و کشور باسک ها در اسپانیا و ساکنین فرانسی کانا داس همگی نشان میدهند که حل مسئله ملی در منطقه سرمایه داری رشد یافته نیز بنحوی جدی مطرح است .

لنین در زمان خود ضمن انتقاد کسانی که نقش مسئله ملی در اروپای غربی کم بها میدادند ، خاطر نشان میساخت که بر زمینه تصادمات میان کشورهای امپریالیستی چنان وضعی میتواند بوجود آید که مسئله دفاع از آزادیهای ملی و جنگ های ملی از نو در این کشورها مطرح گردد .

بطوریکه میدانیم در سالهای دومین جنگ جهانی ، زمانیکه تجاوزهیتلری در بسیاری از کشورهای سرمایه داری اروپا به فاجعه ملی انجامید و در موارد مهمی حتی موجودیت این کشورهای خطر افتاد ، چنین وضعی پدید آمد . جنگ علیه فاشیسم در عین حال جنگ بزرگ آزاد بیختر طلسمی خلق ها بود و در این جنگ دفاع از منافع ملی با مبارزه در راه دموکراسی و در برخی کشورها با مبارزه در راه سوسیالیسم پیوند ناگسستنی داشت .

نخستین کشور سوسیالیستی یعنی اتحاد شوروی که با اصول انترناسیونالیسم پرولتری تشکیل یافته بود در نجات خلق های اروپا از فاشیسم آلمان و سرکوب ملیتاریسم ژاپن و در ایجاد شرایط ضروری برای احیای کشورهای مستقل ملل در قاره اروپا ، برای آزادی ملی و اجتماعی خلقهای اروپای شرقی و چین و برخی کشورهای آسیای شرقی قاطع داشت .

استقلال ملی خلق های اروپای غربی و ژاپن و سایر کشورهای سرمایه داری در سالهای پس از جنگ از نود و معرضی خطر قرار گرفت و این بار از طرف امپریالیسم امریکایی که وظیفه ژاندارم جهانی را بر عهده گرفته بود و در نظر داشت يك امپراتوری جهانی برای خود بوجود آورد .
اگر این مقاصد محافل حاکم ایالات متحده امریکایی با وجود تمام مساعی آنان تحقق نیافت و دعای این محافل برای تسلط جهانی و تابع کردن کامل سایر کشورهای عملی نشد - مبارزه پیگیر و خستگی ناپذیر نیروهای دموکراتیک در راه دفاع از استقلال ملی آنها در این امر نقش درجه اول داشت .
سیاست اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی نیز در این امر نقش کم اهمیتی نداشت . بدیهی است که اکنون نمیتوان گفت این مبارزه پایان یافته است . بعلاوه مسئله دفاع از منافع ملی در سال های اخیر در مقطع دیگر مطرح شده است و آن مقابله با تلاش های انحصارات جهانی عظیمی است که معمولاً از طرف سرمایه های امریکایی اداره میشوند و میخواهند حق حاکمیت سایر کشورهای سرمایه داری را پایمال کنند .

خطری را که نقشه ایجاد اتحاد سیاسی مافوق ملی بر پایه " بازار مشترک " خلق های اروپای غربی را تهدید میکند و سرکردگان سرمایه انحصاری در آن فرمانروائی خواهند کرد ، نباید از نظر دور داشت .

مسئله ملی با جوانب کاملاً گوناگون خود در برنامه های مبارزه ضد انحصاری احزاب کمونیست در راه تحولات دموکراتیک بنیادی جامعه جای برجسته دارد .
مبارزه در راه تامین منافع زحمتکشان مهاجر در فعالیت احزاب کمونیست کشورهای اروپای غربی مقام مهمی دارد . وضع کارگران خارجی بوضوح نشان میدهد که پیروسه بین المللی شدن زندگی اقتصادی در شرایط سرمایه داری دارای خصلت استثمار و ضد کارگری است . احزاب کمونیست و سندیکاهای مترقی ضمن دفاع از منافع مشترک طبقه کارگر خود ، کارگران خارجی را بمبارزه ضد انحصاری جلب میکنند و علیه سیاست بورژوازی برای ایجاد تفرقه در صفوف کارگران ، علیه هرگونه تبعیض اقتصادی و سیاسی در مورد زحمتکشان خارجی ، بخاطر تامین حقوق برابر برای آنان بنحوی پیگیر مبارزه میکنند .



تجربه اتحاد شوروی بنحوی مقنع به ثبوت رساند که پیروزی انقلاب سوسیالیستی و حل مسئله ملی بر این پایه ، بد و من مبارزه پیگیر و آشتی ناپذیر باید تلوژی ناسیونالیسم بورژوائی و با تحریفات خرده بورژوائی اصول انترناسیونالیسم پرولتری غیر ممکن میباشد .
لنین نیروی خاص و یاپیداری خرافات ناسیونالیستی را با رها خاطر نشان ساخته است .
لنین هشدار میداد که پایهای پیروزی سوسیالیسم در کشورهای تازه ، مسئله مبارزه با ناسیونالیسم برای سر نوشت تمام جنبش انقلابی جهانی اهمیت بیشتر کمپ خواهد کرد .
اهمیت این مبارزه را بویژه از آنجهت باید خاطر نشان ساخت که با مسئله حاد دوران ما -

مسئله جنگ و صلح - رابطه مستقیم دارد .

در چنین شرایطی کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست مسئولیتی عظیم بعهده دارند . زیرا رهائی جامعه بشری از اختلافات ملی و تحکیم دوستی میان تمام خلق های جهان ما به چگونگی فعالیت آنان بستگی دارد .

ولی رهبری کنونی حزب کمونیست چین برخلاف این حکم زمان عمل میکند . خط مشی رهبری چین نشان میدهد که این رهبری در امر وفاداری نسبت به انترناسیونالیسم پرولتری و آزمایشی که تاریخ از حزب کمونیست حاکم بعمل میآورد از عهده برنمیآید . این امر کار را عملاً به قطع رابطه رهبری مائوئیستی حزب کمونیست چین با جنبش کمونیستی ، تیره شدن روابط با کشورهای سوسیالیستی و اتحاد شوروی و حتی به تهدید نظامی اتحاد شوروی کشاند .

این سؤال پیش میآید که علت این پدیده متباین با ماهیت سوسیالیسم چیست ؟

بطوریکه میدانیم بر انداختن نظام سرمایه داری تمام امکانات را برای ایجاد تحول بنیادی در مسئله ملی و برانداختن کامل ناسیونالیسم فراهم میآورد . ولی بطوریکه در سند کنفرانس احزاب کمونیست در سال ۱۹۶۹ گفته میشود این کار خود بخود و بطور خود کارانجام نمیکرد . چگونگی تحقق این امکانات در این یا آن کشور پیش از همه به عامل ذهنی یعنی به سیاست حزب کمونیستی که رهبری جامعه را در دست دارد ، وابسته است .

تجربه تاریخی نشان میدهد که برای تحکیم مناسبات برادرانه میان خلق ها و میان کشور های سوسیالیستی ، اجرای پیگیر سیاست مارکسیستی - لنینیستی از طرف احزاب کمونیست و تربیت زحمتمکشان در روح انترناسیونالیسم و مبارزه قاطع علیه ناسیونالیسم و شوونیسم ضرورت دارد . در غیر این صورت ، چنانکه نمونه چین نشان میدهد ، احتمال احیاء و تشدید ناسیونالیسم و حتی قرارداد آن یک کشور سوسیالیستی در برابر سایر کشورهای سوسیالیستی میرود . علاوه بر این عی واقعیتها حاکی است که در چین از هر هم ها و امکاناتی که مبارزه انقلابی و تحولات اقتصادی و اجتماعی در راه سوسیالیسم بوجود آورده ، در راه هدف های ناسیونالیستی علیه جامعه کشورهای سوسیالیستی که تکیه گاه مبارزه جهانی با امپریالیسم و بخاطر صلح و سوسیالیسم است ، استفاده میشود .

حل صحیح مسئله ملی و مناسبات ملی بر مبنای انترناسیونالیسم پرولتری چه در داخل کشورهایی که بساختمان سوسیالیسم پرداخته اند و چه در میان این کشورها ، ضامن جلوگیری از سایش ها و اختلافات و بطریق اولی تصادمات میان این کشورهاست . برعکس ، اتخاذ مواضع شوونیستی و ناسیونالیستی در عرصه های ایدئولوژی و سیاسی ، میتواند هم برای مناسبات بین المللی و هم برای خود کشور عواقب بسیار منفی پدید آورد . بنابراین مبارزه با این قبیل پدیده ها شرط مهم و ضرور کامیابی های تازه سوسیالیسم جهانی است .

ایدئولوژی و سیاست ناسیونالیستی را نباید بار شد خود آگاهی ملی که پروسه ای طبیعی و مترقی است ، مخلوط نمود . همچنین ناسیونالیسم ملت ستمگر را نباید با ناسیونالیسم ملت ستمکش که دارای عناصر مترقی و ستمگری ضد امپریالیستی است ، قاطی کرد .

ولی با توجه باین نکات بفرنج ، نباید این نکته عمد را از نظر برداشت که ایدئولوژی ناسیونالیستی نمیتواند پاسخگوی منافع حیاتی طبقه کارگر و زحمتمکشان و بطور کلی منافع سوسیالیسم باشد . حتی در ناسیونالیسم ملل ستمکش نیز علاوه بر عناصر مثبت ، چنان عناصری وجود دارد که گسترش آنها بفریه شدن از همان توده ها و پیدایش گرایشهای منجر میشود که مانع رسیدن به هدف های مترقی و بطریق اولی هدف های سوسیالیستی و انقلابی میگردد .

اکنون میتوان گفت که آنتی کمونیسم و آنتی سوویتسم سلاح عمده ایدئولوژیک امپریالیسم یعنی دشمن طبقاتی نیروهای انقلابی در آن معاصر است. ناسیونالیسم بخش لا ینفک آنتی کمونیسم و آنتی سوویتسم بود و تبلیغات امپریالیستی و محافل ارتجاعی در کشورهای در حال رشد و ریزش کمونیست های راست و "چپ" از آن بطور وسیع استفاده میکنند .

تجربه مبارزه انقلابی در سالهای اخیر این حقیقت را بیش از پیش به ثبوت میرساند که حطرات آنتی کمونیسم به سیاست حزب کمونیست اتحاد شوروی که چه بسا حتی زیر پرچم "دلسوزی" نسبت به پیشرفت اجتماعی و استقلال ملی آنجا هم میگردد ، عملاً علیه تمام واحدهای جنبش انقلابی جهانی و تخریب تکیه گاه عمده نیروهای رهائی بخش یعنی جامعه جهانی کشورهای سوسیالیستی متوجه است .

بورژوازی امپریالیستی اکنون به اشکال خریف و استتار شده ایدئولوژی ناسیونالیستی متوسل میشود ، ولی این بدان معنا نیست که از اشکال افراطی شوونیسم نظیر نژاد پرستی استفاده نمیشود . نژاد پرستی هنوز هم از سلاح های امپریالیسم بوده ، پشتیبانی از رژیم های نژاد پرست در آفریقا ، پیگرد سیا هوستان و سرخ پوستان در ایالات متحده امریکا ، آنتی سمیتیسم (ضد یهود) که اکنون نیز مانند گذشته در غرب سرمایه داری اشاعه دارد و ویژه صهیونیسم در سالهای اخیر — نشانه آنست .

برای تحمیل این فکریه توده ها که گویا مبارزات اجتماعی و سیاسی در آن معاصر در واقع فقط نبرد نیروهای ناسیونالیستی مختلف است ، بیش از پیش کوشش بعمل میآید . هدف این گرایش در ایدئولوژی امپریالیستی عبارتست از برانگیختن اپورتونیسم ناسیونالیستی در جنبش جهانی کمونیستی و کارگری از یکسو و ایجاد نوعی دید بینی و بی اعتقادی نسبت به توانائی سوسیالیسم برای برانداختن خصوصیت ملی ، از سوی دیگر .

مثلاً یکی از جامعه شناسان امریکا امیدوار است که احزاب کمونیست " به چنان راه درصاف با شرایط خاص ملی " خواهند رفت که " سوسیال — دموکرات هانیم قرن پیش ویا پیش از آن " رفته بودند . گام روشن است که هدف ضد کمونیست چیست . انترناسیونال دوم در واقع نیز بموضع سوسیال — شوونیسم عقب نشینی کرد و این علت عمده ورشکستگی آن در سال ۱۹۱۴ بود . اکنون " ناسیونال — کمونیسم " را به جنبش کمونیستی ارائه میدهند تا همان نتیجه را بدست آورند . ولی این کار هرگز انجام نخواهد گرفت ! ولنیسم که پایه خلل ناپذیر ایدئولوژی جنبش جهانی کمونیستی را تشکیل میدهد و امید هد و آبدیدگی ایدئولوژیک احزاب کمونیست برادران ما را از آنست

بورژوازی از عا هروزیونیسم و ناسیونالیسم در جنبش کارگری بنحوی وسیع و ما هرانفا استفاده میکند تا کمسانی را که در لجن زار ضد کمونیسم و ضد شوروی استواری ایدئولوژیک از خود نشان نمیدهند بسوی خود جلب نماید . سرگذشت مرتدانی نظیر کارودی و فیشروپتکف بار دیگر این واقعیت را بجا یادآور میشود .

بخش دیگری از ایدئولوژی های امپریالیستی و اپورتونیست ها که باز متفعا عمل میکنند ، در ماسک مخالفین ناسیونالیسم با قدمی بردازند . اینان ستایشگران باصطلاح " اتحاد مافوق ملی " و مادیان جهان وطنی معاصر هستند . شایسته نیازی با استدلال نباشد که در اینجا ما با یکی از اشکال ایدئولوژی توسعه طلبانه سرمایه مالی سروکار داریم ، ولی در این مورد نیز ایدئولوژی های امپریالیستی متاع تشویک " حاضر و آماده ای " که اپورتونیسم با آن عرضه میکند ، در اختیار دارند . منظور من نه بیلیسم ملی است که بصورت " انترناسیونالیسم حقیقی " از طرف تروتسکیست ها و سایر اپورتونیست های " چپ " اشاعه داد میشود .

برای مارکسیست — لنینیست ها روشن است که مبارزه با تمام اشکال و مظاهر ناسیونالیسم و جهان وطنی امپریالیستی فقط از راه تحکیم همه جانبه انترناسیونالیسم پرولتری به مثابه یکی از اصول بنیادی فعالیت ایدئولوژیک و سیاسی آنان، میتواند پیشرفت کند. امروز چگونگی برخورد بسوسوسیالیسم واقعاً موجود ملاک انترناسیونالیسم پرولتری را تشکیل میدهد.

اصول عدولواستیگی، برابری حقوق و استقلال احزاب برادر که در جنبش کمونیستی برقرار شده با تنوع شرایط و تجربه مبارزه احزاب و نقش آنان به مثابه پیشاهنگ نیروهای انقلابی و موکراتیک ملت و کشورهای هم‌هنگی دارد. در عین حال اجراء این نقش فقط بشرط وفاداری خدشه ناپذیر نسبت به انترناسیونالیسم پرولتری امکان پذیر است. در سند کنفرانس سال ۱۹۶۹ تأکید میشود که:

”مسئولیت ملی و مسئولیت انترناسیونالیستی هر یک از احزاب کمونیستی و کارگری تفکیک ناپذیرند. مارکسیست — لنینیست ها در عین حال هم مین پرستند و هم انترناسیونالیست. آنان هم تنگ نظری ملی و هم نفع طلبی و بی اعتنائی بآن و هم تعابلات هژمونستی را مردود می‌شمارند.“

تجربه تمام جنبش‌آزاد بیخش جهانی بنحوی انکارناپذیر نشان میدهد که هرگونه تحریف در پیوند متقابل و هماهنگی کامل جوانب ملی و انترناسیونالیستی کار را به جدائی از توده ها و از دست دادن دورنمای انقلابی میکشاند.

با این مناسبت میخواستم خاطرنشان کنم که کارکنان احزاب کمونیست و کارگری در سال ۱۹۶۹ و اندیشه‌ها و نتیجه‌گیری‌های آن به تقویت مبانی انترناسیونالیستی تمام فعالیت جنبش کمونیستی جهانی کمک جدی نمود. منافع جنبش ما و تمام نیروهای انقلابی ایجاب میکند که مبارزه مشترک کمونیست‌ها علیه آنتی کمونیسم که ناسیونالیسم تکیه گاه عمدتاً است و علیه ریزپونیسم راست و ”چپ“ باید گسترش یابد.



تاریخ خود نتایج دورا محل مسئله ملی: راه لنینی و سوسیالیستی و راه سرمایه داری را جمع بندی کرده است.

در شرایط سرمایه داری انحصاری بحران و موکراسی بورژوازی که برابری ملی را اعلام میکند ولی عملاً قادر به تحقق واقعی آن نیست، با حذرتی بی سابقه و وضوح تمام نمودار گردید.

این بحران به شکل افراطی خود در ”ثوری“ و ”پراتیک نژاد پرستانه و غیر انسانی فاشیسم منعکس گردید. فاشیسم برای حل ”مسئله ملی از راه اسارت و حتی انهدام خلق‌ها تلاش عظیم بکار برد. ولی جامعه بورژوازی حتی در شرایط ”هادی“ یعنی فقدان سیاست فاشیسم نیز در مسئله همکاری و کمک متقابل خلق‌ها دچار شکست کامل گردیده است. این گفته لنین که ”در شرایط سرمایه داری برانداختن اسارت ملی (و سیاسی بطور کلی) میسرنیست“ (۱) کاملاً تأیید شده است.

فقط سوسیالیسم راه واقعی حل مسئله ملی را ارائه میدهد. و آن برانداختن استثماررانیست.

بوسیله انسان و ایجاد تحول بنیادی در تمام زندگی اجتماعی و اقتصادی و ایدئولوژیک و فرهنگی جامعه است. تجربه کشورهای سوسیالیستی درستی این اصل مارکسیستی — لنینیستی را که پایان دادن به اسارت ملی و استقرار تساوی حقوق و دوستی برادرانه میان خلق‌ها — قانونندی عاومبخش لاینفک ساختمان جامعه نوین است، بنحوی انکارناپذیر به ثبوت رساند.

اکنون که اتحاد شوروی به پنجاهمین سالگشت خود نزدیک میشود ، اهمیت عظیم جهانی تجربه آن بابر جستگی خاصی نمودار میگردد .

تجربه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی میآموزد که انسانهای دارای تعلق ملی و نژادی مختلف میتوانند متقابله سازندگی تاریخ ببرد ازند و اقتصاد و فرهنگ را با موفقیت رشد و تکامل بخشند .

تجربه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نشان میدهد که اشتراك دردهد فهای سیاسی واید فولوژیک ، پیروی پیگیر از سیاست انترناسیونالیسم پرولتری ومیهن پرستی سوسیالیستی چنان اتحاد استواری برای خلق ها بوجود میآورد که میتواند از عهد ه دشوارترین آزمایش ها برآید . تجربه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی حاکی است که خلق های بارهائی از اسارت ملی واجتماعی بزندگی نوگامی نهند ، مناسبات مبتنی بر برابری حقوق وكمك متقابل برادرانه ملل به روستق اقتصاد یاری میرساند ، استفاده شربخش متقابل از ارزش های معنوی به شكوفائی فرهنگ مشترکی که بهترین عناصر فرهنگ ملی خلق های مختلف در آن منعكس میشود ، كمك میکند . تجربه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اهمیت عظیم برخوردارد دقیق نسبت به تمام ملل ، اعم از بزرگ وكوچك ، وآشتی ناپذیری نسبت به نیهیلیسم ملی وناسیونالیسم بورژوازی را نشان داد .

تجربه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نشان داد که یافتن آن شكل تشکیلات دولتی که امکان شرکت كاملا برابرحقوق ودموکراتیک تمام ملل وخلق ها را در ارگان های دولتی ازپائینی تا بالا وحل مسائل مشترک تامین کند ، دارای چه اهمیتی است .

باتجزیه وتحلیل اشکاف اساسی تکامل واقعی مناسبات ملی در دوران معاصر یعنی تشکیل وتحکیم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ، پیدایش جامعه جهانی کشورهای سوسیالیستی ایجاد دولت های مستقل ملی در کشورهائی که سابقا در بند اسارت استعمار بودند وبابررسی تمام این پروسه ها در مجموع خود ، حق داریم چنین نتیجه گیری کنیم : سوسیالیسم که از طرف دشمنان ترقی بنحوی افترا آمیز بمشابه نیروی بی اعتباریه منافع ملی جلوه داده میشود ، در تامین استقلال ملی وتشکیل دول ملی برای بخش قاطع مردم جهان نقش تاریخی عظیم داشت .

بهترین اندیشمندان جامعه بشری مدتهد آرزوی برادری وهمکاری خلق ها بودند . پیروزیهای سوسیالیسم وانقلاب های آزاد بیخش ملی جامعه بشری را بهتحقق این آرمان نزدیک کرده است . راه برادری واقعی خلق های تمام کشورها اکنون راهی است معلوم وآزمایش شده وآن عبارتست از مبارزه علیه زورگویی امپریالیستی ، مبارزه بخاطر آزادی واستقلال تمام خلق ها ، مبارزه در راه صلح ، دموکراسی وسوسیالیسم .

عامل نیر و مند صلح و ترقی

ایرج اسکندری

د بیرون کمیته مرکزی حزب توده ایران

تحلیل علمی رویداد های مهم جهان در طول نیم قرن اخیر گواه تکیه ناپذیر است بر اهمیت بین المللی عظیم تشکیل اتحاد شوروی و تجربه ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی . این تجربه عملاً ثابت کرده است که جامعه می تواند بدون ملاکان و سرمایه داران کار خود را به احسن وجه از پیش برد و طبقه کارگر پس از رسیدن بحکومت قادر است کشور را اداره و اقتصاد ملی آنرا رهبری کند و با کشف و تشویق استعداد های بیشماری که در میان مردم زحمتکش نهان مانده بود فرهنگ نوین بی ریزد . نخستین حکومت کارگری جهان با اجتناب از اشتباهات جنبش های عده و انقلابی ادوار گذشته در اتخاذ تدابیر قاطع علیه دشمنان فعال انقلاب تردید بخود راه ندارد و در عین حال دموکراسی وسیعی برای مردم زحمتکش تامین کرد . تجربه کشور شوروی بنحوی تکیه ناپذیر ثابت کرده است که دیکتاتوری پرولتاریا به شکلی از اشکال آن برای گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم ضروری است .

پس از انقلاب اکثر طبقه کارگر پهناترین کشور جهان زمام رهبری امور کشور را بدست گرفت ، نقشه های امپریالیسم جهانی را عقیم گذاشت ، بنیاد قدرت خود را استوار ساخت و با نیروی بیسابقه به پی ریزی جامعه سوسیالیستی پرداخت . مجموعه این عوامل سطح شعور سوسیالیستی پرولتاریای جهان را بالا برد ، روحیه انقلابی و ایمان او را به نیروی پیروزی خویش تقویت کرد ، جان به اندیشه ها و اصول سوسیالیسم و کمونیسم در میان توده زحمتکشان فزونی پذیرفت و طبقه کارگر از نظر سیاسی آگاهتر و پیکار جراتور گردید .

حکومت شوروی با پایان دادن بهستم ملی در روسیه ملی را که در دوران سیطره تزاریسم در بند اسارت بودند از حقوق و آزادی های سیاسی برابر و سازمان دولتی خود برخوردار ساخت و آنها امکان داد تا در عین اجتناب از راه سرمایه داری به واپس ماندگی های خود در زمینه های اقتصاد ، اجتماعی و فرهنگی پایان بخشند .

تشکیل دولت کنفدرال مله شوروی روحیه انقلابی خلق های کشورهای مستعمره و وابسته را بالا برد و با نشان دادن راهی از یوغ تسلط امپریالیستی کاربست عملاً تحقق پذیر . نخستین کشور سوسیالیستی جهان برای تقویت نیروی معنوی و سیاسی ملل مستعمره و سراسر گیتی منسجم پایان ناپذیری پدید آورده و مشاهده پیشرفت های اقتصادی و شکفتگی فرهنگ ملی خلق های آسیای میانه و قفقاز که در دوران حکومت شوروی بدست آمده بویژه مایه الهام آنانست .

اعضای حزب ماکه چندی پیش از برخی از جمهوری های شوروی همسایه ایران دیدن کردند شوروی هچان مردم این جمهوری ها را از نزدیک بچشم دیدند . افراد عادی با احساس مهاباتی

بحق میگفتند که قدرت اقتصادی کشور آنان، دستاوردهای اجتماعی ملی، تقویت بنیه دفاعی و بالا رفتن حیثیت و اعتبار اتحاد شوروی و ماورد اتحاد آزاد جمهوریهای آزاد در چارچوب کشور سوسیالیستی واحد است.

یکی از نمایندگان حزب ما که از گرجستان دیدن کرد، به این ترتیب میگوید: این جمهوری مدرنترین صنایع را در اختیار دارد و کشاورزی آن سرپا مانده است. گرجستان که پیش از انقلاب هیچگونه ماشین تولید نمیکرد اکنون رشد شایسته سطح عالی رسیده است. روستاوی که یکی از شهرهای کوچک آنست به تنهایی بسیاری از فراآورده های صنعتی خود را به اکثر جمهوری های شوروی و نیز به ۴۴ کشور جهان میفرستد. اکنون ۱۱۶ بنگاه صنعتی جمهوری برای انجام سفارشهای شرکت های خارجی کار میکنند. گرجستان سوسیالیستی که در گذشته سرزمینی عقب مانده بود برای پایان دادن به واپس ماندگی دیرین خود میبایست با گام های بسیار بلند به پیش رود و چنین نیز شد. در سال ۱۹۷۰ میزان محصولات صنعتی آن ۸۵ برابر سال ۱۹۱۳ بود.

نمایندگان ما هنگام بازدید از اتحاد شوروی از نزدیک مشاهده میکردند که چگونه در پرتو مالکیت اجتماعی و سرمایه تولید و ایجاد سیستم اقتصادی واحد بسیاری از خلق ها توانسته اند در برهه زمانی کوتاه عقب ماندگی اقتصادی و فرهنگی خود را که از دوران تسلط استعماری روسیه تزاری میراث مانده بود و برخی از آنان در آن هنگام حتی مرحله ماقبل سرمایه داری را میگذرانند با سرعت براندازند.

بنا بر اجمالی به آمارهای رشد ایران و مقایسه آن با آمارهای یکسلسله از جمهوری های شوروی که سه جمهوری آن در همسایگی کشور ما واقعند درباره راهی که این جمهوری ها از هنگام تشکیل اتحاد شوروی پیموده اند تصور روشن بدست میدهد.

میزان سرانه تولید نیروی برق در سال ۱۹۷۰ در ایران ۲۱۰ کیلووات ساعت و لسی در جمهوری شوروی سوسیالیستی آن را بجا میآورد ۲۳۰۰ کیلووات ساعت، در تاجیکستان ۱۱۰۰ و در ترکمنستان ۸۰۰ کیلووات ساعت بود.

در سال ۱۹۷۰ تحصیلات متوسطه در جمهوری های شوروی برای همگان اجباری بود و لسی در همان سال در ایران بیش از ۸ میلیون کودک کوچکتر از ۱۵ سال بیسواد بودند. تعداد دانشجویان ایران در مقابل جمعیتی قریب ۳۰ میلیون از ۵۰ هزار نفر تجاوز نمیکنند و حال آنکه در سال تحصیلی ۱۹۷۰ / ۱۹۷۱ تعداد دانشجویان چهار جمهوری شوروی آن را بجا میآورد، ارمنستان، ترکمنستان و تاجیکستان که کل جمعیت آنان در حدود ۱۴ میلیون نفر است به بیش از ۲۰۰ هزار نفر رسید. اتحاد شوروی در پرتو کار بست صحیح اصول لنینی در زمینه حل مسئله ملی و پانگشیا نسی فعال از ملل مستعمره و وابسته در صحنه جهانی به تکیه گاه نیرومند مبارزان ضد امپریالیسم بدل گردید. این روش کشور شوراهای انگیزه های سوورانه ندارد بلکه از وجود پیوند عینی عمیق میان مبارزه ضد امپریالیستی خلق های مستعمره و ایدئولوژی سوسیالیستی که با هر گونه ستم مملسی و مستعمراتی آشتی ناپذیر است ناشی میگردد.

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی همراه با مبارزه علیه استعمار کهنه و نو برای بر انداختن خطر جنگ نیز مبارزه میکنند. حوادث سالهای اخیر بار دیگر نقش اتحاد شوروی را به مثابه عامل نیرومندی که نقشه های اسارت خلق ها را عقیم میکند بر روشنی نشان داد.

برنامه صلح پیشنهادی اتحاد شوروی که تا مین امنیت جمعی آسیا را نیز همانگونه که رفیق برژنف در بیروت کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی روز ۲۰ مارس ۱۹۷۲ در کنفرانس سندیکا های

شوروی خاطر نشان ساخت ، پیش بینی کرده است بحق توجه ملل این قاره را بخود معطوف میدارد . این ابتکار اتحاد شوروی یکی از نمودارهای سیاست لنینی در زمینه حفظ صلح و نشانه پشتیبانی موثر وارزنده از خلیق های آسیا است که در راه استقلال ملی و صلح و ترقی علیه متجاوزان امپریالیست به مبارزه برخاسته اند .

شگفتناور نیست که محافل امپریالیستی با چنین حدت و شدت علیه اتحاد شوروی و کمونیسم تبلیغ میکنند . آنتی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم وسائل هستند برای ایجاد پراکندگی و تفرقه اندازی در جنبش آزاد بیختر ملی . عمال امپریالیسم این وسائل را بر میانگیرند تا توجه ملل آسیا ، افریقا و امریکا لاتین را از سائس خود که برای استقلال و آرمان های ترقی خواهانه آنان خطر واقعی بوجود میآورد منحرف سازند . عمال استعمار نو بران تخریب وحدت ملل و متزلزل — ساختن همبستگی بین المللی از ایدئولوژی ناسیونالیستی که زبان آن بویژه محسوس است استفاده میکنند .

پیروزی تاریخی ملل شوروی در ساختمان سوسیالیسم و کامیابی های با عظمت آنان در راه نیل به کمونیسم ، تنها به برابری ملل گوناگون و پیوند برادرانه آنان در چارچوب جامعه واحد و دولت سوسیالیستی واحد اهرم بسیار نیرومند نیست برای پیشرفت سراسر جامعه بشری . به همین جهت وفاداری به حزب بزرگ لنین و به حزب کمونیست پرافتخار اتحاد شوروی ، همبستگی خلل — ناپذیر با نخستین دولت پرولتری — نیرومندترین عامل صلح و ترقی جهان — برای هر ما رگم نیست — لنینیست و هر کمونیست حکم الفبا را دارد .

انتر ناسیونالیسم سوسیالیستی در عمل

کنستانتین تالوف

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان

درک عمیق و کاربست خلاق تجربه جهانی — تاریخی حزب کمونیست اتحاد شوروی در ایجاد و تحکیم دولت کثیرالمله زحمتکشان برای پیشرفت تمام نیروهای انقلابی حائز اهمیت عظیم است .

کمونیست های بلغارستان و تمام مردم کشور ما سالگرد مهم دولت شوروی را بمنابه جشن خود پیشوازمیکنند . تاسیس اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نه فقط برای خلق شوروی ، بلکه برای خلق های سراسر جهان رویدادی حائز اهمیت عظیم بود . دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان ، رفیق تئودور وژیوکوف میگوید : " در جهان هیچ انسان بی نظری وجود ندارد که درک نکرده باشد که اگر جامعه بشری در آتش جنگ جهانی تازه هشتل نشد ماست ، اگر امپریالیسم قدرنیست اراده خود را بنحوی خشن به کشورهای آزاد شده تحمیل کند ، اگر کشورهای سوسیالیستی باموقفیت بایجاد زندگی نوپیداخته اند — ما تمام این رزمهون اتحاد شوروی ، پهلوان سرخی که با تمام قدربروی یک ششم کره ارض بپاخاسته ، رزمهون اتحاد شوروی نپرومند و صلح دوست و سخا و تمدنی هستیم که حاضر است به کمک هر خلقی که در راه آزادی و استقلال و زندگی بهتر مبارزه میکند ، بشتابد " .

لنین در جریان ایجاد حزب بلشویک به مسئله ملی توجه خاص داشت . لنین از شعاع برنامه ای حق ملل برای تعیین سرنوشت خویش تاحد جدائی و ایجاد دولت مستقل پشتیبانی قاطع میکرد ، زیرا راه صحیح جلب اعتماد خلق های ستمکش و انبیت به طبقه کارگر و حزب وی در این میدانید . لنین بر آن بود که این شعار در شرایط دیکتاتوری پرولتاریا نیز به قوت خود باقی خواهد ماند . لنین مینویسد : " ما خواهان اتحاد داوطلبانه ملت ها هستیم ، چنان اتحادی که به هیچ نوع اعمال فشار ملتی بر ملت دیگر امکان ندهد و بر اعتماد کامل ، درک روشن وحدت برادرانه و توافق کامل داوطلبانه مبتنی باشد " (۱) . لنین خاطر نشان میساخت برای پایان دادن به بقایای بی اعتمادی که از سرمایه داری و استثمار به ارث رسیده ، باید بانهایت بردباری عمل کرد .

پیدايش دولت کثیرالمله شوروی راه را برای جلب توجه های وسیع مردم به ساختمان سوسیالیسم یاد رنڈر گرفتن تمام تنوع در شرایط وستن و زندگی محلی هرینک از جمهوریهامسوار ساخت . این تنه راه صحیح پیشرفت و تکامل هماهنگ تمام ملل و خلق ها ، برانداختن نابرابری واقعی میان ملل که از سرمایه داری بازمانده بود و بسط قدرت خلافت آنان و اتحاد نزدیک آنان بود . در رساله های ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم در اتحاد شوروی اشتراک تاریخی نوین مردم ،

خلق شوروی پدید آمد . وفاداری به امر کمونیسم ، میهن پرستی سوسیالیستی و انترناسیونالیسم ، فعال بودن در کار و امر اجتماعی و سیاسی ، آشتی ناپذیری نسبت به استثمار و سرکشی و خرافات مذهبی و نژادی ، همبستگی طبقاتی یا زحمتکشان تمام کشورها — از خصوصیات این خلق است .
تجربه تاریخ نشان میدهد که اتحاد ملل بر پایه ای واحد و استوار در شرایط سرمایه داری غیرممکن است . پدیدهای بحرانی و مبارزه دائم ملی و نژادی و مذهبی در کشورهای سرمایه داری دلیل بارز آنست .

تاریخ پنجاه سال اخیر مینماید که اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی استوارترین و انعطاف پذیرترین شکل دولت کثیرالملله است که بهبود و تکامل پیگیر تشکیلات دولتی و تلفیق صحیح منافع تمام جامعه را با منافع هر یک از ملل بر پایه اصول انترناسیونالیسم و دموکراسی سوسیالیستی میسر میسازد .

در تاریخ مواردی پیش میآید که این یا آن کشور در تکامل اجتماعی نقش پشیمانگانه ایفا میکند . چنانکه میدانیم ، مثلاً ، سرمایه داری صنعتی شکل نهایی خود را پیش از همدارانگستان بدست آورد . مارکس میگفت که انگلستان ، نمونه ایست که بسایر کشورها آینده سرمایه داری آنان را نشان میدهد . پس از پیروزی انقلاب اکتبر جامعه بشری رانصونه و آینه د دیگری بخود جلب میکند و آن نمونه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است .
ایدئولوژی های امپریالیستی معاصر و ریز پیوست های راست و " چپ " میگویند ثابت کنند که گویا تجربه شوروی به چارچوب ملی آن محدود است و دارای اهمیت جهانی نیست و نمیتواند برای سایر خلق ها نمونه باشد و اگر هم بتواند نمونه باشد ، فقط گویا برای کشورهای کمزور میتواند باشد . آنان با نفی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بمثابه کشور نمونه قادر به درک وجود و دیالکتیکی انترناسیونالیسم و عام از یکسو و ملی و خاص از سویی دیگر در ساختمان سوسیالیستی نیستند .

بدیهی است که تجربه د و جوانب ذهنی اتحاد شوروی را باید بطور خلاق بکار بست . بی اعتنائی د گماتیک به ویژگیهای ملی و تقلید مکانیکی نمونه ها با روح خلاق مارکسیسم — لنینیسم مغایرت دارد و به امر سوسیالیسم زیان میرساند .

ولی انکار قانونمندی های عام انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم بی اعتنائی به تجربه جهانی — تاریخی حزب کمونیست اتحاد شوروی و خلق شوروی و غلظد ویژگیهای ملی نیز خطر کمتری ندارد . کسانی که آموزش لنینی و تجربه شوروی را بحساب نمیآورند ، راه را بر جریانات ضد سوسیالیستی و ناسیونالیسم خرده بورژوازی هموار میسازند .

رویز پیوست های راست و " چپ " امروز میگویند از نقش و اهمیت اتحاد شوروی در پروسه انقلابی جهانی بکاهند . آنان بکمک اصول تئوریک مصنوعی و تحریف واقعیت میگویند ثابت کنند که گویا انترناسیونالیسم میتواند پراتی سوسیالیسم نیز مبتنی باشد و بدون اتحاد شوروی و حتی در مخالفت با آن میتوان ساختمان سوسیالیسم پرداخت .

بعقیده ما دفاع از سوسیالیسم پیروزمند در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ، اکنون نیز وظایف د درجه اول جنبش جهانی کمونیستی را تشکیل میدهد . پشتیبانی فعال از جامعه کشورها سوسیالیستی به سرکردگی اتحاد شوروی در شرایط کنونی نیز نمود ارعالی انترناسیونالیسم است زیرا نیروها و امپریالیسم جهانی و ارتجاع ، متحدین خود را در میان مارکسیست های دروغین و تفرقه جویان و مرتدان میجویند و دارودسته مائوئیستی نیز آنتی سوسیالیسم را به سیاست دولتی خود

میدل کرده اند . در یکن به پیروی از مقاصد عظمت طلبانه و ناسیونالیستی ، میان ایالات متحده آمریکا و اتحاد شوروی علاقه‌مندی میگرداند . نمونه چین نشان میدهد که هرگاه برای توسعه ناسیونالیسم و شورونیسیم شرایط پدید آید ، در حیات اجتماعی و سیاسی پیروسی هائی بوجود میآید و بسط مییابد که نظام سوسیالیستی را بی اعتبار میسازد و در سیاست خارجی هدف ها و اصولی مطرح میگردد که هیچگونه وجه مشترکی با انترناسیونالیسم ندارد .

گورگی در میتروف ، فرزند کبیر خلق بلغارولتینیست آزموه ، مبارزه با ناسیونالیسم را عالی ترین وظیفه هر کمونیستی میداند . و اگر امروز کسی در این امر که ناسیونالیسم سلاح ارتجاع سرمایه داری و دشمن کمونیسم است ، دچار تردید شود ، مطالعه آثار " شوروی شناسان " میتواند آنان را از این تردید خارج کند . ستایشگران آنتی کمونیسم پیش از همه بر ناسیونالیسم امید بسته اند . تمام فعالیت دستگاه تبلیغات بورژوازی متوجه حد اکثر بهره برداری از ناسیونالیسم مشابه افراط تخریب جنبش جهانی کمونیستی و کارگری است .

حزب ما با وفاداری به وصایای گورگی در میتروف ، همواره بطور پیگیر در مواضع انترنا - سونیالیستی قرار داشته و با تمام اشکال و مظاهر آنتی - سوسیالیسم و ناسیونالیسم بنحوی قاطع مبارزه کرده است . بطوریکه رفیق تئودور و ژیرکوف در سخنرانی خود در کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری در سال ۱۹۶۹ اعلام داشت کسیکه به نظام سوسیالیستی در اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی تهمت میزند ، اعتماد طبقه کارگرتودوهای زحمتکش را از سوسیالیسم بطور کلی ، سلب میکند . اکنون نیم قرن است که برای میلیون ها انسان در سراسر جهان و برای دوستان و دشمنان ما ، کمونیسم و اتحاد شوروی ، کمونیسم و حزب کمونیست اتحاد شوروی از هم تفکیک ناپذیرند . ما نمیتوانیم جامعه کشورهای سوسیالیستی را بدون اتحاد شوروی ، جنبش جهانی کمونیستی را بدون حزب کمونیست اتحاد شوروی ، و بطریق اولی علیه حزب کمونیست اتحاد شوروی تصور کنیم . این یک حقیقت مسلم است " (۱) .

پیروزی انقلاب سوسیالیستی در برخی کشورها پس از دو مین جنگ جهانی ، برای کارست تئوری لنینی مسئله ملی در مناسبات میان کشورهاییکه یوغ سرمایه داری را برانداخته بودند شرایط لازم فراهم آورد . ما شاهد برقراری مناسبات طراز نوین میان این کشورها هستیم . کمک برادرانه و بی شائبه متقابل ، اعتماد و احترام جای خصوصیت ملی را در گذشته میگرد . همکاری همه جانبه به تحکیم هر یک از کشورها و مجموع سیستم سوسیالیستی کمک میکند .

میان دول جامعه کشورهای سوسیالیستی روابطی که تاکنون نظیر نداشته و میان کشورهای سرمایه داری غیر ممکن است ، برقرار میشود . مثلا روابط اتحاد جماهیر شوروی - سوسیالیستی و بلغارستان را در نظر بگیریم . اگر امروز بلغارستان یک کشور صنعتی - کشاورزی رشد یافته است ، این امر بعیزان زیاد نتیجه همکاری برادرانه و کمک بی شائبه اتحاد شوروی است . سیما ی جدید کشور ما در حدود ۲۰۰۰ موزه ای که با کمک اتحاد شوروی ساخته شده ، تمیین میکند . در حدود ۸۲ درصد فلزات سیاه ، ۷۰ درصد فلزات رنگین و ۸۰ درصد فرآورده های نفتی و صنایع پتروشیمی در این موزهاساتولید میشود . کشور ما طی ۲۵ سال یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون روبل از اتحاد شوروی اعتبار دریافت داشت که پیش از همه مصرف ایجاد پایه های مادی و فن سوسیالیسم رسیده است .

(۱) — " کنفرانس جهانی احزاب کمونیست و کارگری " ، مسکو ، سال ۱۹۶۹ ، ص ۳۸۴ .

علاوه بر تجربه ساختمان اقتصادی، تجربه شوروی در تکامل سیاسی و تحقق انقلاب فرهنگی و غیره نیز برای کشور ما دارای اهمیت اصولی بود.

حزب ما مبارزه در راه سوسیالیسم و کمونیسم را در بلغارستان همواره با انقلاب کبیر اکبر و تاجر به و پشتیبانی حزب کمونیست و دولت شوروی پیوند داده است. اکنون ما در مرحله نوین تکامل سوسیالیستی خود یعنی مرحله تعمیق همکاری همه جانبه و ایجاد وحدت اقتصادی با نخستین و نیرومندترین کشور سوسیالیستی - اتحاد شوروی، قرار داریم. و این یک وظیفه موقت ناشی از ملاحظات گذرانیست؛ بلکه یک ضرورت عمیق حیاتی و وظیفه اساسی کمونیست‌ها بلغارستان است.

کمونیست‌ها و زحمتکشان و تعاونیروهای انقلابی و دموکراتیک در مبارزه بخاطر صلح و دموکراسی و سوسیالیسم از شرایط مساعد سیاسی در جهان برخوردارند که اتحاد شوروی در ایجاد آن نقش فعال داشته است. اکنون اتحاد شوروی در صحنه بین‌المللی به حمله صلح و مسیعی دست برده است که اعتبار و ولت شوروی را بالا ترمیبرد و در امر تحکیم صلح و امنیت سراسر جهان موفقیت‌های بزرگ داشته است.

سهم برجسته در تجربه بین‌المللی مبارزه انقلابی

رایمون گی یو

عضو شورای سیاسی کمیته مرکزی
حزب کمونیست فرانسه

شرکت در این کنفرانس علمی بجا امکان‌میدهد تا همبستگی و دوستی عمیق خود را با اتحاد شوروی که مقام پیشاهنگ در جهان دارد و در برابر عظیم نیروهای سوسیالیستی و خلق‌های سراسر جهان با نیروهای امپریالیسم نقش قاطع بازی میکند، ابراز داریم.

ما با قطعنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی درباره تدارک پنجاهمین سالگرد تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی آشنا شدیم. این سند که بر تصمیمات بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و برنامه صلح آن مبتنی است، به کمونیست‌های تمام کشورها در درک عمیق‌تر اهمیت و نتایج رویداد بزرگ تشکیل نخستین دولت کثیرالملله سوسیالیستی کمک میکند. شورای سیاسی حزب کمونیست فرانسه بمناسبت پنجاهمین سالگرد تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی قطعنامه‌ها تصویب کرد. حزب ما این کارزار سیاسی را همراه با نمایندگان جنبش کارگری و موزکاتیک فرانسه و با شرکت محافل اجتماعی وسیع بین‌المللی انجام میدهد.

انقلاب ل. کتبر همچون رعدی بود که طنین آن سراسر جهان را فراگرفت. کامیاب‌بیمای انقلاب روس، انگیزه‌ای تازه و بسیار مهم برای مبارزه پرولتاریای جهانی در راه سوسیالیسم بود. تشکیل و تکامل دولت کثیرالملله شوروی تحقق اصول مارکسیسم - لنینیسم درباره مناسبی میان خلق‌ها و گروه‌های آنتیک در چارچوب کشور واحد و حل مشخص مسئله ملی بود و خلق‌هایی را که تحت اسارت و تحشیانه امپریالیسم و استعمار قرار داشتند به امکان پایان دادن به فقر و بیگاری و بیسواد و جلودگیری از نابودی فرهنگ ملی امید و آرزو ساخت و مهم‌تر آنکه راه را برای مبارزه آزاد بپوش هموار کرد.

پیدایش دولت شوروی نیز مانند پیروزی اکتبر همواره با نام لنین پیوند خواهد داشت. لنین بمثابة يك تئوریسین خلاق واقعی به اندیشه‌های مارکس و انگلس درباره مسئله ملی در شرایط نوین تکامل بخشید. اصول اساسی آموزش لنین در اعلامیه ایکه درباره تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ۳۰ دسامبر ۱۹۲۲ به تصویب رسید، انعکاس یافته است.

برای نخستین بار در تاریخ مناسبات نوین میان ملیت‌ها بوضوح تمام تعیین گردید: برابری و حق حاکمیت خلق‌های روسیه، حق این خلق‌ها برای تعیین سرنوشت خویش تا حد جدائی و ایجاد دولت مستقل، الغاء تمام امتیازات و پیامدودیت‌های ناشی از تعلق ملی و اعتقادات مذهبی تکامل آزادانه اقلیت‌های ملی و گروه‌های آنتیک.

لنین باتعمین اصولی که دولت کثیرالمله شوروی بر آنها مبتنی است ، تئوری حل مسئله ملی را تدوین نمود . این تئوری میان میهن پرستی و انترناسیونالیسم ، میان حل صحیح مسئله ملی و ضرورت همبستگی طبقاتی کارگران تمام کشورها پیوندی دیالکتیکی بوجود میآورد .

لنینیسم علیه هرگونه نیهیلیسم در مسئله ملی و بی اعتنائی نسبت به خصوصیات ملی و این اندیشه که " دوران ملیت ها بسر رسیده " مبارزه میکند . واقعیت آنستکه پیدایش ملت ها ، پدیده تاریخی نسبتا تازه است و در جهان کنونی خلق ها هنوز در مابین استقلال خود مبارزه میکنند و ملت ها دارای امکانات بالقوه وسیعی هستند که سرمایه داری امپریالیستی بوسیله گوناگون مانع استفاده از آنها میگردد .

اکنون باید بؤلونگ های بورژوازی خود به صورت تبلیغین پر حرارت اندیشه " برانداختن ملت ها " درآمده اند . آنان با این کار میخواهند برای سیاست اسارت خلق ها بوسیله امپریالیسم و سرکوب آلمان های ملی و سیاست مبتنی بر بی اعتنائی به منافع ملی بسود انحصارها سیاستی که علیه استقلال و حق حاکمیت ملل است ، محمل ها ناید بؤلونیک بوجود آورند .

شایان ذکر است که تز " برانداختن ملت ها " هنگامی اشاعه خاص مییابد که انحصارات بین المللی که میکوشند برای اسارت خلق ها بهترین شرایط را برای خود فراهم آورند ، تمایل خود را به " محدود کردن قوانین ملی " آشکارا اعلام میدارند و ایجاد دستگاه های سیاسی " مافوق ملی " را مثلا در چارچوب جامعه اقتصاد اروپا تشویق میکنند .

اصل " مافوق ملی " هم از لحاظ تئوریک و هم از لحاظ سیاسی بآلیننیسم تضاد مطلق دارد . کشورهای سوسیالیستی عضو شورای تعاون اقتصادی که از اصول لنینی پیروی میکنند در رسد صهی مانند برنامه جامع که در سال گذشته به تصویب رسید ، اعلام میدارند : " . . . تعمیق و بهبود همکاری و تکامل وحدت اقتصادی سوسیالیستی کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی در آیند نیز موافق اصول انترناسیونالیسم سوسیالیستی ، بر پایه احترام به حق حاکمیت و استقلال و منافع ملی و عدم دخاله در امور داخلی کشورها و بر پایه برابری کامل حقوق ، منافع متقابل و کمک برادرانه انجام خواهد گرفت . . . وحدت اقتصادی سوسیالیستی بر پایه داوطلبی کامل تائین میشود و با ایجاد ارگان های مافوق ملی همراه نیست . . . " .

لنینیسم هرگونه ناسیونالیسم را مردود می شمارد . ناسیونالیسم همواره میکوشد مبارزه طبقاتی پرولتاریا را در راه آزادی و سوسیالیسم یاد رده دوم اهمیت قرار دهد و یا اصلا نفی کند . پیروی از چنین سیاستی فقط بسود بورژوازی که برای فریفتن توده های مردم به لباس ناسیونالیسم افراطی در میآید ، انجام میگردد . ناسیونالیسم ماهیتا با منافع ملی یعنی منافع آبی و آبی ملت تضاد بنیاد دارد . از آنجا که ناسیونالیسم ، اید بؤلونوی متضاد با سوسیالیسم است ، ناگزیر با آنتی سوسیالیسم در می آمیزد .

فقط سوسیالیسم قادر به حل مسئله ملی است . و این امر بخصوص در دوران ما ، هنگامیکه مبارزه در راه آزادی ملی و مبارزه در راه پیشرفت اجتماعی بیشتر از پیش هم وابسته میگردد ، صادق است . و گویا نمونه الهام بخش آن است . چنین پروسه ای در شیلی و عراق و یکسلسله کشورهای نواستقلی که علیه استعمار نوین مبارزه میکنند ، آغاز شده است . وجود این رابطه متقابل ، از مشخصات مبارزه ضد انحصاری طبقه کارگر و متحدین آن در کشورهای سرمایه داری رشد یافته نیز میباشد . مثلا ، در اروپای غربی و از جمله در فرانسه ، مبارزه در راه دموکراسی و سوسیالیسم با مبارزه علیه تخییقاتی که سرمایه های بزرگ امریکائی نسبت به اقتصاد ملی با اعمال میکنند ، و نیز با

مبارزه علیه تابع کردن کشور به منافع انحصارات بین المللی و تصمیماتی که آنها را اقل زمانی که منافعیشان با هم تطبیق میکند ، بکنک اتحاد سیاسی در چارچوب " اروپای صغیر " ، " بازار مشترک " میخواهند اجراء نمایند ، در میآیند . در میآیند . پیروزی کارگران و نیروهای ترقیخواه در مبارزه با خطر موکراسی مترقی و پیشرفت موقفیت آمیز آن در جهت سوسیالیسم ، برعکس ، بمعنای اعتلای ملی ، استقلال و واقعیاتی کشور را در فعالیتهای بین المللی آن خواهد بود .

بطوریکه لنین خاطر نشان میسازد ، ویژگیهای مشترک وضع مشخص و مشخصات ویژه هر یک از جنبشهای خلقی نباید جدا از هم مورد توجه قرار گیرند ، برعکس آنها را باید بمثابة جزئی از کل و بخشهای متشکل نبرد بزرگ خلق ها علیه امپریالیسم و در راه پیروزی سوسیالیسم در نظر گرفت . میان طبقه کارگر کشور اروپا و خلقهای استعماری کشورهای مستعمره منافع مشترک و بنابراین همبستگی عینی وجود دارد . لنین با در نظر گرفتن این همبستگی ، شعار معروف " ما نیفتست حزب کمونیست " در سال ۱۸۴۸ را بسط داد و آنرا بشکل زیرین انشاء نمود : " پرولتاریای تمام کشورها و خلقهای استعمره متحد شوید ! "

حزب کمونیست فرانسه از همان نخستین روزهای تشکیل خود بمنظور کمک به خلقهای تحت ستم استعمارگران فرانسه برای تحصیل آزادی و استقلال بنحوی پیگیر مبارزه کرده است . اکنون نیز طبقه کارگر فرانسه از مبارزه ای که خلقهای استقلال رسیده علیه استعمار نوین انجام میدهند پشتیبانی میکند ، زیرا منافعی فرانسه با مستعمرات سابق آن دارای روح نواستعماری و توأم با نابرابریهای سیاسی و اقتصادی است . طبقه کارگر ما از مبارزان و یوتنام و لاوس و کامبوج پشتیبانی سیاسی و مادی بعمل میآورند . این پشتیبانی باید همواره افزایش یابد .

طبقه کارگر و محافل وسیع سایر کشورهای اجتماعی در فرانسه علیه قدرت انحصارات سرمایه داری ، در راه تحولات سیاسی بنیادی به نبردی عظیم برخاسته اند . طبقه کارگر و اتحاد نیروهای خلقی ، علیرغم دشواریها ، موقفیتهای بزرگ بدست میآورند . در چنین شرایطی است که حزب ما و حزب سوسیالیست برنامه عمل مشترک و برنامه دولتی خود را تنظیم کردند .

این یک برنامه سوسیالیستی بوده ، بلکه برنامه اقتصادی و اجتماعی و سیاسی مترقی یعنی برنامه دموکراتیک پیشرویی است که راه را در کشور ما بسوی سوسیالیسم هموار میسازد . این برنامه شامل مبرم ترین و حیاتی ترین مطالبات بوده و وسائل اقتصادی تحقق آنها را نیز نشان میدهد . این برنامه همچنین مسائل مربوط به آزادیهای فردی و گروهی و بنیادهای مختلف و سیاست خارجی را در بر میگیرد .

حزب کمونیست فرانسه بر آنست که حتی در شرایط دموکراسی پیشرفته نیز میتوان در انتظام مسئله ملی کامیاب شد و بر پایه تساوی حقوق و عدم مداخله از سیاست همکاری با کشورهایی که سابقاً تحت ستم استعمار فرانسه قرار داشتند ، پیروی نمود .

پنجاهمین سالگرد تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در دورانی برگزار میشود که تناسب نیروها در جهان بیشتر از پیش به سود سوسیالیسم و موکراسی و پیشرفت اجتماعی و استقلال ملی و صلح تغییر مییابد . با آنکه امپریالیسم از اقدامات تشنج و کارانه بطور کامل امتناع نمیورزد ، ولی تأثیر است در راه همزیستی مسالمت آمیز و همکاری بین المللی کاهش میدهد . مذاکراتی که در مسکو میان رفیق برژنف ، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و نیکسون ، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا ، بدنیال موافقت نامه ها ، یک میان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و جمهوری فدرال آلمان ، میان لهستان و جمهوری فدرال آلمان انعقاد یافت ، انجام گرفت ، موید تغییراتی است

که در جهان ماصورت گرفته است . ولی خطر جنگ جهانی هنوز بطور نهائی بر طرف نشده است .
 و خلق ها باید هشیار باشند و در راه همزیستی مسالمت آمیز و خلع سلاح اقدام نمایند .
 جامعه بشری اکنون مرحله نوینی را در تکامل تاریخی خود طی میکند . این مرحله فقط
 در پرتو انقلاب اکتبر و تشکیل دولت کثیرالمله شوروی میتوانست بدست آید .
 در باره اینکه کشورهای سراسر جهان تا چه حد مدیون طبقه کارگر روسیه ، خلق های
 شوروی ، حزب کمونیست اتحاد شوروی و لنین هستند ، هر چه بگوئیم ، کم گفته ایم . امروز در پرتو
 مبارزات و فداکاری های آنان است که میتوان به تمامین برادری در سراسر جهان امید داشت .
 اکنون اندیشه در باره جهان آزاد از جنگ جهانی که در آن استثمار انسان و استعمار خلق ها
 برافتد ، جهانی که خانواده متحد خلق های برابر حقوق در توافق کامل زندگی کنند و در راه تامین
 رفاه در سراسر جهان همکاری نمایند ، يك خیالی باقی نیست .

ستاره راهنمای خلق های سراسر جهان

اید ریسن کوکس

نماینده حزب کمونیست بریتانیا ی کبیر
در مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم "

در بهار امسال مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " دعوتنامه ای از کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی برای اعزام اعضای شورای نویسندگان مجله به اتحاد شوروی بمناسبت پنجاهمین سالگرد بزرگ این کشور دریافت داشت . هیجده نمایندگی احزاب در مجله به شش گروه تقسیم شدند و هر گروه از یکی از جمهوری های اتحاد شوروی بازدید بعمل آورد . من افتخار شرکت در هیئتی را داشتم که از جمهوری خود مختار تارتارستان بازدید نمود و من میتوانم بر پایه مشاهدات شخصی بر موفقیت های عظیمی که در تحقق اصول لنینی آزادی ملی در اتحاد شوروی بدست آمده گواهی دهم .

جمهوری خود مختار تارتارستان در سال ۱۹۲۰ یعنی دو سال پیش از تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بوجود آمده بود . این جمهوری در سال جاری پنجاه و دومین سالگرد خود را برگزار خواهد کرد . آنچه دیدیم ، ما را شگفته خود میساخت . این جمهوری در اقتصاد ، خانه سازی ، تأمین اجتماعی ، پیشرفت آموزش و فرهنگ بر موفقیت های بزرگ نائل آمده است . بما ثابت شد که ملیت های مختلف میتوانند در صلح و صفای زندگی کنند و مساعی خود را برای ساختمان جامعه شکوفان سوسیالیستی متحد سازند . تقریباً نیمی از ساکنین این جمهوری را تاتارها و نیم دیگر را روس ها تشکیل میدهند . در این جمهوری همچنین هزاران نفر از اهالی اورمورت ، چوواش ، مورد ، ماری و غیره بزمیر میزند . روزنامه ها و مجلات این جمهوری هم زبان تاتاری و هم بزبان روسی نشر مییابند ، برنامه های تلویزیون و رادیو بوسهر و زبان پخش میشود و هر دو زبان در مدارس تدریس میشوند . حتی اقلیت های ملی دارای روزنامه بزبان خود هستند و برای تکامل هنر و فرهنگ آنان شرایط بوجود آمده است .

مادران از این دید کردیم و برتری های عظیم سیستم آموزش سوسیالیستی در تاتارستان را باقی گذارد و یکی از خصوصیات این دبیرستان آن است که در آن زبانهای انگلیسی و آلمانی و فرانسه و اسپانیایی تدریس میشود .

ما با کارگران و مدیران کارخانه ها ، با رهبران کمیته های شهری حزب ، نمایندگان شوراهای شهری سه شهر ، دبیران کمیته ایالتی حزب و صد رهبریت رئیس شورای عالی جمهوری گفتگو کردیم . اکثریت کارگران جمهوری را جوانان تشکیل میدهند ، ضمناً بسیاری از جوانان مقامات

مهمی را در کارخانه اشغال میکنند . هیئت نمایندگی ما با برخی از آنان به گفتگو پرداخت . تمام آنان از اینکه در ساختمان جامعه‌نویس شرکت دارند ، بخود میبایندند . ما همچنین با شاعران و آهنگ سازان و دانشمندان گفتگو کردیم و با افرادی از گروههای مختلف مردم ملاقات بعمل آوردیم .

البته ما به دیدن همه چیز موفق نشدیم . ولی از آنچه دیدیم میتوان باین نتیجه رسید که در این جمهوری برای احداث راههای جدید ، خانه ، آپارتمان و برای بهتر کردن زندگی روستاها کار بسیار پدیدانجام گیرد . با اینهمه هیئت نمایندگی ما اطمینان دارد که این جمهوری کوچک گامهای عظیم به پیش بر میدارد و یکی از پیشرفته ترین جمهوری ها در کشور کثیرالعلمه شوروی تبدیل میشود .

من در ایالت کوچکی بنام ولز که یکی از ایالات بریتانیای کبیراست ، بدنیامده ام . مشاهده چگونگی حل مسئله ملی در اتحاد شوروی در من تاثیر بسیار داشت . بطور کلی ، افراد خارجی در گفته و نوشته های خود ، بریتانیا را (که همراه با ایرلند شمالی بنام دولت متحد پادشاهی شهرت دارد) انگلیس و مردم بریتانیا را انگلیسی مینامند . ولی ایسند درست است .

رفیق پیونوماریف با خاطر نشان ساختن این امر که مسئله ملی نه فقط در آسیا و آفریقا ، بلکه در کشورهای رشد یافته سرمایه داری اروپای غربی نیز حل نشده ، یادآوری بسیار گرانبهائی به همه ما نمودند . مسئله ملی در بریتانیا که میهن سرمایه داری است از بسیاری لحاظ شدت یافته است و مبارزه در اولستر تنها معضل ملی نیست که طبقه حاکم بریتانیا با آن روبروست . در اسکاتلند نیز در راهت امین حقوق ملی و اینکه پارلمان آن ، خود امور اسکاتلند را حل کند ، مبارزه فعال انجام میگیرد . در ولز مبارزه بخاطر حفظ زبان ملی که زمانی بمراتب کهن تر از زبان انگلیسی است الهام بخش هزاران تن جوانان آنجاست . ضمناً بسیاری از این جوانان به علت شرکت در این مبارزه بزندان افتاده اند .

زمانیکه . . . ۴ سال پیش ویلیام مفلوب اشغالگران شد ، پارلمان انگلیسی زبان ولزی را ممنوع کرد با اینکه این ممنوعیت هیچگاه کاملاً عملی نشد ، ولی برای استفاده از زبان مادری موانع فراوان در برابر مردم ولز ایجاد میشد . حتی صد سال پیش (در زمان مارکس و انگلس) اکثر مردم بزبان ولزی سخن میگفتند ، ولی در نتیجه مهاجرت از انگلیس و موانعی که دولت بریتانیا بوجود میآورد ، اکنون فقط یک چهارم اهالی (در حدود ۷۰۰ هزار نفر) باین زبان صحبت میکنند .

در برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی چگونگی برخورد به زبان های خلقهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بصراحت تعیین شده است : " در آینده نیز باید تکامل آزاد زبانهای خلق های اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و آزادی کامل تمام ساکنین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی را برای سخن گفتن و تربیت و تدریس فرزندان خود بزبان دلخواه تامین نمود و به هیچگونه امتیاز و محدودیت و یا اجبار رنگارنگ بر این زبان امکان نداد . در شرایط دوستی برادرانه و اعتماد متقابل خلق ها ، زبان های ملی بر پایه برابری حقوق و فضای متقابل تکامل مییابند ."

در سالهای اخیر جنبش بخاطر زبان مادری و احیاء هنر و فرهنگ ملی در ولز گسترش مییابد . اکنون تعداد مدارس ابتدائی که تدریس در آنها بزبان ولزی انجام میگیرد و زبان انگلیسی فقط یکی از مواد دروس آنهاست ، به صد ها بالغ شده است . ولی رهبری این جنبش بطور عمد در دست ناسیونالیست های خرد بورژوازیست که از مبارزه طبقاتی بدورند و تا مین آزادی ملی را بمشابه

بخشی از مبارزه در راه سوسیالیسم بشمار می‌آوردند . در این جنبش‌گرایی‌های معین ضد شوروی و ضد کمونیستی نیز وجود دارد . با آنکه کمونیست‌های ویلز در صفوف مقدم مبارزه در راه تاسیس حقوق اقتصادی و سیاسی حرکت نمی‌کنند و مواضع کلیدی را در اتحادیه‌ها در دست دارند ، ولی در انتخابات پارلمانی بمراتب کمتر از ناسیونالیست‌ها رای بدست می‌آوردند (نه فقط در میان خسرده بورژوازی ، بلکه حتی در میان کارگران) . این علامت خطری است برای جنبش کمونیستی در ویلز زیرا با آنکه حزب کمونیست حقوق ملی خلق ویلز را برسمیت می‌شناسد و از شعار تشکیل پارلمان ملی پشتیبانی میکند ، با اینهمه این‌گرایش وجود دارد که این مطالبات در راه مبارزه طبقاتی من حیث المجموع و مبارزه ما در راه سوسیالیسم در نظر گرفته شود .

مسئله ملی نه فقط در بریتانیا ، بلکه ، ولویمیزان کمتر ، در فرانسه نیز که اهالی برتونی در آن خواهان تکامل زبان و فرهنگ خود هستند هنوز باقی است . در بلژیک میان فلاماندرها و والون‌ها اختلاف وجود دارد . در اسپانیا نیز اهالی باسک و کاتالون می‌خواهند که به حقوق ملی آنان احترام گذارده شود . با آنکه کشورهای سرمایه داری اروپای غربی ، پیش از دیگران دولت‌های ملی سرمایه داری را بوجود آوردند ، ولی هنوز نتوانسته‌اند معضلات ملی را کاملاً حل کنند . در کشورهای در حال رشد مسئله ملی بنحوی حادث مطرح است . خلق‌های هند و سیل با مسائل دشوار روبرو هستند ، کرد‌ها در راه تامین حقوق خود مبارزه می‌کنند و امپریالیسم در آفریقا استراتژی نو استعماری پیروی میکند که هدف آن نه فقط دامن زدن به اختلافات قومی و ملی ، بلکه پشتیبانی از اختلافات نژادی در آفریقای جنوبی و بدترین اشکال نژاد پرستی برای جلوگیری از گسترش نژاد جنبش آزاد بیخشن ملی در این قاره بزرگ است .

دامن زدن به اختلافات و تصادمات ملی از ماهیت امپریالیسم و ناسیونالیسم بورژوازی

ناشی میشود و مسئله ملی را از این راه نمیتوان حل کرد .

کمونیست‌ها حقوق ملی خلق‌های اسکا تلند و ویلز و مطالبات عادلانه آنان را در باره تشکیل پارلمانی که بمحل امور ملی آنان بپردازد ، برسمیت می‌شناسند و در عین حال علیه تجزیه بریتانیا و در راه برود طبقاتی متحد خلق‌های انگلیس و اسکا تلند و و علیه دشمن مشترک آنان یعنی سرمایه داری انحصاری بریتانیا و نیز علیه تمام سیستم امپریالیسم بریتانیا مبارزه می‌کنند . کمونیست‌های بریتانیا در راه تامین حقوق برابر برای ساکنین اولستر در ایرلند شمالی و ایجاد ایرلند آزاد و متحدی که از هرگونه سلطه امپریالیسم بریتانیا رهائی یافته باشد ، مبارزه میکنند .

ما حل معضلات ملی را در بریتانیا ، جد از مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم و در راه جنبش توده‌ای که هدفش پایان دادن به حکومت محافظه کاران است ، و در خارج از جنبه متحد تمام کارگران بریتانیا برای رسیدن باین هدف ، در نظر نمی‌گیریم .

ما با برگزاری پنجاهمین سالگرد تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ، میتوانیم از تجربه اتحاد شوروی در سهای فراوان بگیریم . اکثر کارگران بریتانیا ، غیرمغرب تبلیغات ضد شوروی رهبران حزب محافظه کار و مانورهای اپورتونیستی رهبران ارتجاعی لیبرالیست‌ها ، به دستاورد های بزرگ اتحاد شوروی بنظر تحسین می‌نگرند . من نخستین تجربه سیاسی خود را پنجاه سال پیش ، با شرکت در نهضت " دست‌ها از روسیه کوتاه ! " بدست آوردم . در آن زمان امپریالیسم بریتانیا ، روسیه شوروی را جداتهدید میکرد . کارگران بریتانیا در سالهای جنگ جهانی دوم ، ارتش شوروی و خلق شوروی را بزرگترین متحد خود بشمار می‌آوردند . اکنون نیز که امپریالیسم بریتانیا حتی پیش از امپریالیسم ایالات متحده آمریکا خصلت ضد شوروی دارد ، کارگران بریتانیا مساعی پلید دولت بریتانیا را برای تیره کردن روابط با اتحاد شوروی تایید نمی‌کنند .

پنجاهمین سالگرد تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به استقرار مناسبات نزدیک
 تر میان کشورهای ما کمک میکند و نشان میدهد که اصول لنینی آزادی تمام ملیت ها عامل مهمی را در
 مبارزه با تشکیل میدهد و مسائل ملی کشور ما فقط بمشابه بخشی از مبارزه بخاطر سوسیالیسم در بریتانیا
 میتواند حل شود . ما به این هدئنه به تنهایی ، بلکه فقط در اتحاد با جنبش آزاد پیخش ملی در آسیا
 و آفریقا علیه امپریالیسم ، فقط با تحکیم وحدت جنبش کمونیستی جهان و استفاده از رسخای انقلاب
 سوسیالیستی سال ۱۹۱۷ و دستاوردهای عظیم اتحاد شوروی میتوانیم تحقق بخشیم . اتحاد
 جماهیر شوروی سوسیالیستی نه فقط دژ سیستم جهانی سوسیالیستی ، بلکه ستاره راهنمای مبارزه
 خلق ها در سراسر جهان است .

جلوه گاه قانونمندی های سوسیالیسم

نامسرای لوسا تراودان

عضو شورای سیاسی کمیته مرکزی حزب
توده انقلابی مغولستان

پنجاهمین سالگرد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی — رویداد ای است دارای اهمیت جهانی و تاریخی که عظمت اندیشه های مارکسیستی — لنینیستی و اصول انترناسیونالیسم پرولتری و دوستی خلق، هارا منصفانه میسازد و قدرت حیاتی سیاست لنینی حزب کمونیست اتحاد شوروی را در مسئله ملی به ثبوت میرساند. اتحاد داوطلبانه جمهوری های برابر حقوق شوروی، ادامه مستقیم اکتبر کبیر و نتیجه قانونمند مبارزه مشترک خلق های نخستین کشور سوسیالیستی در راه دفاع از دستاوردهای انقلاب سوسیالیستی و بنیاد گذاری جامعه نوین بود.

ایجاد جامعه رشد یافته سوسیالیستی برای نخستین بار در تاریخ و گذار به ساختمان کمونیسم — نتیجه عمده و تکامل خلق های اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی طی نیم قرن و سهیم عظیم این خلق هارا در پرورده انقلابی جهانی که سیمای جهان را کاملاً دگرگون ساخت، تشکیل میدهد. با بصایع مشترک بیش از صد ملت و خلقی که در خانواده واحد سوسیالیستی داوطلبانه متحد شده بودند، برنامه لنینی ساختمان سوسیالیسم تحقق یافت و در کار صنعتی کردن سوسیالیستی، تحول بنیادی در کشاورزی، انقلاب فرهنگی، حل مسئله ملی و غیره تجربه ای جهانی و تاریخی بدست آمد.

انترناسیونالیسم واقعی اتحاد شوروی و وفاداری آن به مسألت تاریخی خود از آنجا بود که اتحاد شوروی همواره به این وصیت لنین بطور پیگیر و قاطع تحقق می بخشید:

" انترناسیونالیسم در عمل فقط و فقط یکی است و آن کوشش بیدریغ در راه پیشرفت جنبش انقلابی و مبارزه انقلابی در کشورهای پیشرفته (تبلیغاتی، معنوی، مادی) از همین مبارزه و همسین خط مشی و فقط این خط مشی در تمام کشورهای بدون استثنا " (۱) .

تأمین حق حاکمیت و سازمان دولتی برای ملل در چارچوب اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بر مبنای فدراسیون، انرژی خلاق و نیروی سازنده این ملل را آشکار ساخت. فدراسیون سوسیالیستی که اشتراک هدف و منافع ملل آزاد از استعمار آنرا بهم جوش میدهد، یگانه شکل اتحاد ملل مختلف در کشورهای امده است. تصادفی نیست که لنین در ترزهای خود بمناسبت دومین کنگره کمینترن، بر پایه جمع بندی تجربه نخستین سالهای موجودیت دولت شوروی مسئله فراگرفتن تجربه فدراسیون را در روسیه در مقابل جنبش جهانی کمونیستی مطرح میسازد.

حل مسئله ملی در کشورهای سوسیالیستی بر پایه اصول لنینی انترناسیونالیسم پرولتری که تجربه اتحاد شوروی صحت آنرا به ثبوت رساند، با موفقیت انجام میگردد.

کشورهای سوسیالیستی ، از جمله جمهوری توده ای مغولستان ، با پیروی از اصول لنینی و استفاده خلاق از تجربه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ، به تحولات سوسیالیستی در تمام رشته‌های زندگی جامعه باین یا آن شکل تحقق بخشیدند . طبقه کارگرو توده‌های وسیع کشورهای مختلف جهان به تجربه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ساختمان سوسیالیسم و کامیابی‌های عظیم آن در اقتصاد و فرهنگ و بالا بردن سطح رفاه مردم توجه فراوان مبذول نمودند . لنین میگفت " تمام آنان به يك ستاره ، به ستاره جمهوری شوروی مینگرند ، زیرا میدانند که جمهوری شوروی برای مبارزه با امپریالیسم فداکارانه بزرگ تن داد و از عهد و آزمایشهای جسورانه برآمد " (۱) .

زندگی نشان میدهد که برخورد اصولی و درست به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و تجربه‌ی غنی و همه‌جانبه آن در ساختمان جامعه رشد یافته سوسیالیستی و کمونیستی برای جنبش انقلابی جهانی و ایجاد موفقیت آمیز سوسیالیسم حائز اهمیت قاطع است . عدول از اصول لنینی ساختمان جامعه سوسیالیستی و بی اعتنائی به تجربه تاریخی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به کار مبارزه انقلابی ، انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم زبان جدی وارد میسازد و پاسخگوی منافع خلق‌ها نیست . چنین سیاست ضد خلقی و ضد مارکسیستی و اقدامات عظمت طلبانه و شوینیستی رهبری کمونی چین مانع بسط و تکامل ساختمان سوسیالیسم در جمهوری توده ای چین میگردد . بخصوص نقض اصول لنینی در سیاست ملی از طرف این رهبری کار را به ناسیونالیسم ارتجاعی و " چینی کردن " خلق‌های کوچک منجر میسازد . پیروی کورکورانه مائوتسیست‌ها از آنتی سوبوتیسم و شوینیسم ارتجاعی بطور عینی به تحقق استراتژی جهانی سوسیالیسم که هدف اصلی آن برهم زدن وحدت کشورهای سوسیالیستی و جدا کردن کشورهای برادر از اتحاد شوروی یعنی تکیه گاه عمد نیروهای صلح و سوسیالیسم است ، کمک میکند .

وجود اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و کمک انترناسیونالیستی خلق شوروی به مبارزه خلق مغولستان در راه آزادی و استقلال ملی و زندگی سعادت مند و دفاع از دستاوردهای انقلابی خود یکی از عوامل قاطع پیدایش و تکامل مغولستان مستقل سوسیالیستی بود . لنین مینویسد :

" ما تمام کوشش خود را برای نزدیکی و اتحاد با مغولان و ایرانیان و هندویان و مصریان بکار خواهیم برد ، ما این کار را وظیفه خود و به سود خود میدانیم ، زیرا جز این سوسیالیسم در اروپا ناستوار خواهد بود . ما میکوشیم . . . در کار استفاده از ماشین‌آلات و سبکتر کردن کار و رتائین در موکراسی و سوسیالیسم با آنان کمک کنیم " (۲) .

حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی به پیروی بی چون و چرا از همنوع‌های لنین همواره مجری سیاست دوستی و همکاری و کمک بی شائبه به خلق‌های شرق و از جمله به خلق مغولستان بود و هست .

اتحاد شوروی با برسمیت شناختن جمهوری توده ای مغولستان و ایجاد مناسبات مبتنی بر دوستی خلل ناپذیر و همکاری نزدیک ، در ایجاد و رشد و تکامل اقتصاد نوین و فرهنگ ملی و دفاع از دستاوردهای انقلاب توده ای و تحکیم حاکمیت دولتی به خلق مغولستان کمک بیشائیه نموده است . پیروزی راه رشد غیر سرمایه داری در جمهوری توده ای مغولستان و موفقیت در ساختمان

(۱) — لنین ، جلد ۴۰ ، ص ۱۷۷ .

(۲) — لنین ، جلد ۳۰ ، ص ۱۲۰ .

سوسیالیسم تجلی درخشان اندیشه‌های انقلابی بخش و تحول سازلنبن در باره دوستی خلق‌ها و اتحاد برادرانه آنان در مبارزه مشترک است .

پراتیک خلق‌های اتحاد شوروی در ساختمان جامعه نوین ، سرمشی واقعی برای خلق مغولستان در گذار به جامعه سوسیالیستی با طفره رفتن از مرحله رشد سرمایه داری بود . اکنون کمک انترناسیونالیستی روزافزون اتحاد شوروی به جمهوری تودهای مغولستان برای رشد نیروهای مولده و بالا بردن مستمر سطح رفاه مادی و فرهنگی خلق ما و نیز استفاده از تجربه بزرگ خلق‌های اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم عامل نیرومند پیروزی کامل سوسیالیسم در سرزمین مغولستان است .

دوستی و همکاری خلق‌های مغولستان و شوروی که بمعنای انترناسیونالیسم سوسیالیستی در عمل میباشند ، نمونه مناسبات طراز نوین در میان دلی است که در چارچوب سیستم جهانی سوسیالیسم رشد و تکامل مییابند . دوستی مغولستان و شوروی بر اصول لنینی اتحاد خلل ناپذیر ، برادری و همکاری خلق‌های بزرگ و کوچک ، احترام متقابل و برابری حقوق واقعی مبتنی بوده و بر وفاداری بی پایان حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب توده انقلابی مغولستان به مارکسیسم - لنینیسم و اصول انترناسیونالیسم پرولتری حکایت میکند .

اتحاد شوروی از اصول لنینی در باره برابری حقوق و حق حاکمیت تمام خلق‌ها بنحوی پیگیر پیروی میکند و به خلق‌ها تکیه علیه امپریالیسم و تجاوز و زود رراه آزادی و استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی مبارزه میکنند کمک و پشتیبانی همه جانبه بعمل میآورد و علیه استعمار و استعمار نوین و نژاد پرستی و تمام اشکال ستم ملی مبارزه قاطع انجام میدهد و پشتیبانی دائم و کمک برادرانه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به خلق قهرمان ویتنام و خلق‌های کشورهای عربی در مبارزه با امپریالیسم و دستیاران آن موجد است .

اتحاد شوروی اکنون پیشاهنگ تکامل اجتماعی و پیشرفت علم و تکنیک جهانی است . موفقیت‌های عظیم خلق شوروی در ساختمان کمونیسم ، به قدرت سوسیالیسم جهانی مشابه نیروی قاطع مبارزه ضد امپریالیستی بسی میافزاید و بر جریان تکامل جهانی تأثیر عمیق میبخشد . اتحاد شوروی مدافع مطمئن دستاوردهای تاریخی جامعه کشورهای سوسیالیستی در مقابل تجاوز نیروهای ارتجاعی و جنگ است . اتحاد شوروی سنگینی عمده مبارزه با امپریالیسم و در راه آزادی خلق‌ها از ستم ملی و استعماری را بردوش دارد . حوادث سالهای اخیر بار دیگر ثابت کرد که سیاست خارجی لنینی حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی و قدرت اقتصادی و دفاعی آن دشمنان طبقاتی را بیش از پیش به پذیرش اصل لنینی همزیستی مسالمت آمیز و اعتراف به قدرت شکست ناپذیر سوسیالیسم جهانی و امیدارد . اقدامات تجدانانه حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی در جهت اجرای پیگیر برنامه صلح که از طرف کنفرانس ۲۴ مطرح شد ، در تحکیم صلح عمومی و امنیت جهانی نقش پر ارزش دارد .

خرابکاری‌های تئولوژیک و بخصوص تبلیغات شدید ضد کمونیستی و ضد شوروی بخش لاینفک استراتژی امپریالیسم علیه جامعه کشورهای سوسیالیستی و در روهله اول اتحاد شوروی را تشکیل میدهد . حزب توده انقلابی مغولستان همیشه بر آن بوده است که نه فقط مبارزه پیگیر در راه تحکیم رشته‌های دوستی و برادری اتحاد شوروی ، بلکه دفاع قاطع از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در مقابل حملات امپریالیست‌ها و ایادی تئولوژیک آنان یعنی اپورتونیست‌ها و وظیفه مقدس کمونیست‌ها را تشکیل میدهد ، زیرا حمله و افترا به مدافع عمده دستاوردهای کشور

های سوسیالیستی و نیروی پیشتاز سوسیالیسم یعنی اتحاد شوروی ، کوشش برای بی اعتبار کردن نقش پیشاهنگ آن در مبارزه علیه امپریالیسم بمعنای جمله مستقیم به ما و به تمام دوستان و متحدین و قادار کشورهای ما است .

حزب توده انقلابی مغولستان همراه با سایر احزاب برادر در مبارزه با تبلیغات ضد شوروی و ضد کمونیستی در مواضع اصولی قرارداد داشته و قرار خواهد داشت . در عین حال حزب ما بر این رهنمود لنین متکی است که باید " . . . علیه تنگ نظری و خودگرائی و کناره جوئی محدود ملی ، در راه حفظ وحدت و منافع عاقد تابع کردن منافع خصوصی بمنافع مشترک مبارزه کرد " (١) .

حزب توده انقلابی مغولستان همواره بر آن بوده است که مناسبات صادقانه با حزب کبیرلنین ، اتحاد و همکاری نزدیک با آن مملکت اساسی و قاداری به ما رکنیسم و لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری است . تحکیم و گسترش دوستی ، خلل ناپذیر و همکاری نزدیک با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی برادر ، کوشش خستگی ناپذیر در راه تحکیم وحدت و همبستگی جنبش جهانی کمونیستی و تمام نیروهای انقلابی در دوران معاصر ، وظیفه انترناسیونالیستی حزب و خلسلق ما است .

نمونه مناسبات نوین میان خلق ها

آنچی وربلیان

عضوهیئت دبیران کمیته مرکزی حزب
کارگر متحد لهستان

لیسم

تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی راه آورد ظفر نمون سیاست لنینی انترناسیونال پروتری وموید صحت این حقیقت تاریخی بود که سوسیالیسم برای برقراری مناسبات نوین مبتنی بردستی و وحدت برادرانه میان ملل پایه های استوار پدید میآورد .
خلق روس در ایجا بد و تحکیم کشور کثیرالمله شوروی سهم خاص دارد . شعائر انقلابی طبقه کارگر روس ، تجربه سیاسی و فرهنگی وجانبازی و ایثار آن در رشد تمام جمهوری های شوروی بزرگترین سهم را داشت و در زمینه تکامل دولت شوروی سوسیالیستی وایدئولوژی سوسیالیستی نقش رهنمون ایفا نمود .

اتحاد ملل شوروی در چارچوب یک کشور سوسیالیستی واحد باین کشور اقتدار بخشید و برای پیشرفت و دفع تجاوز امپریالیستی امکانات لازم فراهم ساخت .

ستی

چگونگی حل مسئله ملی در اتحاد شوروی از نظر کمونیست ها علاوه بر اینکه نمونه ای از دوستی وهمکاری برادرانه میان خلق ها در چارچوب یک کشور کثیرالمله بدست میدهد پایه نظریه سوسیالیستی مربوط به برقراری مناسبات میان ملل بطور اعم نیز هست .

دستاوردها و تجارب اتحاد شوروی برای سراسر جنبش جهانی کارگری اهمیت عظیم داشته و دارد . مبارزه طبقه کارگر و سرنوشت تمام مردم لهستان با پیدایش و تکامل اتحاد جماهیر شوروی

سوسیالیستی و با سیاست آن پیوند بسیار نزدیک و استوار دارد . لنین همواره با جنبش کارگری صا ارتباط داشت و بآن کمک میکرد تا برای مبارزه در راه آزادی اجتماعی و ملی صحیحترین برنامه را تنظیم کند . لنین و حزب بلشویک همیشه مدافع حق خلق لهستان در تعیین سرنوشت خویش بودند .

حکومت جوان شوروی در یکی از نخستین فرمان های خود قرارداد تقسیم لهستان را ملغی اعلام کرد و این امر برای احراز استقلال کشور پس از نخستین جنگ جهانی اهمیت درجه اول داشت .

در تمام دوران بیست ساله میان دو جنگ جهانی فقط اتحاد وهمکاری با کشورهای صا میتوانست موجبات امنیت و رشد کشور ما را در شرایط صلح فراهم سازد . بهمین جهت کمونیست های

لهستان در این راه با پیگیری مبارزه میکردند - ولی طبقه کار و ثروتمند لهستان برخلاف مصالح حیاتی مردم در قبال اتحاد شوروی سیاست خصمانه داشتند و همین سیاست بود که سرانجام

عواقب هلاکتبار خود را بار آورد . دومین جنگ جهانی که برای مردم لهستان سخت ترین آزمایش تاریخی بود بی پایگی نظریات سیاسی ارد و گاه بورژوازی لهستان ، تناقض و تعارض این نظریات

را با مصالح لهستان و ناتوانی بورژوازی را در زمینه حل معضلات اساسی و حیاتی خلق آشکار ساخت . رهبری مبارزه در راه آزادی ملی و سپس رهبری مبارزه برای بدست آوردن قدرت در لهستان

احیاء شده بر عهد ه حزب مارکسیست - لنینیست طبقه کارگر قرار گرفت . ارتش شوروی که در خورد کردن ماشین جنگی هیتلری نقش قاطع ایفا کرد برای میهن ما آزادی بارمغان آورد . جمهوری تود های لهستان از آهنگام آینه خود و امنیت مرزهای خود را با اتحاد خلل ناپذیر برادرانه با کشور اتحاد شوروی پیوند زد . سوسیالیسم راه رشد لهستان را تعیین کرد . این دو عامل یعنی نظام اجتماعی سوسیالیستی و وحدت انترناسیونالیستی و همکاری با اتحاد شوروی شرایط اساسی لازم برای حل تمام مسائل اساسی سیاست داخلی و خارجی کشور را فراهم ساخت .

تعمیم نظریه تجربه ساختمان سوسیالیسم که تحت رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی انجام گرفت برای تکامل مارکسیسم - لنینیسم اهمیت عظیم داشت . در جریان دگرگونی های انقلابی و ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم در اتحاد شوروی قانونمندی های اساسی سوسیالیسم معین گردید . آیین قانونمندی ها عبارتند از : اصول دیکتاتوری پرولتاریا و اتحاد کارگرودهقان ، اجتماعی کردن وسایل تولید ، نوسازی ده پرینیاد سوسیالیستی ، برنامه ریزی سوسیالیستی ، سیستم دموکراتیک آموزش و پرورش ، اشاعه فرهنگ و دگرگونی سوسیالیستی آن ، همکاری دوستی تمام کشورهای سوسیالیستی و تحکیم وحدت آنان در مبارزه علیه امپریالیسم .

تجربه حزب کارگر متحد لهستان نشان میدهد که در میان قانونمندی های عام ساختمان سوسیالیسم نقش رهبری حزب اهمیت خاص دارد . این مطلب در تئوری لنینیسم تصریح شده و صحیحان طی بیش از نیم قرن موجودیت اتحاد شوروی و دپرراتیک کشورهای سوسیالیستی دیگر به ثبوت رسیده است . باینجهت در برنامه مصوبه کنگره ششم حزب ما تقویت نقش رهبری حزب تاکید شده است . بموجب این برنامه حزب باید مشی رشد سوسیالیستی کشور را بدرستی معین کند و در تحقق این مشی پیگیری باشد و ضمناً پیوند حزب و تمام ارگان ها و سازمان های آنرا با طبقه کارگر و هممزحمتهکشان پیوسته تحکیم بخشد . ما میکوشیم تا هر عضو حزب مبارز را ه ترقی و حامل آرمانهای سوسیالیستی باشد .

اصول عمده رهبری و امور دولت سوسیالیستی نیز با اصل نقش رهبری حزب پیوند مستقیم دارد . خصیصه اساسی دموکراسی سوسیالیستی که لنین تئوری آنرا تنظیم کرد و کشورهای سوسیالیستی اکنون همراه با اتحاد شوروی بآن جامه عمل میپوشانند عبارتست از شرکت وسیع زحمتهکشان در حل مسائل اجتماعی و تقویت حس مسئولیت آنان در زمینه اجرای سیاست دولت .

سوسیالیسم نیازی ندارد که برای زندگی سیاسی خود از اشکال کهنه ای که سرمایه داری پدید آورده است سرمشق بگیرد . سوسیالیسم برای زندگی سیاسی مدل خاصی ایجاد میکند که بکمک آن میتوان بهترین هدف های اجتماعی - اقتصادی را مطرح ساخت و مردم را برای تحقق آنها پیرامون حزب مارکسیست - لنینیست متحد کرد .

بموارات پیشرفت اجتماعی قانونمندی های جدید تکامل سوسیالیسم آشکار میگردد . در مرحله کنونی ساختمان گسترده سوسیالیسم یکی از این قانونمندی ها عبارتست از اولویت وظیفه ارضای بهترینهای مادی و فرهنگی زحمتهکشان در عرصه اجتماعی - اقتصادی .

برای تحقق این هدف همکاری اقتصاد کشورهای سوسیالیستی که هم پیوندی و در آمیزی اقتصاد سوسیالیستی شکل عالی آنست اهمیت روزافزون کسب میکند . حزب کارگر متحد لهستان این در آمیزی را تنها بمنزله یک وظیفه مهم اقتصاد و سازمانی تلقی نمیکند بلکه در عین حال آنرا یک تمهید ایدئولوژیک جدی میدانند که بموجب آن تمام اهالی کشور و از آنجمله تمام جوانان باید این حقیقت بنیادی را دریابند که در حال حاضر کوشش برای تأمین آیند ه

و پیشرفت لهستان از تحکیم وحدت آن با اتحاد شوروی و سایر ملل جامعه کشورهای سوسیالیستی تفکیک ناپذیر است . پیوند ناگسستنی میان میهن پرستی سوسیالیستی و انترناسیونالیسم نیز در همین است .

یکی از شرایط بسیار مهم پیشرفت موفقیت آمیز سوسیالیسم در هر کشور آنستکه دیالکتیک قانونمندی های عام و ویژگی ملی بد رستی در نظر گرفته شود . رفیق گریک در بیارول کمیته مرکزی حزب کارگر متحد لهستان ضمن سخنرانی برنامه ای خود در کنفرانس ششم حزب گفت : " چگونگی راه سوسیالیسم و مختصات عمده آنرا قانونمندی های عام یعنی قانونمندی هایی که برای رشد تمام کشورهای سوسیالیستی عمومیت دارد تعیین میکنند . این قانونمندی های عام بر حسب چگونگی شرایط تاریخی و ویژگی ملی هر کشور اشکال مشخص کسب میکنند . . . کم بهاد آن به این حقیقت یاعدم درک آن همیشه منشاء بروز شواری های بزرگ در کار ساختن سوسیالیسم بوده است " .

تجربه نشان میدهد که با پیشرفت سوسیالیسم اهمیت قانونمندی های عام افزایش میدهد . سطوح اجتماعی - اقتصادی رشد اولیه کشورهای سوسیالیستی بکلی با یکدیگر متفاوت بوده است . این تفاوت در جریان پیشرفت اقتصادی و اجتماعی در پرتو کمک های متقابل و همکاری این کشورها با یکدیگر کاهش می یابد و مللی که به ساختمان جامعه نوین پرداخته اند بیکدیگر نزدیک میشوند . موضوع قوانین عام و ویژگی های ملی ساختمان سوسیالیسم مبارزه ایدئولوژیک شدیدی را موجب میگردد . تمام جریان های مخالف مارکسیسم اعم از اپورتونیسم راست و " چپ " قانونمندی های عام سوسیالیسم را در راهیت امر منکرند و همین امر مانع میشود که تازمندی های ویسئله هر کشور بد رستی در نظر گرفته شود .

شاخص مشترک گرایش های مخالف مارکسیسم - لنینیسم در دوران کنونی ناسیونالیسم است . سیاست مانوئیستی رهبری حزب کمونیست چین نمود اریسپا خطرناکی از بحرومی های ناسیونالیستی است . شوینیسم ضد شوروی عظمت طلبانه در قالب مانوئیسم با برخورد پراگماتیستی و غیراصولی به تئوری در می آمیزد . همین خصیصه بود که موجب گسست کامل مانوئیست ها از مارکسیسم لنینیسم گردید . سیاست آنها به امر سوسیالیسم و به مبارزه علیه امپریالیسم و نیز به خود مردم چین زیان فراوان میرساند .

جنگ و صلح که مهم ترین مسئله در دوران معاصر است با تجربه تاریخی اتحاد شوروی پیوند محکم دارد .

برنامه وسیع و جامعی که اتحاد شوروی برای صلح مطرح ساخته و انجام رسانده و همچنان با انجام آن مشغولست در تاریخ تاکنون از طرف هیچ کشوری در سراسر جهان مطرح نشده است . امروزه که ۲۷ سال از پایان دومین جنگ جهانی میگذرد و تناسب نیروها شکل جدیدی بخود گرفته است امکان اجرای کامیابانه سیاست همزیستی مسالمت آمیز و جلوگیری از جنگ جهانی بطور قطعی به ثبوت رسیده است . این قانونمندی ویژه در دوران ما را که در حکم تکامل تئوروی لنینی همزیستی مسالمت آمیز است حزب کمونیست اتحاد شوروی کشف کرده است . در کنفرانس های حزب کمونیست اتحاد شوروی این قانونمندی بررسی گردید و نتایج لازم از آن گرفته شد . با تکیار حزب کمونیست اتحاد شوروی جنبش جهانی کمونیستی نجات جامعه بشری را از گزند جنگ هسته ای رسالت تاریخی خود اعلام داشت .

لهستان توده ای در اجرای سیاست خارجی مشترک و هماهنگ با کشورهای سوسیالیستی

شرکت فعال دارد و در این زمینه سهم خود را متناسب با امکانات خود بویژه در اروپا داد میکند .
 رسمیت یافتن قرارداد های اتحاد شوروی - آلمان غربی و لهستان - آلمان غربی - فرجام
 پیروزمندانه مبارزه ایست که طی ۲۵ سال در راه شناسائی سیاسی مرزهایی که پس از دو مین
 جنگ جهانی در اروپا پدید آمده ، انجام گرفته است .

سیاست همزیستی مسالمت آمیز برای حزب کارگر متحد لهستان بمفهوم تضعیف جبهه
 گیری ایدئولوژیک علیه سرمایه داری نیست . بلکه برعکس منع بکار بردن زور در مناسبات میان
 کشورهای پیروسیستم های اجتماعی گوناگون اهمیت مسابقه اجتماعی - اقتصادی و مبارزه ایدئولوژیک
 را جد افزایش میدهد . ما میدانیم که این امر حزب ما را با چه مسئولیتی روبرو میکند . ما اطمینان
 داریم که برای پیروزی در این مسابقه با سرمایه داری اتمام شرایط لازم برخوردار هستیم .
 این اطمینان هم از تجربه خود ما و هم بویژه از تجربه تاریخی اتحاد شوروی ناشی میشود .

در باره برخی جوانب مبارزه حزب کمونیست ایتالیا در راه دموکراسی و سوسیالیسم

گاستونه جنسینی

معاون کمیسیون تفتیش مرکزی حزب
کمونیست ایتالیا

تشکیل کشور کثیرالملله اتحاد شوروی با ترکیب ویژه و مفرنج ملیت های آن ره آورد مستقیم انقلاب اکثریت که پروسه آزادی و اتحاد زحمتکشان تحت تاثیر عظیم سیاسی وایدنولویک آن آغاز شد .

از آن زمان سالیان زیادی میگذرد و اینک با سانی دید همیشه که این رویداد ها در زندگی ملل اتحاد شوروی چه نتایجی بار آورد هود تاریخ تمام ملل چه تاثیر بخشیده و صی بخشد . در پرتو وجود حکومت شوروی ملل عقب مانده ای که در حواشی جهان تمدن زندگی میکردند طی مدتی بالنسبه کوتاه توانستند در زمینه های اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی به نتایج مهم برسند و با تفاق یکدیگر جامعه نوین سوسیالیستی را بنا نهند . اتحاد شوروی به پیروی از راهی که اکثریت کشور هود توانست در پیکار علیه نازیسم و فاشیسم و در راه دموکراسی و صلح در اروپا و سراسر جهان بزرگترین نقش را ایفا کند . اتحاد شوروی توانست به پروسه آزادی ملل مستعمره و انقلاب های توده ای که به سوسیالیسم میانجامد نیروی قاطع بخشد و خود بیکی از دودولت بزرگ جهان بدل گردد . بطوریکه میدانیم مجموعه این عوامل طی پنجاه و چند سال اخیر نقشه سیاسی جهان را بشدت در گرونگ ساخت و در تناسب نیرو های جهانی بسود سوسیالیسم تغییرات کیفی وارد ساخت و برای مبارزه در راه دموکراسی و صلح و سوسیالیسم چشم انداز های تازه ، امکانات و شرایط تازه پدید آورد . اگر میبینیم که امروز علیرغم دشواری ها و مخاطرات بزرگی که ادامه و تشدید تجاوزا امپریالیستی به ویتنام و تهدید تقریباً سراسریک خلق به فنا ی کامل ویا تشدید وخامت در خاور نزدیک از نمونه های فاجعه آمیز آنست . باز هم امکان واقعی برای مبارزه در راه صلح و همزیستی مصلحت آمیز وجود دارد . علت عمده اثر همان تاثیر آزادی بخش اکثر وجود اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و گسترش دامنه جنبش کمونیستی و ضد امپریالیستی در سراسر جهان است .

رویداد های مهم حیات سیاسی اتحاد شوروی و از آنجمله کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی که تغییرات پس از دو مین جنگ جهانی را در رصحنه جهانی بر پایه اندیشه های اساسی لنین مورد تجزیه و تحلیل قرار داد به توجیه سیاسی و تئوریک نظریه مربوط به امکان واقعی همزیستی مصلحت آمیز کشورهای پیرو رژیم های اجتماعی گوناگون کمک موثر کرد . کنگره بیست و چهارم این نظریه را گسترش داد و هدف های پراتیک جدید ناشی از آنرا با توجه به گرایش های سالهای اخیر تعیین کرد .

کنگره بیستم با تجزیه و تحلیل تغییرات سوسیالیزم جهانی و اتحاد مشی صلح و همزیستی مسالمت آمیز به نتایج مهمی رسید که از آنجمله بود تصریح وجود امکان تجدید برای تشدید مبارزه در راه دموکراسی و سوسیالیسم . در جریان این مبارزه نیروهای انقلابی برحسب ویژگیهای ملی خویش و استفاده از ابزارهای دموکراسی بورژوازی و تغییر شکل آنها راهبائی برمیگزینند که ضمناً الزامی ندارد همانها از مرحله قیام مسلح بگذرند . تردید نیست که در شرایط کنونی مسئله استقلال و حاکمیت خلقها و ملل برای طبقه کارگر و حزب آن حدتوا همیت تازه ای کمپ کرده است زیرا تشدید بحران امپریالیسم از حدت مسئله ملی نمیگاهد بلکه برعکس آنرا حدت ترمیمسازد . لنین این نکته را بروشنی تصریح کرد و گواها آن نیز مباحثات و باخوارین است و حال آنکه در آنزمان امپریالیسم مرحله آغاز خود را میگذراند و مسئله ملی حدتی به مراتب کمتر از امروز داشت .

راهی که ما آنرا راه ایتالیا بسوی سوسیالیسم نامیده ایم هدف های خود را جز به جزء تحقق میبخشد ولی با پیروی از آن موجبات بسط پی در پی دموکراسی و نوسازی آن فراهم میگردد و دموکراسی در محیطی بالنسبه مسالمت آمیز رفته رفته محتوی تازه کسب میکند . تولیاتی در سال ۱۹۶۱ نوشته بود : " مبارزه ما بهمان آزادی های دموکراتیک محتوی تازه ای میبخشد و حق آزادی را ارزنده ترمیمسازد زیرا آنرا به حق ترفیع سطح زندگی و پیشرفت اقتصادی نزدیک میکند ، پارلمان را به مدار عالیتری ارتقاء میدهد ، طلب میکند که در نظام سیاسی دگرگونی های دموکراتیک جدی صورتگیرد (توسعه حقوق و اختیارات ارگانهای محلی خودگردانسی و ایجاد خود مختاری منطقه ای وغیره) و نیز این مسئله را بمان میکشد که در موسسات صنعتی و در کشاورزی اشکال جدیدی از دموکراسی معمول گردد و گسترش یابد تا در این رهگسند راز دگرگونی های اقتصادی و پیشرفت اقتصاد برای تحقق خواستهای حیاتی مهم توده زحمتکشان استفاده بعمل آید . بهمین جهت مساعی ما در زمینه سوق جامعه براه سوسیالیسم به مبارزه ما در راه دموکراسی و به تمام حیات دموکراتیک کشور نیرو و اهمیت خاصی بخشد . این مطلب را باید برای همه کاملاً روشن کرد بدینمعنی که باید علاوه بر تصریح وجود پیوند ناگسستنی میان مبارزه در راه دموکراسی و مبارزه در راه سوسیالیسم هم در تبلیغات شفاهی و هم بطور عمدتاً در فعالیست عملی نشان داد که دموکراسی برای ماهدتی است و واقع بینانه و دارای محتوی تازه " .

گراهشی هنگام پی ریزی سیاست طبقه کارگرایتالیا و حزب پیشاهنگ آن که بر موضع ملی و موضع انترناسیونالیستی استوار بود همواره از لنین و تجربه انقلاب اکبرمد میگرفت . لنین و بلشویکها بر پایه تحلیل امپریالیسم و مسائل ناشی از نخستین جنگ جهانی و توجه به ویژگیهای تکامل اقتصادی - اجتماعی نظام سرمایه داری روسیه و ارتباط مشخص آن با وضع بین المللی و نیز توجه به وجود شرایط نهنی برای انقلاب موجبات لازم را فراهم ساختند تا طبقه کارگر در عین اتحاد با دهقانان تهیدست - بگفته گراهشی - " به دولت بدن گردد " . این یک حکم عام است که بطور مشخص نشان میدهد میلیونها کارگر و دهقان و مردم زحمتکش در سراسر جهان باین حقیقت تواقند که نظام سرمایه داری بهیچوجه شکست ناپذیر نیست و طبقه کارگر میتواند واقصاً به طبقه رهبر جامعه بدن گردد . ولی درس اکثر طوطی واری حفظ نشد و بطور مکانیکی تکرار نگردید . این درس و این نمونه سترگ یعنی نمونه ای که حزب بلشویک عرضه داشته بود میبایست در انطباق با شرایط تاریخی گوناگون و بر حسب ویژگیهای هر کشور بکار بسته شود تا راه حل های صحیح بدست آید . سخن بر سر آن نبود و هنوز هم این نیست که رشد جنبش انقلابی به درجه ای رسیده است که میتواند از اصول عام پیروی کند و در صورت لزوم ، این یا آن تاکتیک را بکاربرد .

برلینگوتور ضمن سخنرانی خود در کنفرانس سال ۱۹۶۶ در مسکو گفت: " سخن فقط بر سر ویژگیهای ملی نیست که باید به قوانین عام تکامل انقلاب سوسیالیستی و ساختمان جامعه سوسیالیستی افزوده شود. و واقعیت اینست که خود قوانین عام تکامل جامعه و مختصات اساسی و عام انقلاب سوسیالیستی هیچگاه بصورت خالص وجود ندارند بلکه همیشه (و منحصرأ) در قالب واقعیت مشخص ناشی از عوامل تاریخی و تنگنا زنا پدید میگردند " - گرامشی همیشه از این اسلوب که ماهیتاً رگسیسم را تشکیل میدهد پیروی میکرد .

لنین یا تاکید خاصی خواستار چنین برخوردی به رگسیسم بود و تمام تحلیل های او و فعالیت اروپا این خواست مطابقت داشت . آثار سخنرانی های که لنین در آنها احتراز از تقلید تجربه بلشویک ها و تفحص طرق جدید و مبتکرانه را خاطر نشان میسازد بسیار زیاد است . گرامشی با توجه به همین مطلب یعنی ضرورت در نظر گرفتن ویژگی ملی مشی مبارزه طبقه کارگر ایتالیا و درونمای امپراتریک انقلاب را در ایتالیا طر حریزی کرد . سخن بر سر استراتژی و نظریه ای در باره حزب پیشا هنگام طبقه کارگر بود که پایه آن برد و عامل مهم و محتوی قرارداد است : یکی پیوند محکم با اتحاد شوروی و حزب لنین و انترناسیونال کمونیستی در عین حفظ حق انتقاد و دیگری پیوند محکم هر چه محکمتر با تاریخ و شرایط ویژگی های کشور ما .

پیدا بیاوریم که گرامشی به مسئله انقلاب غرب که لنین آنرا پیشبینی میکرد ولی بعلل عینیستی تحقیق نپذیرفت چه توجهی معطوف میداشت . لنین برای گسترش داشته انقلاب و تحقق آن در رشد یافته ترین کشورهای سرمایه داری ضرورت مبرم قائل بود . این امر برای تکامل خود انقلاب روسیه و ساختمان سوسیالیسم اهمیت فراوان داشت . ولی لنین در سال ۱۹۱۸ گفت :
 " انقلاب بیان زودی که ما انتظار داشتیم فرانز خواهد رسید . این مطلب را تاریخ ثابت کرد ناست و حال باید توانست آنرا به مثابه یک واقعیت در نظر گرفت و نیز باید باین نکته توجه داشت که انقلاب جهانی سوسیالیستی را در کشورهای پیشرفته نمیتوان باسانی انقلاب روسیه آغاز کرد زیرا روسیه کشور نیکی و واسپوئین ، کشوری بود که برای بخش عظیمی از اهالی اش کاملاً علی السویه بود که در حواشی دور افتاده آن چه خلق های بسرمیبرند و چه حوادشی در آنجا میگرد . آغاز انقلاب در چنین کشوری آسان بود . باسانی برداشتن یک پرگانه . ولی دست زدن با انقلاب بدون تدارک لازم در کشوری که سرمایه داری در آن تکامل یافته و عادی ترین فرد رانیز از فرهنگ دموکراتیک و روح تشکیک برخوردار ساخته - عقلی نادرست و بی معنی خواهد بود . در چنین کشوری ما تازه به دوران درنگ آغاز انقلاب های سوسیالیستی نزد یک میسریم " (۱) .

این یک تفکر اصولی است که امروز نیز اهمیت آن از بسیاری جهات محفوظ مانده است . حتی میتوان گفت که این فکر چیزی جز یک رهنمود اجمالی نیست . ولی گرامشی بطور عده بر اساس همین فکر بود که پژوهش های خود را آغاز کرد تا در کشوری چون ایتالیا که " سرمایه داری در آن تکامل یافته " سیاست طبقه کارگر را پی ریزی کند و پایه های لازم را برای احراز هژمونی استوار گرداند . انقلاب اکثریت عینی هژمونی را به مثابه یک ضرورت تاریخی تاهین کرد و ما شین دولتی را در هم شکست و دیکتاتور بر ولتا ریا را برقرار ساخت ولی در ایتالیا و کشورهای غربی دیگر این هژمونی میبایست بر پایه دیگری استوار باشد . در اینجا میبایست بمرئجی فوق العاده جامعه را در نظر گرفت و توجه داشت که دولتی که باید علیه آن مبارزه کرد هیچگاه تمام عیار بصورت یک نوع ماشین جلوه گر نمیشود بلکه در احاطه

(۱) - لنین ، مجموعه کامل آثار ، جلد ۳۶ ، ص ۱۵ - ۱۶ . (ترجمه فارسی : آثار منتخبه ، جلد ۲

يك سيستم دفاعي قرار داد كه طبقه كارگر بايد آنرا در جريان يك " محاصره متقابل و فرساينده " و جنگ موضعي طولاني ميان بورژوازي و پرولتاريا جزء به جزء درهم شكند . عاملی كه در اين جريان برای پرولتاريا اهميت قاطع دارد ، توانائي اش در زمينه تا مين متحد در صفوف خود دشمنان و جلب چنين متحديني بسوی خویش و يا بيطرف نگاه داشتن آنهاست . حصول اين مقصود از راه اتحاد نيروها برای تحقق برنامه و انجام اقداماتي كه هدف آن نوسازی سراپای جامعه است ميسر خواهد بود . بر طبقه كارگر و حزب پيشاهنگ آنست كه با اين اتحاد جامعه عمل بپوشاند . چنين است مجلس از نظريات گرامشي درباره مسئله هژموني طبقه كارگر در ايتاليا و به بيان ديگر مسئله مربوط به تبدیل طبقه كارگر به طبقه رهبر و حاكم و بی ریزی جامعه نوین . در اين مسئله اصولی نظر گرامشي در همانحان كه با نظريه لنين مطابقت دارد با توجه به مسائل جديد و اوضاع و احوال جديد متضمن نكته تازه نيز هست . بيهوده نبود كه گرامشي نظريه لنين را درباره هژموني بزرگترين دستاورد فلسفي لنين ميناميد زیرا اين نظريه تركيب عالی و جامعسي از اندیشه و عملی بود كه در پرتو آن اكبر سرخ توانست طبقه كارگر را با اصطلاح گرامشي " به دولت بدل سازد " و در عرصه های اقتصادي ، سياسي ، اجتماعي ، فرهنگي و مصنوعی مناسبات نوین پی ریزد و برای جهان بينی نوین و فلسفه نوین محمل مشخص پديد آورد .

مناسبات بین‌المللی طراز نوین

گوئترهایدن

رئیس انستیتوی مارکسیسم — لنینیمم
وابسته به کمیته مرکزی حزب سوسیالیست
متحد آلمان

کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان در پنجمین پلنوم خود در آوریل سال جاری قراری صادر کرد که در آن از تمام اعضای اصلی و آزمایشی حزب و کارگران و دهقانان عضو شرکتهای تعاونی و روشنفکران و سایر زحمتکشان و از تمام احزاب و سازمانهای عضو جبهه ملی دعوت شده است پنجاهمین سالگرد تشکیل اتحاد شوروی را بزرگداشت کنند. این سالگشن را ما چون جشن خود بزرگوار خواهیم کرد و شوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان طی قرار خاصی و وظائف تمام سازمانهای حزبی، سندیکاها، سازمان جوانان، دستگاه دولتی، موسسات و ادارات، آموزشگاهها و انشگاهها را برای تدارک و بزرگاری این جشن تعیین کرده است. در قرار پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب گفته میشود: "تشکیل و تکامل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که نمونه برجسته از چگونگی کاربست خلاق و موفقیتآمیز آموزش مارکسیستی — لنینیستی و اصول انترناسیونالیسم پرولتری است اهمیت جهانی عظیم دارد. تجربه ایکه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی طی پنجاه سال موجودیت و تکامل خود اندوخته است برای ما ارزشی بس عظیم دارد".

بدینسان سیت من میخواستیم در ارتباط با سخنرانی رفیق ایتالیائی این نکته را تذکرید هم که هنگام تشریح اندیشه لنین درباره چگونگی تکامل انقلاب سوسیالیستی در کشورهای مختلف تکیه روی ضرورت خودداری از تقلید تجربه بلشویکهای روس بطوریکنانه و گسسته از متن اصلی و بدون اشاره به شرایط تاریخی — نادرست است. البته تقلید در سیاست چیزی نیست جز اقتباس سطحی تجربه دیگران بدون توجه لازم به ویژگیهای ملی. این کار چنانکه میدانیم هیچگاه با درنگ نونمندیهای تکامل اجتماعی و کاربست خلاق این قانونمندیها همراه نیست.

ولی وقتی از نکات داران اهمیت عام در تجربه اتحاد شوروی سخن بمان میآید مطلب بکلی تغییر میکند. لنین برای اهمیت بین‌المللی انقلاب اکتبر مفهوم مد و نیز قائل شده و خاطر نشان ساخته است که اهمیت بین‌المللی را در اینجا باید به مفهوم "قدر و ارزش بین‌المللی آنچه که در کشور ما روی داده است و به بیان دیگر مفهوم ناگزیری تکرار آن در صحنه بین‌المللی تلقی کرد...". لنین سپس میافزاید که "نمونه روسیتام کشورهای چیزی و آنهم چیز بسیار مهمی از آینده ناگزیرشان که چند آنهم دور نیست نشان میدهد. کارگران پیشرو در تمام کشورهای پرست این نکته را درک کرده اند...". (۱)

(۱) — لنین، مجموعه کامل آثار، جلد ۴۱، ص ۳ — ۴ (ترجمه فارسی، آثار منتخبه، جلد ۲

بخش دوم، ص ۴۰۷)

جریان ساختمان سوسیالیسم در کشورهای مختلف سیستم جهانی سوسیالیسم و از آن جمله در کشورهای دارای سطح عالی رشد (مثلاً در جمهوری دموکراتیک آلمان و چکوسلواکی) مویس این ارزیابی است .

تجربه اتحاد شوروی در زمینه حل مسئله ملی برای جنبش جهانی کمونیستی و کارگری مبارزه آزاد بیخشی ملی اهمیت فراوان دارد . مارکس ، انگلس و لینن خاطر نشان میساختند که این مسئله را فقط در صورت تلقی آن به مثابه جزئی از مسئله کل انقلاب سوسیالیستی و آزادی طبقه کارگر که طبقه انترناسیونالیست است میتوان بدستی درک کرد .

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در بسط پیگیر مناسبات مبتنی بر تعاون و پشتیبانی متقابل زحماتکشایان ملی و اقوام گوناگون روسیه تزاری سابق پدید آمد . خود این مناسبات نیز در جریان مبارزه برای حکومت شوراهای و علیه ضد انقلاب داخلی و خارجی برقرار گردید . تشکیل اتحاد شوروی برای حل طبقاتی مسئله ملی در شرایط سوسیالیسم ملامت میدهی که دارای ارزش و اعتبار عام است .

تشکیل اتحاد شوروی و تکامل موفقیت آمیز آن در طول پنجاه سال گذشته علاوه بر آنکه صحیحاً آموزش مارکسیسم - لنینیسم را در زمینه مسئله ملی عملاً به ثبوت رساند محتوی این مسئله را نیز با احکام تئوریک تازه و گرانبهای تکمیل کرد . قانونمندی های عام رشد ملت ها و چگونگی پیدایش مناسبات میان آنها در محیط سوسیالیسم مکشوف گردید . این قانونمندی ها برای برقراری روابط میان کشورهای سیستم جهانی سوسیالیسم نیز اهمیت فراوان دارند .

عواملی که موجب شد تا مسئله بفرنج و جوانب برقراری مناسبات طراز نوین میان ملل و اقوام ساکن امپراتوری پیشین تزاری با کامیابی حل شود پیش زیراست : پیروزی انقلاب سوسیالیستی ، استقرار دیکتاتوری پرولتاریا ، تثبیت مالکیت اجتماعی بر وسائل تولید ، برافزادن استثمار انسان از انسان و تحکیم اتحاد کارگران و دهقانان . همین عوامل در برقراری مناسبات طراز نوین میان کشورهای سیستم جهانی سوسیالیسم نیز نقش قاطع داشتند . ساختمان جامعه سوسیالیستی رشد یافته در این کشورها و از جمله در جمهوری دموکراتیک آلمان که پایه اجتماعی - اقتصادی همه آنها از یک نوع است نمایشگر روشن ماهیت انترناسیونالیستی سوسیالیسم است . پیروسی عینی نزدیکی کشورهای سوسیالیستی در زمینه های سیاسی ، اقتصادی و ایدئولوژیک نیز بر همین پایه استوار است .

در آمیزی اقتصاد کشورهای سوسیالیستی که اصول آن در برنامه جامع سال ۱۹۷۱ تثبیت شده است در مرحله حاضر اهمیت خاص دارد . هدف این در آمیزی استفاده هر چه اثربخش تر از برتری های سوسیالیسم و تحکیم اقتصاد جامعه کشورهای سوسیالیستی و برانداختن تدریجی اختلاف سطح رشد نیروهای مولده کشورهای مختلف سوسیالیستی و نزدیکی و پیوند متقابل اقتصاد ملل این کشورهاست .

کشورهای برادر همراهِ با اتحاد شوروی به مرحله نوین تکوین خانواده بزرگ و متفق سوسیالیستی ملل گام نهاده اند و در ویش بدوش هم با ساختمان و دفاع از جامعه نوین مشغولند و متقابلاً از تجربه و دانش یکدیگر فیض میگیرند . کشورهای برادر میگویند این خانواده بر بنیادی استوار باشد گه همانگونه که رفیق برژنف در کنگره ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی خاطر نشان ساخت " مردم جهان آنرا طلبیمه جامعه جهانی آینده ملل آزاد تلقی کنند " .

در آمیزی اقتصاد سوسیالیستی به انجام وظائف اقتصادی محدود نمیگردد بلکه از نظر سیاسی

نیز دارای اهمیت عظیم است . این در آمیزی در زنجیر تکامل سوسیالیسم که نیروی قاطع پیرو سه انقلاب در وران کنونی را تشکیل میدهد حلقه اساسی است .

ساختن جامعه سوسیالیستی در هر کشور و نیز ایجاد مناسبات دارای کیفیت نوین میان ملل فقط در صورت رهبری طبقه کارگر و حزب مارکسیست — لنینیست آن میسر خواهد بود . این یکی از درس های اساسی است که از تجربه ساختن سوسیالیسم در اتحاد شوروی ناشی میشود . تکامل کامیابانه کشور کثیرالمله اتحاد شوروی ضربت سنگینی است بر ناسیونالیسم — بورژوازی . اتحاد شوروی فقط در برپرتو همکاری نزد یک تمام ملل و اقوام خود توانست به کشور صنعتی نیرومند بدل گردد و در صحنه جهانی اعتباری کسب کند که به تنگه گاه پیرو سه انقلاب جهانی و به حصن حصین ترقی جامعه بشری و نیروی عمده سیستم جهانی سوسیالیستی مبدل شود .

این درس برای کشورهای سیستم جهانی سوسیالیسم بسیار مهم است . هر یک از آنها در رنبرد طبقاتی علیه امپریالیسم موضع استوار دارد و در عرصه های سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی با موفقیت رشد میکند و امکانات خود را فقط به صورت جزئی از جامعه کشورهای سوسیالیستی — بنحواث بخش از قوه به فعل در میآورد . همکاری نزد یک کشورهای سوسیالیستی وثیقه ایست برای تجلی کامل برتری های نظام نرین در کلیه شئون و تضمینی است برای آنکه سیستم جهانی سوسیالیستی بمثابه نیروی قاطع پیرو سه انقلابی هر چه نیرومند تر و شکست ناپذیر تر گردد .

همانگونه که پیشرفت جمهوری های ملی شوروی در برپرتو اتحاد آنها با جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی روسیه تامین گردید پیشرفت موفقیت آمیز کشورهای سیستم جهانی سوسیالیسم نیز بدون اتحاد استوار با کشورهای دیگر که پیشروترین کشور جهانست میسر نخواهد بود . وجود جامعه کشورهای سوسیالیستی بدون اتحاد شوروی محال است .

میان جمهوری دموکراتیک آلمان و اتحاد شوروی که پیشاهنگ پیشرفت جامعه بشری است و برنامه ساختن کمونیسم را اجرا میکند پیوند استوار و ناکسستی برقرار است . کنگره هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان ضمی اصولی حزب ما را خاطر نشان ساخت : اتحاد خلل ناپذیر جمهوری دموکراتیک آلمان با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی شرط عمده تامین منافع حیاتی طبقه کارگر و تمام مردم جمهوری ما است . چگونگی برخورد به اتحاد شوروی و حزب کمونیست اتحاد شوروی سنگ محک وفاداری به مارکسیسم — لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بود ، هست و خواهد بود .

حزب سوسیالیست متحد آلمان تجربه دارای اهمیت تمام اتحاد شوروی را عمیقاً بررسی کرده و آنرا بشیوه ای خلاق در میراث خود بگارشته است . شرط مهم توسعه هر چه بیشتر روابط برادرانه میان ملل کشورهای سوسیالیستی از آن حزب ما عبارتست از تحکیم دائم طبقه کارگر و حزب آن ، تقویت نقش رهبری آنها و اشاعه جهان بینی مارکسیستی — لنینیستی و اصول انترناسیونالیسم پرولتری و نزد یکی تمام طبقات و قشرهای مردم ما برای پایه .

پیرو سه جدائی جمهوری دموکراتیک آلمان از آلمان غربی امپریالیستی با تحکیم اتحاد میان این جمهوری و جامعه کشورهای سوسیالیستی پیوند طبیعی دارد .

در جمهوری ما ملت نوین سوسیالیستی آلمان تکامل میپذیرد و تجلی خاصه آن — با تقویت وجوه مشترک میان جمهوری دموکراتیک آلمان و اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی ارتباط ناکسستی دارد . جمهوری فدرال آلمان (که امید عولوگه ها و سیاستمداران امپریالیسم و سوسیال دموکراسی راست آن از وجود ملت واحد آلمان سخن میگویند) در واقعیت امر فقط

بازمانده ملت بورژوازی آلمان را با تضاد های طبقاتی آشتی ناپذیر و هدف های امپریالیستی اش در قبال جمهوری دموکراتیک آلمان و خلق های دیگر در بر دارد . وجود و کشورد رسرزمین آلمان بانظام های اجتماعی گوناگون هرگونه " مناسبات درونی صرفاً آلمانی " میان جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری فدرال آلمان را منتفی میسازد و لفاظی درباره ملت واحد آلمان را که گویا هنوز وجود دارد به پوچ گوئی بدل میکند .

بطوریکه تجربه اتحاد شوروی نشان میدهد فقط سوسیالیسم برای رونق ملت شرایط لازم فراهم میآورد . ولی سرمایه داری همانگونه که تاریخ امپریالیسم آلمان ثابت میکند ملت را همواره بسوی جنگ و بحران و فلاکت سوق میدهد .

تشکیف اتحاد شوروی نخستین سنگ بنای همزیستی واقعا برادرانه جامعه بشری بود که عصر نوینی در مناسبات میان ملل سوسیالیستی آغاز نهاد و موجبات نزدیکی و یگانگی هرچه بیشتر آنها و تبدیل شیوه ملی زندگی به شیوه بین المللی را فراهم ساخت . ساختمان اتحاد شوروی نخستین نمونه تاریخی این بناست . جامعه کشورهای سوسیالیستی مستقل و حاکم بر سر نوشت خویش نیز این رسالت تاریخی را بعهده دارند که دومین نمونه سترگ یگانگی انترناسیونالیستی ملل را عرضه دارند .

خلل ناپذیری اتحاد برادرانه

یعقوب دمیر

د بیارول کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه

اتحاد شوروی که نخستین کشور سوسیالیستی جهان است نمونه کلاسیک حل مسئله ملی را عرضه داشت .

لنین و حزب کمونیست اتحاد شوروی میان مسئله ملی و مبارزه طبقاتی پرولتاریا پیوند محکم برقرار میساختند و این مسئله را از مبارزه در راه سوسیالیسم تفکیک ناپذیر میدانستند و ضمناً ضرورت اتحاد زحمتکشان کلیه ملل را پیوسته خاطر نشان میساختند . شعار " پرولترهای تمام کشورها و ملل ستم دیده متحد شوید ! " بیانگر صریح اهمیتی است که لنین برای پیوند استواری میان مبارزه اجتماعی و مبارزه ملی قائل بود . ملل شوروی این شعار را بمثابه رهنمون عمل پذیرفتند . انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ملل روسیه تزاری را از قید ستم اجتماعی و ملی رها نید و شرایط لازم را برای همکاری آنان در چارچوب اتحاد مبتنی بر برابری حقوق فراهم ساخت . منشور حقوق ملل روسیه ، پیام شورای کمیسرها ی ملی خطاب " به تمام مسلمانان زحمتکش روسیه و شرق " و نخستین قانون اساسی شوروی که اعلامیه حقوق مردم زحمتکش و استثمارگر برپایه آن استوار بود و نیز یکسلسله قوانین دیگر تمام امتیازات ملی و مذهبی و هرگونه نابرابری سیاسی را برانداختند . حزب لنین پسران زده کمبودن مداخله گران امپریالیستی و ارتجاع داخلی طرح اتحاد را و طلبانه جمهوری های شوروی سوسیالیستی ملل آزاد و متساوی الحقوق و برادرات تنظیم کردند و عملی ساخت .

کمونیست های شوروی و نیز ما کمونیست های کشورهای دیگر بحق به ره آورد های درخشان سیاست ملی لنینی می بالیم . حتی دشمنان مارکسیسم - لنینیسم ، امپریالیست ها و مخالفان آنان نیز نمیتوانند این ره آورد ها را نادیده انگارند . چگونگی زندگی نوین ملی که در دوران روسیه تزاری عقب مانده بودند در روحیه زحمتکشان کشورهای سرمایه داری و ملل ستم دیده مبارز را آزاد ملی و اجتماعی تاثیر عظیم می بخشد . همین عامل مایه نگرانی دائمی امپریالیست هاست . آنها میکوشند نمونه ای را که اتحاد شوروی عرضه داشته است ناچیز جلوه دهند و برای اینکار به کمک اپورتونیست های راست و " چپ " در روشنگر و افترازن متوسل میشوند .

ملل اتحاد شوروی در دوران جنگ کبیر میهنی از دشوارترین آزمایش ها که در تاریخ بیسابقه بود پیروز شدند بیرون آمدند و خلل ناپذیری و شکست ناپذیری اتحاد برادرانه خود را به جهانیان نشان دادند . اتحاد آنان در جریان ساختمان کمونیسم بیش از پیش تحکیم می یابد ، همیاری آنها تقویت میشود و دامنه وسیعتری بخود میگیرد . همکاری ملل اتحاد شوروی به قانون عینسی تکامل جامعه شوروی بدل شده است .

در جریان ساختمان جامعه سوسیالیستی بنیاد مادی اتحاد شوروی بمقیاس عظیم گسترش یافت و سیمای معنوی ملل شوروی بکلی تغییر داده . مناطق عقب مانده حواشی روسیه تزاری به جمهوری های شکوفان بدل شدند و فرهنگ ملی آنان با محتوی نوین سوسیالیستی احیا گردید .

برابری حقوق خلق‌ها ی شوروی برخلاف کشورهای سرمایه داری کثیرالمله صوری نیست بلکه واقعیت دارد . گواه بارز آن دستاورد های خلق هائی است که پیش از انقلاب اکتبر و وضع اسفباری داشتند . برای نمونه چند رقم ذکر میکنیم . محصولات صنعتی اتحاد شوروی در سال ۱۹۷۰ - ۹۲ برابر سال ۱۹۱۳ بود . طی همین دوران این محصولات مثلا در کاخستان ۱۴۶ برابر، در ارمنستان ۱۸۴ برابر و در قزاقستان ۱۸۸ برابر شدند . دستاورد های جمهوری های ملی در زمینه فرهنگ نیز بسیار درخشان است . طبق آمارهائی که منتشر شده است در سال تحصیلی ۱۹۷۰ - ۱۹۷۱ عده دانشجویان آموزشگاه های عالی نسبت به هر ده هزار نفر از اهالی در جمهوری های مختلف بشرح زیر بود : در ازبکستان ۱۳۴ ، در قزاقستان ۱۳۹ ، در کاخستان ۱۶۵ ، در تاجیکستان ۱۱۸ و در ترکمنستان ۱۲۹ نفر . این ارقام را با آمارهائی سالهای ۱۹۶۵ - ۱۹۶۷ چند کشور سرمایه داری مقایسه میکنیم . طی این سالها در ایتالیا از هر ۱۰ هزار نفر اهالی ۶۵ ، در انگلستان ۷۰ ، در جمهوری فدرال آلمان ۴۹ ، در ترکیه ۲۹ ، در پاکستان ۲۶ و در ایران ۱۴ دانشجو وجود داشته است .

سیاست حزب کمونیست اتحاد شوروی موجب تغییر کیفی در سرپای زندگی مادی و فرهنگی مرد شوروی گردیده است . نسل های جدیدی با روح انترناسیونالیسم پرولتری و مین پرستی سوسیالیستی و وفاداری به آلمان های طبقه کارگر و به مارکسیسم - لنینیسم تربیت شده اند و دشمن آشتی ناپذیر استثمار انسان از انسان و ستم طلب هستند . در گزارش رفیق برژنف به کنفرانس ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی گفته میشود : " حزب در آینده نیز تمام زحمتکشان را با روح انترناسیونالیسم پرولتری و آشتی ناپذیری با هرگونه مظاهر ناسیونالیسم و شوینیسم و کوته بینی ملی و فخر فروشی ملی با روح احترام عمیق به تمام ملل و اقوام تربیت خواهد کرد " .

حزب کمونیست اتحاد شوروی وفادار به سیاست ملی لنینی موجد اتحاد با عظمت و برادری بیش از حد ملت و قوم است که همراه با سختمان سوسیالیسم و کمونیسم پیوسته راه رشد می پویند . سیاست انترناسیونالیستی حزب کمونیست اتحاد شوروی نمونه درخشانی است از چگونگی در آمیزی هماهنگ منافع جامعه کثیرالمله با منافع هر ملت . حزب کمونیست اتحاد شوروی با سیاست خود در تکامل مسائل تئوری مارکسیسم - لنینیسم و تحقق آن سهم گرانبها دارد .

انقلاب اکتبر در مبارزه ازاد ایبخش کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره تاثیر عظیم داشته است . اتحاد شوروی از مبارزه ملل آسیا ، آفریقا و امریکا لاتین در راه رهائی ملی و اجتماعی پشتیبانی می کند . همکاری سیاسی و اقتصادی اتحاد شوروی با کشورهای آزاد ایبخش را اصول برابری حقوق و منافع متقابل استوار است . این همکاری بسط حفظ استقلال سیاسی و نیل به استقلال اقتصادی کشورهای در حال رشد کمک میکند . تردید نیست که پشتیبانی اتحاد شوروی از مبارزه ملل در راه رهائی ملی و پیشرفت اقتصادی در آینده نیز ادامه خواهد یافت . مسئله ملی در دوران ما حائز اهمیت عظیم است . میلیون ها نفر هنوز در زیر یوغ امپریالیسم و استعمار قرار دارند . بسیار ناگزیر از ستم ملی و اجتماعی رنج می برند . این ملل از حق داشتن دولت ملی محرومند و با آنکه بصورت توده های بزرگ در سرزمین های زاد بومی خود زندگی میکنند امکان ندارند فرهنگ و زبان خود را پیشرفت دهند .

حزب کمونیست ترکیه در مسئله ملی از اصل حق ملل در تعیین سرنوشت خویش پیروی میکند . ضمنا ما بر آنیم که پیروی از این اصل بمعنوم تبلیغ حتی جدائی ملت نیست . اصل تعیین سرنوشت ایجاب میکند که حق هر ملت در تعیین سرنوشت خویش و از جمله در حل این مسئله که روابط دولتی

خود را با خلق‌ها یا خلق دیگر قطع یا حفظ کند برسمیت شناخته شود . چنین است مفهومی که ما برای اصل حق ملت در تعیین سرنوشت خویش قائلیم . اپورتونیست‌های " چپ " و نیـسـز ناسیونالیست‌های راست با این مفهوم مخالفند و آنرا تحریف میکنند . موضعگیری ما با نظریات لتنین مطابقت دارد .

لتنین نوشته است : " انرا ما خواستار آزادی تعیین سرنوشت یعنی استقلال ، یعنی آزادی جدائی ملل ستمدیده هستیم نه بآنجهت است که آرزوی پراکندگی و پاشیدگی اقتصاد یا ایجاد کشورهای خرده ریز را داریم بلکه برعکس بآنجهت است که خواستار کشورهای بزرگ و نزدیک و حتی در آمیزی ملل‌ها هستیم ولی بر بنیاد واقعات موکراتیک و واقعا انترناسیونالیستی که بدون آزادی جدائی محال است " (۱) .

بدینسان حق ملل در تعیین سرنوشت خویش و حق جدائی در مفهوم متفاوت هستند ولی با یکدیگر پیوند متقابل دارند . ما کمونیست‌های ترکیه همواره هوادار چنین نظریه‌ای بودیم . در پایان میخواهم یاد دیگر خاطرنشان سازم که تا مین اتحاد برادرانه زحمتکشان ملل مختلف که علیه دشمن مشترک یعنی امپریالیسم مبارزه میکنند همچنان یکی از مهمترین وظایف ما کمیسیت — لتنینیست‌ها ، کمونیست‌هاست .

درسهای ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی

یوزف سابو

معاون رئیس مد رسعالی حزبی وابسته
به حزب سوسیالیست کارگری مجارستان

تشکیل اتحاد شوروی اهمیت اجتماعی و سیاسی عظیم داشت و مرحله مهمی بود در تاریخ جامعه بشری .

در نیمه سال های سی ام شالوده های سوسیالیسم در اتحاد شوروی ریخته شد و در سال ۱۹۳۹ کنگره هجدهم حزب کمونیست تصریح کرد که ساختمان سوسیالیسم در کشور بطور کلی پایان یافته است . معنی این سخن آن بود که نظام اجتماعی نوین در عرصه های عمده و دارای اهمیت قاطع یعنی در اقتصاد و در زمینه مناسبات اجتماعی و فرهنگ پیروز شده است . ولی جامعه ای را که در پایان سالهای سی ام در اتحاد شوروی پدید آمده بود هنوز نمیشد جامعه سوسیالیستی رشد یافته و کامل نامید . ایجاد چنین جامعه ای مستلزم دست یافتن به سطح عالیتر رشد نیروهای مولده و ارضای نیازمندی های مادی و فرهنگی اهالی و اصلاح بیشتر استروکتور طبقاتی و تکمیل دموکراسی سوسیالیستی و حل یکسلسله از مسائل بفرنج دیگر بود که البته نمیشد طی چند سال بانجام رساند .

تجربه اتحاد شوروی گواه بر آنستکه ساختمان جامعه سوسیالیستی رشد یافته زمان بالنسبه طولانی لازم دارد و یک دوران تاریخی کامل را تشکیل میدهد . قرارهای کنگره ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی نشان میدهد که اتحاد شوروی اکنون به تکمیل ساختمان سوسیالیسم رشد یافته مشغولست و مردم شوروی با گام های استوار در راه ایجاد بنیاد مادی و فنی کمونیسمه پیش میروند . تجربه ای که حزب کمونیست اتحاد شوروی اندوخته و میباید و زد دارای اهمیت بین المللی عظیم است زیرا اولاً در جنبش انقلابی جهان تاثیر بخشیده و می بخشد و ثانیاً ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی مشخصات فراوانی دارد که در کشورهای دیگر نیز تکرار میشوند .

اپورتونیستهای راست و "چپ" اعم از "قدیم" و جدید لنینسیم را پدیده ویژه روسی اعلام میدارند و دعوی میکنند که لنینسیم فقط بکار کشورهایی که اقتصاد عقب مانده دارند میخورد . مثلاً گارودی رویزیونیست در کتاب "مدل فرانسوی سوسیالیسم" (که حزب کمونیست فرانسه آنرا شدیداً محکوم کرده است) تحت تاثیر تروتسکی و کسانی که سعی دارند حالا برای او تجدید حیثیت و آبرو کنند - سوسیالیسم اتحاد شوروی را سوسیالیسم "داغ بوروکراتیک خورده" نامید .

دعاوی اپورتونیستهای راست و "چپ" از نظر تفویض بس پایه است زیرا وحدت مارکسیسم-لنینیسم و اهمیت این تئوری انقلابی و افعال علمی را منکر میشوند و علاوه بر این وجود مشخصات و قانونمندی های عا پس ساختمان سوسیالیسم را نیز که تجربه تاریخی موید صحت آنست نفی میکنند .

لنین در همان مرحله آغاز ساختمان سوسیالیسم دعاوی کسانی را که میگفتند تجربه بلشویک ها

جنبه صرفاروسی دارد بکلی مردود میدانست و در عین حال با تقلید مکانیکی این تجربه نیز مخالف بود و به کمونیستها توضیح میداد که ساختمان جامعه سوسیالیستی در کشورهای مختلف با شکل گوناگون صورت خواهد گرفت و قانونمندی های عام آن با ویژگی های وضع هر کشور تکمیل خواهد شد .

ما در عین احتراز از خطر تقلید مکانیکی از خطر دیگر نیز غافل نباید باشیم و آن مطلق کردن ویژگی های ملی است . ما به پیروی از قانونمندی های عام ساختمان سوسیالیسم و پیررسی و تحلیل دقیق تجربه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی ، جامعه سوسیالیستی رشد یافته ایجا نمیکنیم .

مهمترین درسی که باید از تجربه ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی گرفت اینست که رهبری و برنامه ریزی دولتی متمرکز شرط عمده متامین رشد هماهنگ اقتصاد سوسیالیستی است . تجربه اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی دیگر نشان میدهد که سیستم برنامه ریزی اقتصاد ملی که به چگونگی رشد اقتصاد و ویژگی های دیگر هر کشور بستگی دارد تغییر میکند و تکامل میپذیرد ولی علائم اساسی اقتصاد پیر و برنامه ریزی در کشورهای مختلف و در مراحل تاریخی گوناگون یکسانست . ما با اتکاء به تجربه خود و تجربه اتحاد شوروی نقش رهبری و برنامه ریزی متمرکز را بنحوی تقویت میکنیم کمینرو و اشربخشی آن فزونیتر کرد . ولی با این عمل به فعالیت موسسات خللی وارد نمی آوریم ، زیرا رهبری متمرکز و اشربخش را بشیوه ای صحیح با استقلال معقول موسسات در می آمیزم . در اتحاد شوروی و در اکثر کشورهای سوسیالیستی دیگر نیز برای این در آمیزی کوشش بعمل میآید . اتحاد شوروی در میان کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی بزرگترین منابع اقتصادی را در اختیار دارد و با نتیجهت نقشی که اتحاد شوروی در زمینه هم پیوندی اقتصاد کشورهای سوسیالیستی ایفا میکند برای ما حائز اهمیت بسیار است . تجربه جهانی ثابت کرده است که مناسبات تولید غیر سوسیالیستی برای هم پیوندی اقتصادی شرایط و امکانات مساعد فراهم میسازد . مهمترین عامل هم پیوندی سوسیالیستی همان اشتراك هدف های اقتصادی و امکان برنامه ریزی و امکانات دیگر است که سوسیالیسم فراهم میآورد .

برنامه جامع هم پیوندی سوسیالیستی در حکم کار بست عملی اصول انترناسیونالیسم پرولتری است . این برنامه با منافع ملی نیز مطابقت دارد . مجارستان به توسعه روابط اقتصادی خارجی علاقه خاص دارد زیرا ذخائر مواد خام و بازار داخلی آن محدود است . در موسم معاملات بازرگانی خارجی ما با کشورهای سوسیالیستی دوست و آزان جمله نیمی آزان با اتحاد شوروی انجا همیگیرد .

مناسبات انترناسیونالیستی جامعه کشورهای سوسیالیستی در محیط مبارزه ایدئولوژیک و سیاسی میان دو سیستم جهانی توسعه یافته باید . این مبارزه بخش جدائی ناپذیر مبارزه طبقاتی جهانی است که خط جبهه آن از مجارستان نیز میگذرد . هدف استراتژی عمومی امپریالیسم تضعیف روابط اقتصادی ، ایدئولوژیک ، سیاسی و فرهنگی میان کشورهای سوسیالیستی است . هدف ما تحکیم دوستی با اتحاد شوروی است که به توسعه مناسبات برادرانه میان کشورهای سوسیالیستی کمک میکند .

کشور ما به مدد ارتش شوروی آزاد شد . پس از پایان دو مین جنگ جهانی اتحاد شوروی بمانکند کرد تا اقتصاد ملی خود را احیا و تثبیت کنیم ، در سال ۱۹۵۶ در سرکوب ضد انقلاب به یاری رساند و در سال ۱۹۵۷ با واگذاری اعتبار کالائی و اعتبار مالی به تقویت بنیه اقتصادی سوسیالیسم

در کشور ما کمک کرد . در سال های شصت همکاری و همیاری در رشته های تولیدی در توسعه —
 مناسبات اقتصادی میان اتحاد شوروی و مجارستان فصل نوینی آغاز کرد و نقش مهمی ایفا نمود .
 در این زمینه بجاست از قرارداد مربوط به تولید آلومینیوم و همیاری در رشته ماشین سازی و صنایع
 شیمیائی و کشاورزی و نیز همکاری روزافزون علمی و فنی یاد شود .
 کامیابی های کشور ما در ساختمان سوسیالیسم بدون دوستی با اتحاد شوروی غیر ممکن
 بود . بنیاد این دوستی بر پایه وحدت منافع استوار است . ما همیشه با احساس مباحثات
 گفته و میگوئیم که میان ما و اتحاد شوروی ، اتحاد سیاسی و اقتصادی استوار و خلیل ناپذیر برقرار
 است . از این اتحاد خلق های شوروی و مجارستان و تمام ملل کشورهای سوسیالیستی برادر
 سود میبرند .

جامعه شوروی و وجه اشتراك تاريخی نوین خلقهای آن

کولچنکو

رئیس شعبه انستیتوی مارکسیسم — لنینسم
وابسته به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد
شوروی

جامعه شوروی جامعه کثیرالمله ایست که خلقهای آن وجه اشتراك تاریخی، اجتماعی و سیاسی نوینی بایکدیگر دارند و ترکیب جانبخشی از طبقات، گروههای اجتماعی، ملت ها و اقوام و کلیه زحمتکشان را تشکیل میدهند. این وجه اشتراك بر پایه سوسیالیسم و جهان بینی مارکسیستی — لنینیستی و انترناسیونالیسم ذاتی آن، بر پایه وحدت هدف و منافع، وحدت اقتصادی و فرهنگی، خصائل و موازین اخلاقی مشترک، وحدت معیشت و سنن استوار است. پیشرفت جامعه بشری همواره با تخییر و جوه اشتراك میان افراد (طبقات، ملت ها، احزاب و غیره) همراه بوده، يك وجه اشتراك را جایگزین وجه اشتراك دیگر ساخته و با وجود اشتراك گوناگون را در کنار هم قرار داده است. این وجه اشتراك بنوبه خود منشاء پیشرفت اجتماعی بوده و از بسیاری جهات بآن كنه کرده است. پیدایش سوسیالیسم که در نتیجه آن سیر تكامل جهانی بنحو بیسابقه ای تسریع گردید تاگزیر میبایست وجوه اشتراك تاریخی نوینی میان انسان ها پدید آورد. لنین اندکی پیش از پیروزی انقلاب اکتبر که فصل نوینی در تاریخ جامعه بشری گشود خاطر نشان ساخت که سوسیالیسم " اشکال تازه و عالیتری برای زندگی اجتماعی انسان ها پدید میآورد و آنگاه نیازمندی های قانونی و تمایلات مترقی زحمتکشان هر ملت برای نخستین بار بر پایه وحدت انترناسیونالیستی ارضاء خواهد شد — مشروط بر آنکه حصارهای کنونی میان ملت ها فرویزد " (۱). استقرار دیکتاتوری پرولتاریا سر آغاز پیدایش وجه اشتراك اجتماعی — سیاسی انترناسیونالیستی نوین بود. لنین خاطر نشان میساخت که دفاع از دستاوردهای انقلاب سوسیالیستی طبقه کارگر و دهقانان را بیکدیگر پیوند میدهد، سیاست حزب کمونیست به ملل روسیه نیروی تازه میبخشد و همه آنها را در يك خانواده با عظمت و نیرومند متحد میسازد و " کُل سترگ یگانه ای پدید میآورد " (۲).

در طول سالهای ساختمان سوسیالیسم مردم شوروی زیر رهبری حزب خود و طبقه کارگر با اتحاد یکپارچه رسیدند و میان طبقات و گروههای اجتماعی و ملل و اقوام مناسبات هماهنگ نوین برقرار گردید. یگانگی مردم شوروی بر بنیاد مالکیت اجتماعی، بروساویل تولید، بر یگانگی زندگی اقتصادی، اجتماعی سیاسی و فرهنگی، بر ایدئولوژی مارکسیستی — لنینیستی و آرمان های کمونیستی طبقه کارگر استوار است.

(۱) — لنین، جلد ۳۶، ص ۴۰.

(۲) — لنین، جلد ۵۲، ص ۳۰۱.

فعالیت ارشاد ی حزب کمونیست و طبقه کارگر کثیرالمه شوروی در تکوین و تکامل وجه اشتراك تاریخی نوین خلق شوروی حائز نهایت اهمیت بود و ههست . همین عوامل موجب شده است که تمام طبقات و گروههای اجتماعی وطن و اقوام در سایه سوسیالیسم به اتحاد استوار و سطح پلنسد پایه ای از وحدت انترناسیونالیستی دست یابند . تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که طبق طرحریزی لنین صورت گرفت در این زمینه نقش خاص ایفا کرد . به برکت همین اتحاد کلیه نیروها و منابع کشور بود که ملی آزاد توانستند عقب ماندگی اقتصاد و فرهنگی پیشین را که از دوران تزاریسیم و سرمایه داری بمیراث رسیده بود در برهه زمانی بسیار کوتاه براندازند ، به صنعتی کردن کشور و استوار ساختن کشاورزی بر بنیاد کارجمعی (کلکتیویزاسیون) و انقلاب فرهنگی اصیل تحقق بخشند ، سوسیالیسم را پی افکنند و اتحاد شوروی را به کشوری توانا و شکوفان که هم اکنون به کار ساختمان جامعه کمونیستی مشغولست بدل سازند .

جامعه شوروی مقدم بر هر چیز جامعه ایست که انسان ها و خلق های آن باید یکدیگر و جدا مشترک سوسیالیستی دارند و این وجه اشتراك بر پایه یکپارچگی اجتماعی - طبقاتی ، یگانگی معنوی و سیاسی وایدولوژیک طبقه کارگر ، دهقانان کلهوزی و روشنفکران خلق استوار است . در عین حال جامعه شوروی جامعه ایست کثیرالمه که میان انسان های آن وجه اشتراکی با ماهیت انترناسیونالیستی سر قرار است . عاملی که در تکوین و تکامل خلق شوروی نقش بسیار مهم داشت همان برقراری روابط ملی سوسیالیستی و برانداختن نابرابری واقعی ملی بزرگ و کوچک در زمینه رشد اقتصاد و فرهنگی و فعالیت اجتماعی - سیاسی زحمتکشان ملی گوناگون و پی ریزی و تحکیم میانی دوستی خلل ناپذیر و مبتنی بر سوسیالیسم میان این ملت ها بود که به نیروی محرکه تکامل جامعه شوروی بدل گردید . با استقرار پایه های اساسی سوسیالیسم مسئله ملی نیز حل شد و تاثیر سو آن در پیشرفت جامعه زائل گردید و پی ریزی و تحکیم سوسیالیسم رشد یافته را میزانی عظیم تسریع بخشید .

گام نهادن کشور شوروی براه ساختمان سوسیالیسم مرحله نوینی در تکمیل و تکامل وجه اشتراك تاریخی نوین خلق های جامعه شوروی آغاز نهاد . جوانب اجتماعی - اقتصادی و سیاسی در این مرحله جوانب عمده را تشکیل میدهند .

این جوانب عبارتند از : ایجاد بنیاد مادی و فنی کمونیسم ، فرارویی تدریجی مناسبات اجتماعی سوسیالیستی در جهت تبدیل به مناسبات کمونیستی ، تقویت نقش رهبری کننده حزب کمونیست اتحاد شوروی و طبقه کارگر ، تحکیم بیشتر از پیش اتحاد آن با دهقانان کلهوزی و روشنفکران زحمتکش و پرورش انسان نوین . سیر تکامل و همپیوستگی ملی و اقوام سوسیالیستی و در محتوی و اشکال روابط ملی نیز دستخوش دگرگونی های کیفی عمیق گردید .

عامل قاطع و تعیین کننده در زمینه همپیوستگی و اتحاد کلیه ملل و اقوام و طوائف گوناگون و ایجاد خلق واحد شوروی با وجه اشتراك تاریخی نوین البته همان اقتصاد است . پیش از هر چیز باید در نظر داشت که رشد اقتصاد در جمهوری های مختلف گسترته از یکدیگر صورت نمیگیرد بلکه حلقه ای از زنجیر رشد اقتصادی واحد سراسر کشور را تشکیل میدهد .

مردم شوروی در بر ترو وحدت میانی اقتصاد سوسیالیستی خویش و هدف های مشترکی که تمام زحمتکشان آن مستقل از هرگونه تعلق ملی خویش در ساختمان کمونیسم دارند در نزد یک ساختن ملل یکدیگر پی تفاوت نیستند و در تسریع این نزدیکی نقش فعال ایفا میکنند . دولت شوروی با تکی قدرت اقتصاد و روزافزون کشور که بر نیروی کار خلق های آن استوار است و پایه تقسیم نیروهای مولده و تمرکز همه آنها در جمهوری های مختلف کشور و توزیع منابع مادی و انسانی و مترایز سطوح رشد

اقتصادی جمهوری‌ها و غیره را با احراز موفقیت انجام می‌دهد .
 پیدایش علائم مشترک در میان کلیه ملل و اقوام و نیز افزایش مستمر نقش و اهمیت این علائم
 در قبایل و بیژگی های ملی انسان‌ها در ایجاد وجه اشتراک تاریخی نوین خلق های جامعه شوروی
 اهمیت بسیار زیاد دارد .

مهمترین علامت مشترک ملت‌ها و اقوام جامعه شوروی وجه اشتراک زندگی اقتصادی و خصلت
 عمومی کار تمام انسان‌های شوروی صرف نظر از تعلقات ملی آنانست .
 وجه اشتراک اقتصادی بویژه در برودت منافع بنیادی اقتصادی و تمایل هر ملت و هر قوم به وارد کردن
 حداکثر سهم خویش در کار ایجاد بنیاد مادی و فنی کمونیسم استوار است . وجه اشتراک اقتصادی
 روزافزون مردم شوروی در زندگی هر ملت و قوم نقش روز بروز مهمتری ایفا میکند .
 وجه اشتراک زندگی سیاسی ملت‌ها و اقوام جامعه شوروی سال بسان فیزونتر می‌گردد . پایه
 این وجه اشتراک بر شکل مشخص حکومت شوروی ، بر یگانگی و یکپارچگی نظام سوسیالیستی بشکل رشد
 یافته آن ، بر پیوند متقابل عمیق میان پرورده‌های رشد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و دولت های
 ملی جمهوری های شوروی و سرانجام بر علاقه فندی مشترک ملل به تکامل و گسترش دموکراسی
 سوسیالیستی استوار است .

در کشور شوروی سیمای معنوی زحمتکشان تمام ملت‌ها علائم مشترک کسب کرده است . وجه
 اشتراک این علائم در درجه اول از وجه اشتراک مبانی ایدئولوژیک تمام ملل و اقوام ناشی می‌گردد زیرا
 جهان بینی آنان را آموزش مارکسیسم لنینیسم تشکیل می‌دهد که در جریان ساختن کمونیسم
 تکامل می‌پذیرد . علائم مشترک دیگر سیمای معنوی زحمتکشان تمام جمهوری‌ها عبارتست از میهن
 پرستی شوروی و انترناسیونالیسم سوسیالیستی آنان ، موازین اخلاق شوروی و سنن واحد و مشترک
 میان تمام مردم شوروی . علاوه بر اینها تمام ملل و اقوام جامعه شوروی دارای فرهنگ شوروی مشترک
 واحد کثیرالمله هستند .

ارتقاء مداوم سطح آگاهی انترناسیونالیستی مردم شوروی صفت مشخصه سیمای معنوی انسان
 های شوروی را تشکیل می‌دهد . این صفت چکیده ای از مجموعه آگاهی مشترک ملی هر ملت و هر قوم
 (مسوای آگاهی اجتماعی مبتنی بر انترناسیونالیسم) است که با آگاهی ملی هماهنگی دارد و در
 تضاد و تضاد با آن قرار نمی‌گیرد .

ملل و اقوام اتحاد شوروی علاوه بر اشتراک اقتصادی ، سیاسی و معنوی دارای اشتراک سرزمین
 نیز هستند و خلق های کشور این امر را در تمام زمینه های اقتصادی و اداری و سیاسی دستاورد عمومی
 خود میدانند .

اشتراک زبان در تماس میان ملت‌های یکی از علائم بسیار مهم زندگی و رشد تمام ملت‌های اتحاد
 شوروی است . زبان روسی در جریان توسعه روابط اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی و کلیه روابط
 دیگر به چنین زبانی بدل گردید . انتخاب زبان روسی بعنوان زبان مشترک تمام ملت‌های کشور
 و اوطلبانه صورت گرفت . در عین حال آزادی کامل برای رشد زبان‌های ملی نیز محفوظ مانده است .
 باید گفت که هیچیک از علائم مشترک ملل کشور شوروی ، خصلت انتنیک ندارد و در این جهت
 رشد نمیکند . نقش آنها کاملاً اجتماعی است و فقط با چنین کیفیتی بروز میکنند و در عین حال در علائم
 واقعا انتنیک ملل و اقوام از بسیاری جهات تاثیر دگرگون کننده دارند .

خلق شوروی جلوه گاه تمام وجوه مشترک خانواده واحد ملل و هر یک از آنان بطور جداگانه
 است . این وجوه مشترک عبارتند از روح انترناسیونالیسم و میهن پرستی ، روح کلکتیویسم و ایمان

مسلكى عميق ، خوشبينى انقلابى و تمایل به كار مشترك براى تامين كاميابى هر چه بيشتر ساختمان كميونسم . وجه اشتراك نوين اجتماعى سياسى انترناسيوناليسىتمى نمايشگر يگانگى و تفكيك ناپذيرى منافع انترناسيوناليسىتمى و منافع مللى در كشور كشيروالمه ايست كه بر بنياى سوسياليسم رشد ميكند . اين يگانگى يكي از قانونمندی هاى مهم سوسياليسم است كه بصورت شكفتگى همه جانبه و نزديكى مداوم مللى و اقوام متجلى ميگردد .

رشد مللى و اقوام در آينده نزديك از طريق نزديكى آهسته ولى پيوسته آنان براى نيسل به وحدت كامل صورت ميگيرد كه لنين قانونمندی و ناگزيرى آنرا ثابت کرده و حزب تحقق آنرا يكي از وظائف برنامه اى خود ميشمارد .

مبارزه حزب کمونیست علیه نژاد پرستی

فیلیپ بارت

عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات
متحده آمریکا

حل مسئله ملی برای کلیه ملل مبارز راه استقلال ورهائی از قید ستم امپریالیسم اهمیت بسیار دارد. حل این مسئله برای احزاب مارکسیست - لنینیست کشورهای امپریالیستی نیز اکنون اهمیت اصولی دارد و رأینده نیز خواهد داشت.

در ایالات متحده مسئله ملی با حدت خاصی مطرح است. البته ممکنست اشکال ای — مسئله در ایالات متحده اشکالی با اشکال آن در سایر کشورهای سرمایه داری رشد یافته متفاوت باشد ولی ماهیت آن یکی است. درکنگره بیستم حزب ما پیرامون نکات زیرین در زمینه مسئله ملی بحث شد و قرارهای لازم در باره آنها صادر گردید: جنبش آزاد بیخس سیاهپوستان که بزرگترین اقلیت ملی است، مسئله جیکانو (امریکائی های مکزیکی الاصل ساکن جنوب غربی کشور)، مسئله ملت پورتوریکو، وضع سرخ پوستان امریکای شمالی و اقلیت آسیائی الاصل.

شایان توجه است که حزب سوسیالیست از همان آغاز پیدایش خود مسئله ملی را نادیده میانگاشت و هیچگاه به مبارزه در راه آزادی ملی توجهی نداشت. در نتیجه این امر وضعی پهنش آمده که این حزب و سایر سازمان های خویشاوند آن نمیتوانستند نه سیاهپوستان افریقائی ونه افراد هیچیک از اقلیت های ملی دیگر را بصوف خود جلب کنند.

تاسیس حزب کمونیست در این زمینه تغییرات اصولی پدید آورد و این امر را با میزان زیادی مرهون کمک مستقیم لنین و انترناسیونال کمونیستی هستیم. درکنگره دوم انترناسیونال کمونیستی که لنین در آن راجع به مسئله ملی و مستعمراتی سخنرانی کرد قطعنامه ای بتصویب رسید که ضمن آن از سیاهپوستان امریکائی نیز سخن میرفت. این مسئله برای نخستین بار مطرح شده بود. اسناد بعدی کمیته در باره حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا در پایه ریزی سیاست ملی دقیق لنینی به حزب کمک کرد.

طی پنجاه سال اخیر در وضع و ترکیب طبقاتی سیاهپوستان امریکا تغییرات بزرگ روی داده است. اهالی سیاهپوست حالا دیگر در هیچیک از مناطق جنوب اکثریت ندارند و مثل سابق نیز بطور عمده در کشاورزی کار نمیکنند. سیاهپوستان امریکائی اکنون بخش مهمی از طبقه کارگر کشور را تشکیل میدهند. ولی همچنان در معرض ستم و گناه قرار دارند: هم از نظر اینکه اقلیت ملی هستند و هم از این نظر که بخشی از طبقه کارگر را تشکیل میدهند.

حالا در مسئله مبارزه برای گرفتن زمین مطرح نیست بلکه برای برابری حقوق کامل اهالی سیاهپوست و از جمله برابری حق کار مبارزه میشود. رفیق وینستون رئیس ملی حزب ما ضمن سخنرانی خود درکنگره نمونه های بارزی از تبعیض نژادی در حق کارگران سیاهپوست ذکر کرد. مثلاً این

اقلیت ملی در تولید بیش از همه در معرض ستم است . در صنایع فولاد دیرزی که قریب ۳ درصد کارگران آن را سیاهپوستان تشکیل میدهند ۳۳ رتبهکار وجود دارد و از هر رتبه به رتبه بالا تر مبلخی به دستمزد کارگر افزوده میشود . ولی اکثریت کارگران سیاهپوست در رتبه های اولیسه یعنی از رتبه ۱ تا ۸ قرار دارند و بطور کلی کمترین دستمزد ها را دریافت میکنند . ولی سخن تنها بر سر میزان دستمزد نیست بلکه بر سر جوانب گوناگون اقتصادی ، اجتماعی ، قضائی و غیره زندگی يك اقلیت ملی که ۲۵ میلیون نفری است که بعنوان خلق سیاهپوست و خاصه بملست سیاهپوست بودن با آنها بسیار بیرحمانه رفتار میشود .

رفیق جکسون عضو کمیته سیاسی کمیته مرکزی حزب ما مینویسد : " خلق سیاهپوست برای دست یابی به برابری فردی و ملی باید برای احراز استقلال ملی و حاکمیت سیاسی و جغرافیائی و ولتی مبارزه کند . اهالی سیاهپوست آمریکا از نقطه نظر تاریخی در حال حاضر و احتمالاً در آینده نیز باید از راه مبارزه برای برابری حقوق سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی به محل مسئله ملی خود نائل آید "

در کشور ویدو و عمدتاً در جنوب باختری آن ۱۰ - ۱۲ میلیون چیکانوزندگی میکنند . اینها کارگران رشته کشاورزی و صنایع کانی هستند که در پایینترین پله نردبان اقتصادی قرار دارند . این اقلیت ملی نیز دستخوش ستم هستند زیرا از حقوق ملی و فرهنگی محرومند . در قطعنامه کنگره ما در باره چیکانوها گفته میشود که " آنها در طول يك دوران کامل از تاریخ خود با مکزیک پیوند داشته اند و این سنت های تاریخی که در نتیجه حشرونشردائی میان افراد هر دو کشور تکمیل میگردد در آداب و رسوم و فرهنگ آنان تاثیر خود را همچنان اعمال میکند . خلق چیکانوطولیرغم تعدیاتی که بان وارد میشود زبان اسپانیولی خود را حفظ کرده است . این زبان که در اثر عوامل تاریخی بدست آمده عامل عمده ایست برای درک وجه اشتراکی که موجب بقای پیوند های ملی و وحدت استوار میان آنان میگردد و به توسعه روابط برادرانه با خلق مکزیک و سایر ملل آمریکای لاتین کمک میکند " .

سرمایه داری آمریکا نخستین جنایت خود را که محوکامل يك خلق بود علیه سرخ پوستان مرتکب گردید . سرمایه داران در جریان پیشروی روزافزون بسوی غرب امریکای شمالی سرخ پوستان را از زمین هایشان میراندند ، طوایف آنان را نابود میساختند و قرارداد هایی را که با قبایل هند و می بستند نقض میکردند . این وضع تاکنون نیز ادامه دارد . زبان و فرهنگ هندوهای سرخپوست به میزان زیادی از میان رفته است . در این زمینه يك رقم از آخرین آمارها را ذکر میکنیم : در سال ۱۹۷۰ صاحبان صنایع چوب بری بیش از ۲۰ هزار هکتار زمین متعلق به هندو ها را تصاحب کردند . وقتی رفیق هاشم اوف رئیس شورای وزیران جمهوری شوروی کاзахستان از دستاوردهای مردم کاзахستان سخن میگفت من کوشیدم وضع کاзахستان را با آلاسکا که چهل و نهمین ایالت و ایالت " جدید " آمریکا است مقایسه کنم . آلاسکا بزرگترین ایالتها است که قریب ۶۰۰ هزار مایل مربع مساحت دارد و گرچه از کاзахستان کوچکتر است ولی بهرحال سرزمین پهناور نیست . پس از آنکه منابع نفت در آنجا کشف شد کمپانی های تازه ای بمراتب سودآورتر از تب طلای قرن گذشته مبتلا شدند . ثروت های طبیعی آلاسکا را بزبان سرخپوستان و آلغوت ها بتاریخ میرند .

ولی کاзахستان که در گذشته سرزمین عقبمانده ای بود طی پنجاه سال ملت تازه ای درخا نوآید ملل اتحاد شوروی پدید آورد . این جمهوری صنایع نیرومند و کشاورزی پر بهره و آموزشگاههای متعدد دارد و سنت های فرهنگی غنی آن بیش از پیش تکامل یافته است .

آلاسکا، بیش از صد سال پیش توسط دولت تزاری به آمریکا فروخته شد. ولی تاکنون همچنان سرزمینی است که انحصارات زمین ها و ثروت طبیعی آنها غارت میکنند و به ثروت خود میافزایند. امپریالیسم و از آن جمله امپریالیسم آمریکا هنوز هم تمام امکانات خود را برای منحرف ساختن و سرکوب یا جلوگیری کردن جنبشهای خواهان استقلال ملی از دست نداده است. امپریالیسم پیوسته در جستجوی سلاح ایدئولوژیک تازه است و در میان روشنفکران و از جمله روشنفکران سیاه پوست ستایشگرانی برای خود اجیر میکند تا بدافع از نظام او بپردازند. باینجهت برای جلب همه هرچه بیشتر افراد بسوی سیاست ملی نئین باید علیه ایدئولوژی زهرآگین امپریالیسم با پیگیری مبارزه کرد.

تئوری های تجزیه طلبانه ای وجود دارند که در ماهیت خود با ناسیونالیسم ارتجاعی بورژوازی یکی هستند. این تئوری ها که با آنتی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم تغذیه میشوند جنبش های آزاد بیخش را ضعیف میکنند و آنها را مجزأ و منفرد میسازند. رفیق وینستون درکنابی که اخیراً انتشار یافته نوشته است: "تجزیه طلبی به مبارزه در راه آزادی سیاهپوستان آمریکا زیان میزند. تمام ایدئولوژی های تجزیه طلبانه و از جمله تئوری مارک و کارمایکل میان نظارت محافظ اجتماعی سیاهپوستان محلی و ارگان های اجتماعی آنان از یکسو و آزادی آنان از سوی دیگر علامت مساوی میگذارند. ارگان هایی که فقط سیاهپوستان آمریکائی در آنها شرکت دارند و نظارت آنان بر مناطقی که سیاهپوستان در اکثریت هستند البته بخش بسیار مهمی از مبارزه در راه آزادی است. ولی جنبش در راه آزادی سیاهها فقط میتواند بصورت بخشی از مبارزه وسیعتر در راه نظارت ملی بر حیات اقتصادی و سیاسی سراسر کشور گسترش یابد و جنبین مبارزه را تنها بصیروی سیاهپوستان نمیتوان انجام داد".

برخی از رهبران سیاهپوست نیز از ایدئولوژی تجزیه طلبانه پیروی میکنند. بیهوده نیست که انحصارات به برخی از مجلات پرسروصدای "مبلغ" جنبش آزاد بیخش سیاهپوستان کمکهای معنوی و مادی میسرسانند.

سیاهپوستان آمریکائی باید ایدئولوژی ناسیونالیستی بورژوازی نمیتوانند از بند ستم برهند. آنها فقط بر پایه طبقاتی و همراه با تمام طبقه کارگر میتوانند به برانداختن سیستم استعمار و ستمگری که از امپریالیسم ریشه میگیرد نائل آیند. حزب کمونیست در این مبارزه ایدئولوژیک شرکت دارد و در نمای روشن بان میدهد. ابتکار جنبش ضد تجاوز به هند و چین با حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا بود. این جنبش را در مراحل اولیه آن به "جنبش سرخ" متهم میکردند و میکوشیدند آنها را منفرد سازند. ولی در رپورتاژ طعیت و پافشاری مآل کثون این جنبش، با شکل گوناگون اکثریت مردم آمریکا را در برمیگیرد.

انترناسیونالیسم پرولتری کلید پیروزی بر ستم ملی است. هرگونه تفرقه افکنی یا انشعابگری مستقیم که از خصائص رهبری مائوئیستی است جنبش را یا متوقف میکند و یا به شکست و لوشکست موقت و دچار میسازد. قبول نقش رهبری اتحاد شوروی که از عوامل تاریخی ناشی میگردد به تحکیم و تأمین برابری تمام ملل کمک میکند و وحدت لازم را در مبارزه پدید میآورد.

علیه ناسیونالیسم و شونینیسیم بورژوازی

احمد کریم

عضو بروی سیاسی کمیته مرکزی حزب
کمونیسیت عراق

بررسی تجربه اتحاد شوروی به درک و فهم عمیق تئوری مارکسیسم - لنینیسم در زمینه مسئله ملی و نیز بدک بسیاری از مسائل ناشی از مرحله کمونی جنبش آزاد بیخشی ملی که در آن انقلاب ملی با انقلاب اجتماعی در آمیخته است کمک میکند . تجربه شوروی در زمینه حل مسئله ملی که از راه برانداختن استثمار انسان از انسان و برقراری وحدت طرازنویں میان ملی واقوام و نیز وحدت منافع طبقه کارگر و قشرهای دیگر زحمتکشان انجام گرفت در دوران ما اهمیت و ارزندگی خاصی کسب کرده است . هر اندازه که خصلت اجتماعی یک انقلاب عمیقتر میشود پیوند آن با جنبش جهانی انقلابی و سوسیالیستی محکمتر میگردد . این پیوند و این همپیوستگی نیروهای انقلابی به تحقق هدف مشترک پیکار ضد امپریالیسم و انحصارات جهانی کمک میکند . مبارزه ملی ستمدیده علیه امپراتوران خویش و مجاهدت آنان برای تعیین حق سرنوشت یکی از اجزاء مهم جنبش انقلابی جهانی علیه کلیه صور ستم ملی و اجتماعی است . اتحاد میان جنبش آزاد بیخشی ملی و جهان سوسیالیسم و جنبش کارگری کشورهای سرمایه داری رشد یافته پروسه ایست ناگزیر که از قوانین عینی و از منافع و وظائف مشترک جریان های انقلابی سهگانه ناشی میگردد .

انترناسیونالیسم پرولتری که در واقعیت شوروی تجسم و تجلی یافته با زتاب بلاواسطه وحدت منافع زحمتکشان ملیتهای گوناگونی است که به ساختمان جامعه کمونیستی مشغولند . در قطب مخالف آن ناسیونالیسم بورژوازی قرار دارد که بیانگر منافع طبقه بورژوازی است . ناسیونالیسم یک سلاح زهرآگینی است که علیه جنبش های انقلابی و علیه مبارزه ایکه طبقه کارگر در راه وحدت و تأمین منافع حیاتی زحمتکشان انجام میدهد بکار میرود . لنین میگفت ناسیونالیسم بورژوازی و انترناسیونالیسم پرولتری دو شعار متضاد و متناقض یکدیگرند که خصلت واقعی دارد و گاه طبقاتی بزرگ جامعه سرمایه داری و سیاست متضاد را در زمینه مسئله ملی منعکس میسازند .

در دوران ما که در آن مبارزه میان سوسیالیسم و امپریالیسم است توضیح این تفاوت اصولی برای پروسه انقلابی اهمیت اساسی دارد . اجرای پیگیر اصول انترناسیونالیسم پرولتری و در نظر گرفتن منافع اساسی زحمتکشان در مبارزه علیه امپریالیسم و طبقه مترک تمام نیروهای ترقیخواه و بیوزره احزاب مارکسیست - لنینیست است . مبارزه علیه ناسیونالیسم بورژوازی و شونینیسیم شرط حتمی کامیابی انقلاب ملی و اجتماعی است . این مبارزه به تحکیم پیوند های یرادری و اتحاد میان نیروهای انقلابی ضد امپریالیستی کمک میکند . همبستگی با اتحاد شوروی و حزب کبیر آن مهمترین نمودار انترناسیونالیسم است زیرا اتحاد شوروی تکیه گاه اساسی مبارزه ضد امپریالیستی است و به جنبش های راه آزادی ملی و اجتماعی سراسر جهان کمک های عظیم مبدول میدارد . با اینصفت آنتی سونینیسیم و دشمنی با اتحاد شوروی اعم از اینکه هرپوششی برای آرایش آن بکار رود یکی از اشکال کریه ناسیونالیسم

بورژوازی و سوسیالیسم است .

مسئله ملی در عراق اهمیت فراوان دارد . ملیت‌های اساسی کشور عبارتند از عرب ها و کرد ها . علاوه بر آن اقلیت های ملی بسیاری نیز در آن ساکنند . عرب و کرد هر دو راه استقلال ، دموکراسی و صلح و علیه کلیه صورتسلط اجنبی دروش بدوش هم مبارزه کرده اند . ولی پس از انقلاب ژوئیه سال ۱۹۵۸ و به بیان دقیقتر پس از عدول سران این انقلاب از رژیم دموکراتیک انقلابی مسئله ملی در عراق حدت خاص کسب کرد . بعدها این مسئله نیز در سیاست دولت های که یکی جانشین دیگری گردید اهمیت خود را حفظ کرد . حزب ماکه در مبارزه ملی خلق عراق نقش فعال داشته است برای حل مسئله ملی برنامه مثبتی مطرح ساخت . حزب از حقوق ملی کرد ها دفاع کرد و علیه سیاست نژاد پرستانه و سوسیالیستی محافظ ارتجاعی عراق به مبارزه برخاست . در همین حال حزب علیه گرایش های سکتراریستی و تجزیه طلبانه برخی از محافظان کرد نیز مبارزه میکرد . حزب ما بر آنست که بهترین راه حل مسئله ملی در عراق آنست که به خلق کرد در چارچوب جمهوری عراق خود مختاری داده شود . این امر بسود وحدت ملی در مبارزه علیه امپریالیسم و اعمال آن و بنفع پیشرفت اجتماعی هر دو خلق برادر است . شعرا خود مختاری کردستان عراق هم از طرف اعراب و هم از جانب کرد ها مورد پشتیبانی قرار گرفت و با اقبال صحاحل وسیع سیاسی روبرو گردید . اعلامیه ۱۱ مارس سال ۱۹۷۰ دولت عراق گام مهمی در راه ایجاد زمینه عینی در کس مسئله ملی از جانب حزب بحث است .

منافع حیاتی خلق های عرب و کرد و مجموع جنبش آزاد بیخشم ملی عرب شناسایی خود مختاری کردستان عراق را ایجاد میکند . پایه این منافع بر منافع طبقه کارگر عراق و وحدت آن استوار است و تامین این منافع شرایط لازم برای حل عادلانه مسئله ملی و امکان لازم برای برانداختن منازعات ملی را فراهم میسازد . ادامه این منازعات منابع مادی و انسانی کشور ما را بهریدهد و از گسترش انقلاب دموکراتیک ملی و دگرگونی های بنیادی اجتماعی جلوگیری میکند و ممتد ایلات و یکناتوری میدان میدهد .

حد دموکراتیک و قطعی مسئله کرد شرط لازم پیشرفت عراق و ادامه مبارزه اعراب و کرد ها و سایر اقلیت های ملی علیه امپریالیسم و نیز شرط لازم تکمیل دگرگونی های اجتماعی ترقی خواهانه ایست که توسط دولت ملی انجام گرفته است . با حل این مسئله محیط واقعا دموکراتیک بوجود خواهد آمد و به تحکیم همکاری نیروهای ملی کشور در چارچوب جبهه مترقی کمک خواهد کرد ، وحدت ملی را تقویت خواهد بخشید و توانائی کشور را برای مقابله با امپریالیسم جهانی و نیز برای خنثی کردن مانورهای انحصارات نفتی که عراق بعلت دگرگونی شدید با آن به اتحاد و بسیج تمام نیروهای ملی نیازمند است قزون خواهد ساخت . چنین راه حلی در عین حال بتقویت صفوف جنبش انقلابی اعراب کمک خواهد کرد و بدینسان به مبارزه آن در راه برانداختن عواقب تجاوز امپریالیستی و صهیونیستی نیروی تازه خواهد بخشید .

جنبش آزاد بیخشم ملی عرب در نتیجه دگرگونی های عمیقی که در آن روی داده بیش از پیش به پروسه انقلابی جهان نزدیک میگردد . نمودار آن تقویت همکاری میان واحدهای کثیرالعدد این جنبش و نیز میان آنها وارد و گاه سوسیالیستی و در راس آن اتحاد شوروی است . تجاوز فدارانسه امپریالیستی اسرائیل در سال ۱۹۶۷ تلاشی بود برای گسستن این پیوند ها . ولی این تلاش عقیم ماند . خلق های عرب و جنبش های انقلابی ترقی خواه همکاری با اردوگاه سوسیالیستی را در تمام زمینه های یعنی در زمینه های سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و نظامی تشدید کردند . کمک های عظیم

بیشابۀ اتحاد شوروی مهمترین شرط کامیابی مبارزه خلق عرب در راه دفع تجاوز امپریالیستی است . این کمک برادرانه برای عراق و رشد اقتصادی آن اهمیت بسیار زیاد دارد . اتحاد شوروی به عراق از جمله برای بهره برداری از منابع نفت آن و ساختن آماج های صنعتی متعدد در کشور کمته میکند و در ایجاد تاسیسات آبیاری بزرگ شرکت میبرد . اتحاد شوروی از اقدام دولت عراق برای ملی کردن " ایراک پترولیوم کمپانی " که در ژوئن سال ۱۹۷۲ انجام گرفت پشتیبانی کامل بعمل آورد .

خلق های عرب علیه غاصبان اسرائیلی که اراضی یکسلسله از کشورهای عربی را با پشتیبانی امپریالیسم جهانی وتکیه گاه آن امریکا همچنان اشغال کرده اند به مبارزه آزاد بیخش طوسی مضمولند . کامیابی این مبارزه بمیزان زیادی به توانائی نیروهای ترقیخواه و ملی برای تشکیل جبهه وسیع وابسته است . هدف این جبهه بازگرداندن سرزمین های اعراب و تامین حق تعیین سرنوشت خلق عرب فلسطین در خاک میهن آنست . اتحاد این جبهه با اردوگاه سوسیالیستی و پیشاهنگ آن اتحاد شوروی و نیز با جنبش انقلابی جهان نیز برای نیل باین هدف اهمیت بسیار دارد .

بهمین جهت حزب کمونیست عراق برای تحکیم رشته های دوستی و اتحاد برادرانه میان خلق های عرب و خلق های اتحاد شوروی مساعی پیگیریکار میبرد . حزب ما علیه کلیه مظاهر بیماری و خصومت با اتحاد شوروی که امپریالیسم و صهیونیسم و برخی از جریان های چپ نمایان دامن میزنند با قاطعیت مبارزه میکند . حزب کبیرلنین پیشاهنگ جنبش جهانی کمونیستی وتکیه گاه نیرومند ما در مبارزه برای حفظ و تحکیم استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی و دموکراسی و سوسیالیسم است . حزب ما برای پیمان دوستی و همکاری میان اتحاد شوروی و جمهوری عراق که در آوریل سال ۱۹۷۲ انعقاد یافت ارزش عالی قائل شد . انعقاد این پیمان ضربت موثری بود بر نیروهای امپریالیسم و تجاوز و پشتیبانی نیرومندی بود از اقدامات ترقیخواهانه ای که در کشور ما صورت میگیرد . انعقاد این پیمان مرحله کیفی تازه ای در همکاری میان دو کشور آغاز نهاد .

حزب ما وفادار به اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری همواره برای تقویت همبستگی با حزب کمونیست اتحاد شوروی مبارزه کرده و میکند . تجربه شوروی برای ما منبع پایان ناپذیر الهام در مبارزه برای دموکراسی ، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم است .

افزایش و تحکیم اعتبار اتحاد شوروی

یان فویتسک

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست
چکوسلواکی

راهی که کشور شوراهاد رطول نیمقرن گذشته پیموده گواه صادقی است بر نیروی حیاتی و شکست ناپذیری انترناسیونالیسم پرولتاری . وفاداری بهمین اصول بود که پیشرفت موفقیت آمیز سوسیالیسم را در همه جوانب تأمین کرد . همانگونه که واقعیت نشان میدهد اهمیت این اصول در جریان گذار جهانی جامعه بشری از سرمایه داری به سوسیالیسم پیوسته فزونی میپذیرد و این امر ناگزیری تاریخی دارد .

مابده کنگره ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی و به برنامه لنینی شجاعانه ای که در این کنگره بتصویب رسید با احساس نهایت خرسندی تهنیت گفتیم . اجرای موفقیت آمیز این برنامه جلوه دیگریست از نیروی عظیم و متحد معنوی و سیاسی مردم شوروی و امکانات خلاق پایان ناپذیر آنان . اجرای این برنامه در جنبش انقلابی سراسر جهان تأثیر نیکو میبخشد و سرچشمه الهامی است برای مبارزه قاطع علیه امپریالیسم . اجرای موفقیت آمیز برنامه مصوبه کنگره ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی به تحکیم و پیشرفت جامعه جهانی کشورهای سوسیالیستی کمک میکند و کار بست خلاق تجربه خلق های شوروی و حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی بآنان الهام میبخشد .

نخستین کشور سوسیالیستی جهان همیشه در زمینه برخورد خلاق به ثنوری مارکسیستی — لنینیستی و پیشبرد آن سرمشق دیگران بوده است . کنگره ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی مجموعه تجربه ای را که جامعه شوروی و نیز جنبش جهانی کمونیستی اندوخته بودند تجربه و تحلیل کرد و از آن نتایج لازم بدست آورد . اتحاد شوروی با حل مسائل اساسی ساختمان کمونیسم برای رشد کشورهای دیگر نیز درونمای زنده پدید میآورد .

ما همه ناظر تا اثیرات مثبت تعرض صلح اتحاد شوروی هستیم . در اینجا نیز اتحاد شوروی بسود تمام جامعه بشری عمل میکند . سیاست خارجی آن که هدفش تأمین صلح و امنیت و برانداختن کانون های جنگ و تشنج و بیوزیه جنگ هسته ایست نمونه ایست از این روش اصولی که تحقق آن امکانات بیشتری برای جنبش انقلابی ، برای پیشرفت مجموعه جامعه کشورهای سوسیالیستی و نیز یکسایک این کشورها ، برای تجمع نیروها و بسیج آنان در راه ساختمان کمونیسم فراهم میآورد . بهمین جهت سیاست اتحاد شوروی در سراسر جهان با اقبال عمومی روبرو میشود و مورد پشتیبانی تمام ملل صلح دوست و تمام نیروهای ترقیخواه قرار میگیرد .

لنین میگفت بدون اتحاد استوار جمهوری های شوروی حفظ موجودیت آنان درقبال امپریالیسم جهانی و دفاع و تحکیم اتحاد جماهیر شوروی میسر نخواهد بود و این امریست که " هم برای مالا زمست و هم برای مبارزه پرولتاریای کمونیستی جهان علیه بورژوازی جهانی و برای عقیم گذاشتن دسائن آن "

اتحاد شوروی به نیروهای انقلابی و بنام کسانیکه در راه آزادی کامل از بند ستم امپریالیستی مبارزه میکنند، به کسانیکه قصد پی ریزی زندگی نوین در جامعه ای فارغ از استثمار دارند و کسانیکه هم اکنون به پی ریزی این زندگی بروفق نیازهای حیاتی ملل خویش مشغولند کمکهای عظیم مبدول میدارد. بهمین جهت آنتی کمونیسم تلاش فراوان بکارمیرد تا افکار عمومی جهانیان را بویژه در همین مسئله مشوب سازد. آنتی کمونیسم اتحاد شوروی را مورد افتراات ردیلانه قرارمیدهد و انترناسیونالیسم پیگیر اتحاد شوروی و همبستگی طبقاتی و برادری طبقاتی آنرا سیاستی جلوه گر میسازد که گویا حاکمیت کشورهای دیگر را تهدید میکند و گویا بخشی دول امپریالیستی همانند است. اپورتونیستهای راست با استفاده از همین شیوه و به پیروی از آنتی سوسیالیسم بی بند و بار در سال ۱۹۶۸ در جبهه مشترکی با عناصر ضد سوسیالیست علیه سوسیالیسم در چکوسلواکی بمبارزه برخاستند. همین جبهه که نمایندگان آن با آب و تاب تمام از "احیاء سوسیالیسم" و از "سیمای انساندوستانه" و "خصلت دموکراتیک" سوسیالیسم دم میزدند موجودیت سوسیالیسم واقعی را در چکوسلواکی بخطر انداختند. در پس جملات مطمئن آنان اعمالی نهان بود که بقصد تلاش ساختن نظام اجتماعی سوسیالیستی و برانداختن هر مونی طبقه کارگر و حکومت آن و نقش رهبری حزب و سازمان دولتی سوسیالیستی مبتنی بر اصول مرکزیت دموکراتیک و وحدت ملی و انترناسیونالیستی انجام میگرفت.

تمام این دسائس که خلاف منافع اساسی خلقهای مابود آگاهانه تجربه ای بمنظور ایجاد "مدل" سوسیالیسم ملی و چکی و همدردی آن اسلواکی وانمود میگردد که عملاً فاقد مختصات عام ضروری و حتی آن بود. چون تمام این دسائس به عرصه مناقشات و مباحثات ایدئولوژیک محدود میشود افراد ساده دین و بیخبر از همه جا ممکن بود لااقل انگیزه آنرا شرافتمندانه تلقی کنند. ولی بورژوازی عامی در پیروزی با استفاده از فرصتی که برایش دست داده بود، چهره واقعی خود را خیلی زود فاش ساخت. در این گیرودار برای ما "حقایق" کشف گردند بدین معنی که انواع ادیان انسان مدعی شدند که چکوسلواکی اصلاً به سیستم سوسیالیستی تعلق ندارد و رنگ و ریشة اش غربی و اروپائی است. دعوی گردند که حوادث فوریه سال ۱۹۴۸ و بالنتیجه انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم که استثمار فرد از فرد را برانداخت و توده زحمتکش را از امکان شرکت در زندگی سیاسی کشور برخوردار ساخت گویا موجودیت ملی ما را بخطر انداخت و اینک اگر ما نخواهیم به قوم وحشی بدل گردیم و خصلت "ملت با فرهنگ" و بدینسان حق "زندگی به شیوه مدرن" را از دست بدهیم باید تمام تلاش خود را بکار بریم تا بار دیگر "بدامان غرب" بازگردیم! تمام این دعاوی بویژه در محافل "منورالفرکان" پراگ بررسی مسئله باصطلاح چکی جلوه گرمیشد.

ولی این مسئله پیش از اینها حل شده بود و حالا سخن فقط بر سر آن بود که آیا این راه حل یعنی ساختمان بعدی سوسیالیسم دوش بد و شر اتحاد شوروی و در خانوادۀ کشورهای سوسیالیستی ولولبرای زمان کوتاه طغی خواهد شد و چرخ تاریخ بعقب باز خواهد گشت و بسوی سرمایه داری به حرکت خواهد آمد یا اینکه هنوز دفاع از سوسیالیسم میسر است. محتوی قرارداد سال ۱۹۳۸ مونیخ برهنگان آشکار است. پس از تشکیل دولت مستقل چکوسلواکی بورژوازی داخلی سرنوشت خلقهای ما را با منافع و دول امپریالیستی غرب گره زد. قرارداد مونیخ که ورشکستگی این سیاست و خیانت پلید به منافع ملی ما بود اشغال فاشیستی را بدنبال آورد و راه را برای ماجراجوییهای جنگسی هیتلر هموار ساخت. مرد ما در جریان مبارزه علیه اشغالگران در راه احیای آزادیهای ملی و استقلال دولتی تکیه گاه پایدار و مطمئن یافتند که اتحاد دوستی با اتحاد شوروی بود. در دوران پس از جنگ

نیز اتحاد و دوستی با مردم شوروی تکیه گاهی بود برای حل مسائل مهم اجتماعی . اتحاد شوروی از تمایل مرد مهابه برانداختن ستم سرمایه داری و ایجاد جامعه نوینی که در آن زحمتکشان از احترام برخوردار باشند و عملاً بتوانند زمام سرنوشت خویش را خود بدست گیرند یعنی حاکمیت واقعی داشته باشند پیشه‌یانی قاطع بعمل آورد .

وابستگی به دول غربی درگذشته حاکمیت کشور ما را بر باد داد ولی اتحاد و دوستی با اتحاد شوروی ضامن حاکمیت دولتی و استقلال و آزادی خلق های ما است .

این یکی از مهمترین وجه بسامهمترین درسی است که مردم ما گرفته اند . طبق نقشه کارگردانان آنتی کمونیسم خلق های ما میبایست این درس را فراموش نکنند و برای همیشه از لوح خاطر برزد آیند . آنها بویژه میکوشیدند کمکهای عظیمی را که اتحاد شوروی در ساختمان سوسیالیسم به کشورهای میزول داشته بود لوٹ کنند . عناصر راست با استفاده از راد یووتلوویزیون و مطبوعات هر آنچه را که شوروی بود تقبیح میکردند و هر آنچه را که غربی بود میستودند و تمام اینها را نیز میهن پرستی جلوه میدادند و حاکمان که گمانیکه ناگهان بانقاب میهن پرستی به صحنه آمده بودند در اکثریت خود هیچگاه نه با میهن ما وجه اشتراکی داشتند و نه با مردم چکوسلوواکی و زندگی و سرنوشت آن . گواه آن تحسوه فعالیت کنونی آنان در مهاجرت است — منظور من فعالیت ضد ملی افرادی نظیر لیکان ، شیک ، گلد اشتوکر ، لیم و دیگران است . این افراد اکنون خواستار بدترین فلاکت ها برای کشور ما هستند و آرزو دارند که آنرا در فقر و ویرانی و محروم از دستاوردستان خود به بینند . ناسیونالیسم آنها جای خود را به جهان وطنی و قیاحانه وی بند و بار داده است .

کمک برادرانه کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی نقشه های اساسی نیروهای ضد سوسیالیسم را نقش بر آب کرد . این کمک با منافع اساسی خلق های ما مطابقت کامل داشت و از مشی سوسیالیسم که در فوریه سال ۱۹۴۸ اعلام شد بود و از دستاورد های سوسیالیستی تمام و کمال دفاع کرد . این کمک انترناسیونالیستی دوستی سنتی میان مردم ما و مردم شوروی را مجدداً تحکیم بخشید . ما در رنگره چهاردهم حزب کمونیست چکوسلوواکی تصریح کردیم که این دوستی و همکاری با انعقاد قرارداد سال ۱۹۷۰ میان چکوسلوواکی و اتحاد شوروی پیش از هر زمانی درگذشته استوار و پایدار شده است .

تجربه دوران بحران اگرچه به بهای گران بدست آمد و شاید هم بهمین علت که گران بدست آمد مردم ما را باین اعتقاد عمیق رساند که دوستی و همکاری با خلق های اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بنیاد سیاست جمهوری سوسیالیستی چکوسلوواکی و شرط و وثیقه پیشرفت موفقیت آمیز سوسیالیسم در کشور ما و سیر مطمئنی است در مقابل دسائس نیروهای ضد انقلابی و امپریالیسم . پیشروی برای مردم ما بمفهوم تحکیم دوستی با خلق های کشورهای عضویمان ورشو و شورای تعاون اقتصادی ، بمفهوم همکاری و همدروشی با اتحاد شوروی — زادگاه لنین ، پیشگام راه سوسیالیسم و کمونیسم و پیشاهنگ جنبش جهانی سوسیالیستی است .

پیشروی برای مردم ما بمفهوم در سرگرفتن از مردم شوروی و از پیشاهنگ لنینی آن یعنی حزب کمونیست اتحاد شوروی ، تکمیل سیستم رهبری جامعه سوسیالیستی بروفق اصول مارکسیسم — لنینیسم ، تحکیم حکومت طبقه کارگر و نظام سوسیالیستی ، پی ریزی و تقویت وحدت معنوی و سیاسی مردم ، استوار ساختن دوستی میان ملی و اقوام ساکن کشور ما بر پایه عمیقتر است . حزب کمونیست چکوسلوواکی اشتباهات گذشته را بر طرف ساخت و با استفاده از تجربه اتحاد شوروی مسئله مناسبات میان جنگ ها و اسلوواک ها را بر پایه فدراسیون سوسیالیستی حل کرد . میتوان گفت که صحت این گام

مهم تمام وکمال به ثبوت رسیده وبتحکیم نظام سوسیالیستی کمک کرده است .
 کلمنت گوتوالد پیشوای فراموش نشدنی حزب مایگفت ملاک انترناسیونالیسم پرولتری و
 همچنین ملاک میهن پرستی واقعی چگونگی برخورد باتحاد شوروی وحزب کمونیست اتحاد
 شوروی است .

رفیق هوساک درکنگره اخیرانجمن دوستی چکوسلواکی وشوروی گفت : " هرکس به خلق
 خود وبهکشورخود صافانه علاقمند باشد ومنافع امروزوفردای میهن خود راگرمی دارد هموارها
 ایمانی عمیق ازپیوند هاس مبتنی بردوستی واتحاد ما باتحاد شوروی پشتیبانی خواهد کرد ویا
 تمام قوا بتحکیم آن کمک خواهد نمود " .

حزب کمونیست چکوسلواکی پرورش روح انترناسیونالیسم سوسیالیستی وبویژه علاقمندی
 به اتحاد شوروی واحترام به مردم شوروی راکه باازخودگذشتگی به ساختن کمونیسم مشغولند
 وظیفه درجه اول خود میدانند .

راه واقعی رهائی زن

رودنی امان

نماینده حزب چپ کمونیست های سوئد
در مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم"

با پیدایش پیوند تاریخی نوین میان مردم شوروی در وضع زنان نیز دگرگونی کیفی پدید آمد. مثلا در کاخستان کنونی تعداد زنانی که نمایندگی شوراهای محلی انتخاب شده اند به دهها هزار نفر میرسد. این وضع مربوط به منطقه ایست که نیمیقرن پیش استعمار فئودالی بر آن حکمفرما بود.

چه عواطفی موجب شد تا زندگی خلق بر پایه ای چنین دموکراتیک استوار گردد؟ سوسیالیسم نیروهای مولده را در مقیاس عظیم رشد میدهد و این جریان زندگی زن را نیز در برمیگیرد و وضع آنان را در جامعه دگرگون میسازد زیرا شیوه تولید در چگونگی این وضع نقش تعیین کننده دارد.

اتحاد شوروی تنها به اعلام برابری حقوق زنان بسنده نکرد بلکه شرایط لازم را فراهم ساخت تا زن بتواند تکالیف و وظائف مادری را با کار در خارج از چهار دیواری خانه تلفیق کند. در سال ۱۹۴۰ زنان ۵۱ درصد کل کارگران و کارمندان را در سراسر کشور تشکیل میدادند. در جمهوری شوروی فدراتیوسوسیالیستی روسیه و دنیلوروسی ولایتوانی این رقم به ۵۲ درصد و در استونی به ۵۳ درصد میرسد.

این شرکت وسیع زنان در کار تولید فعالیت آنان را در عرصه های سیاسی و اجتماعی نیز تشدید میکند. ۴۸ درصد کرسی های نمایندگی شوراهای محلی کشور بزنان تعلق دارد. ۳۱ درصد نمایندگان شوراهای عالی جمهوری ها را زنان تشکیل میدهند و ضمنا این نسبت پیوسته رو به فزونی است. این شاخص ها از شاخص های مربوطه در کشورهای سرمایه داری رشد یافته که به دموکراسی بورژوازی خویش می بالند بسی بالا تراست.

تعداد زنانی که در اتحاد شوروی ریاست کارگاهها و کارخانهها و شرکت های تعاونی را بعهده دارند از هر کشور دیگری در جهان بیشتر است. نقش آنان در این حلقه های واسطه دستگاه رهبری کشور و نیز در تمام سازمان های توده ای بسیار مهم است. در سال ۱۹۶۸ نسبت زنان عضو کمیته های سندیکائی در کارخانه ها و ادارات ۵۶ درصد کل اعضای آنها بود. اصولا دیالکتیک ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم استفاده هر چه بیشتر از استعداد و توانائی زنان را ایجاب میکند.

در جریان تکامل بعدی اتحاد شوروی — هر آینه نیروهای ترقیخواه جهان با مساعی مشترک و با سیاست صحیح خود سرمایه داری را به پیروی از اصول همزیستی مسالمت آمیز با جهان سوسیالیسم وادارند — کشور شوروی قادر خواهد بود برای تأمین رهائی کامل زن از بند "خرده کاریهای خرفت کننده غیرتولیدی..." (۱) در امور خانه داری که لنین با قاطعیت آنرا خاطر نشان میساخت، شرایط مادی لازم را فراهم آورد.

از آنجا که سخن بر سر یک پروسه بسیار طولانی است من نمیتوانم از پشتیبانی نظریه‌ای که غالباً در مطبوعات شوروی تصریح میگردد خود دارم و رزم . بموجب این نظریه بموازات تسلاش برای " اجتماعی کردن " بیش از پیش کارهای خانگی باید پیوسته کوشید تا زوجینی که هر دو کار میکنند کارهای خانگی را نیز برپایه جدید و رفیقانه میان خود تقسیم کنند .

زنان شوروی با هنرنمایی‌های درخشانی که در دوران جنگ کبیر میهنی در امر دفاع از سیستم سوسیالیستی و تارومار ساختن نیروهای هیتلری از خود نشان دادند بطالان این افسانه اختراع بورژواها را نیز که " جنس ضعیف " است به ثبوت رساندند . هدف این افسانه پرده کشیدن بروی این واقعیت است که سیستم سرمایه داری قادر به حل مسئله تامین اشتغال کامل زنان نیست و در او واررکود و کساد بازاریان بیش از همه از بیگاری صدمه میبینند و نیروی کار آنها هم در بازار کار به بی‌بازگشت فروخته میشود .

مسئله تامین برابری حقوق کامل زن در سوئد مورد توجه فراوان محافل اجتماعی است . حزب چپ کمونیست‌های سوئد در مبارزه خود برای سوسیالیسم چنین درونمائی را تصویب میکند : " تامین حق کارسود مند برای همگان . تعدیل اساسی درآمد ها بسود درآمدهای کم . تامین حقوق زنان و ایجاد امکانات لازم برای شرکت آنان در تمام رشته‌های زندگی اجتماعی برپایه شرایط یکسان با مرد ها . بر آنکه پروسه آزادی زنان بتواند به برابری کامل مرد و زن بیانجامد باید علیه خرافات بورژوائی و تصورات کهنه مبارزه ایدئولوژیک موثر انجام گیرد " .

اصول‌نینی ساختمان سوسیالیسم برای تمام خلقهایی که در راه گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم مبارزه میکنند عمومیت دارد . معنای این سخن آنستکه راه سوئد به سوسیالیسم فقط تحت تاثیر تضاد های عام سرمایه داری و مبارزه توده مردم پی ریزی نمیشود بلکه ویژگی‌های کشور ما از جمله چگونگی سطح رشد صنعتی ، تناسب نیروهای طبقاتی ، سنت‌های سیاسی و ایدئولوژیک و به بیان دیگر مجموعه اوضاع و احوال تاریخی که مبارزه در راه سوسیالیسم در آن انجام میگیرد نیز در چگونگی این راه تاثیر دارد .

افزادی هستند که درباره سوسیالیسم تصورات ذهنی نامتناسب با واقعیت عینی دارند . حزب چپ کمونیست‌های سوئد در اعلامیه پایان مذاکرات میان هیئت نمایندگان حزب ما و هیئت نمایندگان حزب کمونیست اتحاد شوروی که در ماه مه سال ۱۹۷۲ صورت گرفت اعلام داشت که از سوسیالیسم واقعا موجود دفاع میکند . بدینسان حزب از جریان‌های خرده بورژوائی که نمیخواهند این مطلب را درک کنند که تمام ممالک‌های اساسی نظام اجتماعی نوین در اتحاد شوروی متیلور شده و نمودار گردیده است ، تبری میجوید .

توده‌های مردم چه در کشورهای نظیر سوئد چه در مستعمرات سابق علیه امپریالیسم و سیستم استثمار مبارزه میکنند . متأسفانه اشاعه برخی نظریات بورژوائی در زمینه این مسائل گاه در راه درک صحیح آنها موانعی بوجود میآورد . مثلاً دعوی میشود که مرز اساسی و عمده‌ای که جهان را بدو پارچه تقسیم میکند مرز میان کشورهای " غنی " و " فقیر " است .

به همین جهت در طرح برنامه‌ایکه در کنگره ۲۳ حزب چپ کمونیست‌های سوئد مورد بررسی قرار گرفت گفته میشود تضاد عمده جهان تضاد میان سرمایه داری و سوسیالیسم است . در طرح برنامه خاطرنشان شده است که فقر در کشورهای در حال رشد نتیجه استثمار امپریالیستی است و در سوسیالیسم که به ستم امپریالیسم پایان داده است زمینه‌ای برای آن وجود ندارد . در سوئد تصریح میگردد که کشورهای عمده امپریالیستی و نیز بلوک بندی‌های منطقه‌ای نظیر " بازار مشترک "

بکمک اشکال کهنه و نواستعمال و اعمال قهر آشکار و نهان بر ملل دیگرستم روا میدارند. ایمن امپریالیسم است نه سوسیالیسم که ثروت های طبیعی کشورهای وابسته را بتاراج میبرد و مانع رشد اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی آنان میگردد و دستم دوگانه طفیلی های داخلی و فارتگسگران خارجی را بآنها تحمیل میکند. کشورهای سوسیالیستی تکیه گاه جنبش های آزادی ملی و اجتماعی و علیه ستم امپریالیستی هستند.

طرح برنامه حزب ما سوئد را کشوری ارزیابی میکند که گرچه کوچک است ولی سرمایه داری حریصی بر آن چیره است که انحصارات آن برای بدست آوردن سود های کلان میکوشند مواضع خود را در بازار جهانی گسترش دهند. بدین منظور صد و سرمایه و انتقال موسسات و تولید به کشورهای خارجی انجام میگیرد. شرکت های صادراتی بزرگ سوئد در موسسات خارجی خود بیش از موسسات داخلی از نیروی کار استفاده میکنند.

دولت سوئد از فعالیت سرمایه مالی در خارج پشتیبانی میکند و برای سرمایه گذاری در خارج اعتبارات و تضمین های صادراتی تخصیص میدهد و بانحصارگران کشورهای دیگر امکان میدهد تا مواضع خود را در سوئد تثبیت نمایند و نیز در آمیزی سرمایه بزرگ سوئدی و خارجی کمک میکند. دولت سوئد از جمله از سیستم ارزی امپریالیستی که بکمک آن کشورهای در حال رشد غارت میشوند پشتیبانی میکند و به طرح ریزی سیاست "کلوب کشورهای دهگانه" که هدف آن تحکیم مواضع امپریالیسم در جهان است کفایت میرساند. این دولت در تجاوزات سرمایه بزرگ به حقوق مردم ملاحظه نمیکند امور خویش را مستقل و بدون مداخله از خارج اداره کنند شرکت میوزد و برای الحاق سوئد به "بازار مشترک" و نظام جدیدی که انحصارات اروپایی برقرار کرده اند تلاش میکند. این سیاست دولت با مقاومت قشرهای روزافزون مردم سوئد روبرو میشود.

حزب چپ کمونیست های سوئد با هر شکلی از الحاق به "بازار مشترک"، با تشدید نفوذ انحصارات بین المللی در رشته های کلیدی مهم صنایع نظیر تولید شمارگرهای الکترونی، تولید فراآورده های نفتی، تکنیک الکترونی که تسلط انحصارات امریکایی بر آنها بویژه جنبه هلاکتبار دارد و نیز با فعالیت کلیه انحصارها در کشور ما مخالف است.

حزب خواستار آنستکه سوئد به پشتیبانی از دلا امریکایی پایان دهد و از سازمان های مالی و ارزی جهانی سرمایه داری که چنگ های خود را چون اوختابوت بسوی کشورهای در حال رشد کشوره اند خارج گردد. ما خواستار آنیم که دولت سوئد در سیاستی که آنرا سیاست باصطلاح کمک نامیده است از جنبش های آزادی ملی و اجتماعی و از کشورهای دارای رژیم های مترقی پشتیبانی کند.

در طرح برنامه ضرورت وحدت عمل تمام کارگرانی که در کارخانه های کشور ما کار میکنند اعم از سوئدی ها و خارجیان خاطر نشان شده است. جنبش کارگری ما بیش از پیش به ضرورت مبارزه در راه برابری حقوق کامل مهاجران در زمینه های سندیکائی، اقتصادی و فرهنگی پی میبرد. اهمیت مقاومت زحمتکشان کشورهای مختلف در برابر انحصارات بیش از پیش درنگ میشود. حزب ما تمام ملل مبارزه آزادی و دموکراسی و سوسیالیسم و صلح را متحد مردم زحمتکش سوئد میداند.

محور مبارزه ضد امپریالیستی طبقه کارگر و مردم سوئد البته مبارزه علیه سرمایه انحصاری است که با هزاران رشته با امپریالیسم جهانی و در عمده آن امریکا پیوند دارد. هدف جنبش همبستگی در سوئد مقدم بر هر چیز عبارتست از کمک به خلق های قهرمان هند و چین، به کشورهای عربی که علیه

تجاوز اسرائیل مبارزه میکنند ، به میهن پرستان گینه- بیسوا ، آنگولا و موزامبیک و نیز به ایرلندی
 هائی که از وحدت ملی خویش دفاع میکنند .
 مردم سوئد به توسعه مبادلات بازرگانی و فنی و فرهنگی با اتحاد شوروی و تمام جامعه
 کشورهای سوسیالیستی علاقمندند و در راه برقراری مناسبات نوین میان ملل بر پایه احترام به حق
 حاکمیت و کمک مشترک و مبارزه علیه انحصارات بزرگ و تجاوز امپریالیستی مجاهدت میورزند .

انتر ناسیونالیسم جزء لاینفک آزادی‌خواهی و سیاست گمونیستی است

فدوسیف

رئیس انستیتوی مارکسیسم - لنینیسم
وابسته به کمیته مرکزی حزب کمونیست
اتحاد شوروی

بتصدیق همگان در عصر انقلابی کنونی مسئله برانداختن استعمار نو، ستم ملی و نابرابری حقوق که عوامل عمده خصومت ملی و تضاد ملی هستند - جانب مهم پیشرفت اجتماعی سراسر جامعه بشری را تشکیل می‌دهند.

آمارهای زیرین وسعت دامنه و اهمیت مسئله ملی را نشان می‌دهد.

در جهان کنونی تعداد خلق‌های گوناگون از طوایف کوچک گرفته تا ملت‌های صدها میلیونی تقریباً ۲۰۰۰ می‌رسد. ولی تعداد کشورهای در سراسر جهان از ۱۵۰ کشور تجاوز نمی‌کند. بیش از ۹۰ درصد ملتها در کشورهای کثیرالمله یا کثیرالطوایف بسر می‌برند.

امپریالیسم با تشدید ارتجاع در تمام شئون حیاتی جامعه مسئله ملی را خواه در چارچوب کشورهای بورژوازی کثیرالمله و خواه در مقیاس بین المللی یعنی در مناسبات میان دول امپریالیستی و کشورهای کماز نظر سیاسی و اقتصادی وابسته بآنها هستند، به مسئله حاد بدل کرده است.

ما با احساس خرسندی میتوانیم اعلام کنیم که در اتحاد شوروی مسئله ملی حل شده است. در کشورهای سوسیالیستی مختلف حل این مسئله در مراحل مختلف قرار دارد. در این پروسه تاریخی کاربرد و دشواری از پیش‌نمیرود. ولی مجموعاً در جریان پیشروی در راه سوسیالیسم در تمام مناسبات ملی واقعاً انسان‌دوستانه و واقعاً دلانه پیشرفت عظیم بدست می‌آید.

به همین جهت طبیعی است که محافل اجتماعی جهان نسبت به برگزاری پنجاهمین سالگرد نخستین کشور سوسیالیستی کثیرالمله جهان چنین توجه فراوانی معطوف می‌دارند.

تشکیل و تکامل کامیابانه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ره‌آورد اقتصادی پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر و مرحله مهم در راه پیشرفت تاریخی جامعه بشری است. موجودیت و رشد سریع اتحاد شوروی دستاورد مشترک نیروهای انقلابی آزاد بیخسر سراسر جهان قرن بیستم است. کشور کثیرالمله شوروی به جهانیان نشان داد که سوسیالیسم چگونه قادر است مسئله بسیار مهمی چون مسئله ملی را در برهه زمانی کوتاه حل کند و ریشه‌های اجتماعی - سیاسی اقتصادی تضادهای آشتی‌ناپذیر طبقاتی و ملی را که جامعه استثمارگر بر جای گذاشته بود براندازد و دوستی ملی و اقوام را تأمین کند و آنها را بیکدیگر نزدیک سازد.

طبقات حاکمه روسیه نزاری درقبال جنبش روزافزون انقلابی میکوشیدند سوء ظن های ملی وخصومت های ملی را بوسائل گوناگون تشدید کنند ویدینسان میان زحمتکشان نفاق وجدائی بیاندازند . یکی ازعواملی که ستم ملی را تشدید میکرد این بود که در آنزمان سرمایه داری دربخش مرکزی ویاختری کشور تثبیت شده بود و بسیاری ازملل ساکن حواشی کشور درزمینه های اجتماعی اقتصاد وفرهنگی بسیارواپس مانده بودند و مناسبات طایفه ای - پد رسالاری و مناسبات قنود آ برزندگی آنها تسلط داشت .

وظیفه تاریخی سترگی که حکومت شوراهارا از نخستین روز پیدایش خود بانجام آن همت گمارد آن بود که تمام این خلق هارا که در مراحل گوناگون تکامل تاریخ قرار داشتند در خانواد ه متحد و متفق گرد آورد ، برابری حقوق آنها را نه تنها از نظر سیاسی وقضائی بلکه از نظر واقعـــی و عملی تامین کند و امکان لازم برای رشد آزاد آنان فراهم سازد .

این وظیفه بغایت دشوار بود . اکنون تمام جمهوری ها ما از خود صنایع در سطح عالی رشد ، کشاورزی مکانیزه و فرهنگ غنی دارند . ولی در آغاز ه در کشوری که جنگ آنرا به ویرانی کشانده بود ، بویژه در مناطق ملیت نشین در افتاده تکنیک و کاد رکارآموده و حتی حداقل سواد وجود نداشت .

حکومت شوروی تمام نیروی خلق را به جنبش در آورد ، طوایف واقوام عقب مانده را برای کار عظیم سازندگی بهاداشت و آنها را به کارگکتیوواستفاده ازماشین وازد ستاورد های دانش خو داد .

اکنون که دوران انقلاب علمی و فنی است اهمیت عظیم حل این مسائل آشکاراست . کشورهای امپریالیستی با استفاده از دستاورد های انقلاب علمی و فنی استثمار زحمتکشان کشورهای خویش را شدت میدهند و میکوشند کشورهای ازبند رسته را که پایه تولیدی و فنی آنها ضعیف است با سارت اقتصادی خویش در آورند . ما میدانیم که کشورهای باصطلاح " جهان سوم " در این زمینه باجه دشواری هائی روبرو هستند .

حزب کمونیست ودولت شوروی از نخستین سال های ساختن سوسیالیسم به پیشرفت دانش و تهیه کادری علمی ملی در جمهوری های متحده و سایر مناطق ملیت نشین کشور ما توجه فراوان معطوف داشتند . این واقعیت که در تمام جمهوری های متحده آکادمی های علوم د اثر است وامور آنرا دانشمندان خود ملیت های هر جمهوری بهمکاری دانشمندان سایر ملیت ها انجام میدهند حائز اهمیت فراوان و حتی اهمیت اصولی است .

پیشرفت علم در تمام جمهوری ها شرط حتمی برانداختن میراث جامعه استثمارگر یعنی تقسیم کار غیرعادلانه میان ملت هابود که در آن برخی ازملل واقوام که در تقدید وابستگی استعماری ونیمه استعمار بسر میبردند نصیبی جز کار جسمانی نداشتند .

شکستگی علم و فرهنگ در این مناطق با تقویت پیوند های اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی ملل سوسیالیستی امکانات فراوانی نیز برای نزدیکی بیشتر از پیش آنان در جریان ساختن کمونیسم فراهم میسازد .

در این گفتار بسیار از کسانی که از جمهوری های مختلف اتحاد شوروی دیدن کرده اند بهاء ورموقع نشان دادند که اتحاد شوروی تنها به اعلام برابری حقوق ملل بسنده نکرده بلکه در زمانی کوتاه اقتصاد و فرهنگ مناطق واپردمانده پیشین را بسنجی عالی ارتقاء داده ویدینسان برابری واقعی و عملی ملی شوروی را در کلیه شئون زندگی تامین کرده است .

بی مبالغه میتوان گفت که این درخشانترین و بزرگترین دستاورد دموکراسی سوسیالیستی و بشر دوستی سوسیالیستی است که با دستاورد جهانی - تاریخی طبقه نادرگرمی برانداختن استثمار فرد از فرد در آمیخته است .

البته تجربه شوروی را در زمینه ساختمان کشور کثیرالمله نباید منانیکلی تقلید کرد . ولی همانگونه که بسیاری از سخنرانان در این کنفرانس خاطرنشان ساختند در عین حال نباید این تجربه را نادیده انگاشت زیرا این تجربه علاوه بر این با آن ویژگی ، قانونمندی های عام حل مسئله ملی را نیز در خود جمع دارد . اصول لنینی سیاست ملی که نخستین بار در اتحاد شوروی تحقق پذیرفت فقط دستاورد حزب کمونیست اتحاد شوروی نیست بلکه دستاورد مجموعه جنبش جهانی کمونیستی و آزاد پیخش انقلابی نیز هست .

تجربه ناشی از حل مسئله ملی در محیط سوسیالیسم از یکسو تشدید تضاد های میان ملت ها در محیط تسلط امپریالیسم از سوی دیگر گواهی معنی است بر وابستگی رشد ملتها و مناسبات میان ملت ها به عوامل اقتصادی ، اجتماعی - سیاسی وایدئولوژیک .

در کنفرانس ما تقویت نقش مسئله ملی در جهان سرمایه داری بدرستی خاطرنشان گردید . در عین حال تمام عمق و جنبه برم مسائل اجتماعی و سیاسی که ضایع حیاتی و سرنوشت خلق ها بعل آنها وابسته است در اینجا بطور همه جانبه شکافته شد . این مسائل در درجه اول عبارتند از : ضرورت برانداختن تسلط ستگرانه سرمایه انحصاری ، محو استثمار فرد از فرد و نابرابری اجتماعی ، دفع خطر جنگ های ویرانگر و حیات برانداز و جلوگیری از آلودگی روز افزون محیط زیست . باینجهت تلاش برای تفکیک مسئله ملی از وظائف عام اجتماعی جنبش آزاد پیخش و مبارزه طبقاتی زحمتکشان علیه نظام سرمایه داری و مبارزه در راه پیروزی و استقرار سوسیالیسم تلاشی است بی پایه ولی خطرناک .

مبارزه در راه آزادی ملی خلق ها در دوران معاصر باد ورنمای تاریخی نوین یعنی برانداختن مناسبات اجتماعی سرمایه داری و برقراری مناسبات اجتماعی سوسیالیستی پیوند دارد .

انقلاب سوسیالیستی همانگونه که تجربه کشورمان نشان داده است وظیفه دوگانه ای را انجام میدهد یعنی که در عین انحلال طبقات استثمارگر و تضاد آشتی ناپذیر میان طبقات بحکم منطق درونی خود ناگزیر به انجام وظیفه برانداختن ستم ملی میپردازد .

اصول انترناسیونالیسم پرولتری نمایشگر پیوند ناگسستنی میان حل مسئله برانداختن ستم طبقاتی و مسئله نابرابری ملی است . در درون کشور شوروی این اصول بطور پیگیر در مناسبات مبتنی بر دوستی و همکاری میان تمام ملل و اقوام بکار برده است . اصول انترناسیونالیسم در سیاست خارجی کشور سوسیالیستی بصورت تحکیم همکاری کشورهای سوسیالیستی ، همبستگی با ملل مبارزه آزادی و استقلال ، پشتیبانی از مبارزه آزادی پیخش ملی و تقویت ارتباط با زحمتکشان سراسر جهان تجلی مییابد . دوستی خلق ها با اعتقاد ما زمینه استوار است برای برقراری صلح میان خلق ها . برنامه صلح پیشنهادی کنگره ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی مورد پشتیبانی و سیخ و فعال تمام نیروهای ترقیخواه قرار گرفت و مجاهدت در راه تحقق آن نقش مهمی در تحکیم امنیت بین المللی ایفا میکند . نتیجه عمده ای که شرکت کنندگان کنفرانس از تجربه اتحاد شوروی گرفتند اینست که شرط اولیه و مبنای حل پیگیر مسئله ملی انقلاب سوسیالیستی و ساختمان جامعه نوین است . در ارتباط مستقیم با این نتیجه گیری یک حکم دیگر هم در اینجا خاطرنشان گردید که بموجب آن طبقه کارگر نیروی اجتماعی قاطع آزادی ملی و اتحاد ملت ها بر مبنای سوسیالیستی است .

طبقه کارگر بسبب اشتغال در تولید بزرگ تنها انقلابی ترین طبقه محوکننده مناسبات اجتماعی سرمایه داری نیست بلکه فعالترین نیروی ارشاد گرجامعه در ایچاد مناسبات تولیدی نوین که تمام سیستم روابط اجتماعی سوسیالیسم و از جمله روابط دوستی ، همکاری و تعاون خلق بر بنیاد آن قرار دارد ، نیز هست .

حل مسئله ملی و ایجاد مناسبات طراز نوین میان خلق ها یکی از مهمترین وظائف رسالت تاریخی طبقه کارگراست .

در همان حال که پرولتاریا تکیه گاه طبقاتی آزادی ملی و اتحاد ملل است حزب انقلابی پرولتاریایستی حزب کمونیست که لنین آنرا بنیاد نهاد نیروی سیاسی رهبری کننده اتحاد انترناسیونالیستی ملل شوروی است . نه تنها اصول برنامه ای و تاکتیکی بلکه اصول سازمانی آن یعنی تشکیلات مبتنی بر اصل انترناسیونالیستی حزب نیز به نزدیکی ملل و اقوام کمک میکند . حزب در جریان مبارزه روزمره خود برای انجام وظائف عاجل و نهائی طبقه کارگر زحمتکشان نژاد ها و ملت ها و اقوام گوناگون را در صفوف واحد گرد می آورد و آنها را با روح اصول انترناسیونالیسم پرولتاری و دوستی میان خلق ها می پرورد .

حزب کمونیست اتحاد شوروی نقش تاریخی خود را نه فقط از طریق اتحاد مسلکی و انترناسیونالیستی زحمتکشان تمام ملل بلکه همچنین از طریق تشکیک و هماهنگ ساختن مساعی خلاق آنان برای ساختن اقتصاد و فرهنگی و رشد سیاسی ایفا میکند .

مانیخوا و هم بگوئیم که هیچ حزب غیر کمونیست نمیتواند در حل مسئله ملی توفیق یابد . در دوران کنونی دموکرات های انقلابی بسیاری از کشورها در جنبش آزاد بیخشم ملی نقش فعال دارند . دموکرات های انقلابی برخلاف احزاب ناسیونالیست بورژوائی که راه اتحاد با سران فئودال و روسای قبائل و طوایف و سرمایه داران خارجی را در پیش میگیرند حل مسئله ملی را با مبارزه علیه رژیم های ارتجاعی و مناسبات فئودالی و طایفای — پدرسالاری و مبارزه در راه پیشرفت اجتماعی پیوند میدهند میدانیم که برخی از احزاب دموکرات ملی برای آزادی ملی و استقلال ملی خلقهای خویش کارهای زیادی انجام داده اند . کمونیست ها این فعالیت احزاب انقلابی دموکرات ملی را ارج عالی می نهند و از آن پشتیبانی میکنند . در عین حال نمیتوان این مطلب را نادیده گرفت که برخی از احزاب ضد امپریالیستی از این راه منحرف میشوند و پرا فاشتی کمونیسم گامینهند و کمونیست ها را که پیکرترین مبارزان راه آزادی ملی هستند مورد اجحاف و تضییق قرار میدهند .

در سخنرانی ها ناهمسازی ، خود خواهی ملی و شوینیسم با حل مسائل اجتماعی و ملی بد رستی خاطر نشان شد . در این زمینه بویژه سیاست شوینیستی عظیم طلبانه رهبران یکن که اصول همبستگی بین المللی زحمتکشان و وحدت کشورهای سوسیالیستی را تخریب میکنند برای تمام جنبش آزاد بیخشم خطرناک است .

مانیخوا و هم بگردیم دیگر خاطر نشان سازیم که انترناسیونالیسم جزء لاینجزا و ناگسستنی ایدئولوژی و سیاست کمونیستی است . انترناسیونالیسم بیانگر موضعگیری طبقاتی پرولتاریا در مناسبات ملی ، بیانگر اندیشه ها و اصول همبستگی طبقاتی کارگران و تمام زحمتکشان ملل گوناگون در مبارزه آنان علیه امپریالیسم است .

تجربه تاریخ گواه است که کامیابی نیروهای انقلابی در گرو وحدت و همپیوستگی صفوف آنانست . از سوی دیگر دشواریهایی که اکنون نیروهای انقلابی با آن روبرو میشوند به میزان زیاد ناشی از

اصتکاف این یا آن حزب و پاره‌بران گوناگون از اجرای پیگراصول مارکسیستی — لنینیستی
انترناسیونالیسم پرولتری است .

در شرایط کنونی اصول انترناسیونالیسم اتحاد هرچه بیشتر نیروهای عمده انقلابی عصر
میعنی سیستم جهانی سوسیالیسم ، طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری و جنبش آزاد پیخش
ملی را ایجاب میکند . چنین است نتیجه‌گیری کنفرانس بین‌المللی احزاب کمونیست و کارگری .
این نتیجه گیری برای ما رهنمون عمل است .

در پایان بار دیگر می‌خواهم خاطرنشان سازم که مردم شوروی برای پشتیبانانی
انترناسیونالیستی از مساعی و از کامیابی های اتحاد شوروی که از جانب برادران هم طبقه ما
در کشورهای خارجی و از جانب تمام نیروهای انقلابی جهان که از اصول سوسیالیسم و دستاورد
های سوسیالیستی دوران ما دفاع میکنند بعمل می‌آید — ارزش عالی قائلند .



در باره گنفرانس همبستگی احزاب کمونیست و کارگری اروپا با خلق ویتنام

روز ۲۷ ژوئیه احزاب کمونیست و کارگری سراسر اروپا با علامت همبستگی با خلق ویتنام در پاریس تشکیل گنفرانس دادند.

۲۷ حزب کمونیست و کارگری بشرح زیر در آن شرکت کردند: حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزب کمونیست اتریش، حزب کمونیست اسپانیا، حزب سوسیالیست متحد آلمان، حزب کمونیست آلمان (جمهوری فدرال آلمان)، حزب کمونیست ایتالیا، حزب سوسیالیست متحد برلن غربی، حزب کمونیست بریتانیا، حزب کمونیست بلژیک، حزب کمونیست بلغارستان، حزب کمونیست پرتغال، حزب کمونیست چکوسلواکی، حزب کمونیست دانمارک، حزب کمونیست رومانی، حزب کمونیست سان مارینو، حزب چپ کمونیست های سوئد، حزب کار سوشیست، حزب کمونیست فرانسه، حزب کمونیست فنلاند، حزب مرفقی خلق زحمتکش قبرس، حزب کمونیست لوکزامبورگ، حزب کارگر متحد لهستان، حزب سوسیالیست کارگری مجارستان، حزب کمونیست نروژ، حزب کمونیست هلند (بمنوان ناظر)، اتحاد کمونیست های یوگوسلاوی، حزب کمونیست یونان.

حزب کمونیست ایرلند که نتوانسته بود نمایندگی خود را اعزام دارد طی نامه ای تشکیل گنفرانس را تأیید کرد.

پس از تبادل نظر وسیع که در محیط دوستی و هماهنگی صورت گرفت اعلامیه ای درباره همبستگی با خلق ویتنام بتصویب رسید.

نمایندگی حزب کمونیست هلند اظهار داشت که نتایج کار گنفرانس را برای بررسی در اختیار کمیته مرکزی خود قرار خواهد داد.

اعلامیه گنفرانس

اکنون بیش از ده سال است که ایالات متحده با سفاکی علیه خلق ویتنام میجنگد. مقامات امریکایی از صلح زیاد سخن میگویند ولی عملاً تجاوز خود را شدت میدهد.

ایالات متحده امریکا علیرغم تعهداتی که چهار سال پیش پذیرفته بود اکنون بمباران خاک جمهوری دموکراتیک ویتنام را بمقیاس روزافزون شدت میدهد. شهرها و قصبهات، موسسات صنعتی، مدارس و بیمارستان ها را طبق نقشه معین منهدم میسازد. پیش از فرارسیدن موسم باران های شدید به بمباران سد ها پرداخت و این امر ممکنست مناطق پهناوری را زیر آب ببرد و مصائب فراوانی را منگیزد.

میلیون هانفرسازد . ایالات متحده امریکا در کشتار زنان و کودکان و پیران سالخورده بیداد میکند . دولت نیکسون بارد یگر با نقض موازین عام حقوق بین المللی به محاصره سواحل دریائی يك کشور مستقل حاکم بر حقوق خویش یعنی جمهوری دموکراتیک ویتنام — پرداخت .

در جنوب ویتنام بمباران های شدید و متمرکز با استفاده از مواد سمی و شیمیائی ، بمب های ناپالم و فسفوری ، بمب های " دفولیانیت " (ناپود کننده درختان و گیاهان) ، بمب های افشان و مدرن ترین سلاح های زرادخانه امریکا انجام میگیرد . ویرانگری های سیستماتیک ، ایجاد حریق ، کشتار نفوس و محو کلیه آثار و احیای در مناطقی پهنانور — چنین است سیمای واقعی سیاست امپریالیستی ایالات متحده در قبال ویتنام .

هجوم به سرزمینی با استفاده از چنین مقدار عظیم وسائل انهدام تاکنون سابقه نداشته است و علیه هیچ خلقی تاکنون اینقدر وسائل کشتار عام بکار نرفته بوده است . امپریالیسم امریکا در ویتنام به قتل عام واقعی خلق مشغولست . ایالات متحده دامنه جنگ را به لا ئوس ، کامبوج و سراسر هند و چین گشانده است .

ولی همه این اعمال بیهوده است : هیچکس رایاری آن نیست که اراده خلق هائی را که به مبارزه در راه آزادی و استقلال خود برخاسته اند در هم شکنند . دورانی که امپریالیست ها میتوانند سرنوشت خلق ها را به بازی بگیرند برای همیشه سیری شده است .

سیاست تشدید پله به پله تجاوز و " ویتنامیزه کردن " جنگ در نتیجه پیکار قهرمانانه خلق ویتنام و میهن پرستان لا ئوس و کامبوج با شکست مواجه میگردد . و این نمونه بارز است از عقیم ماندن تلاش امپریالیسم برای حل و فصل اموری بین المللی با تکیه بر " موضع زور " .

میهن پرستان تمام کشورهای هند و چین در پیکار لا ورنه خود از پشتیبانی و کمک همه جانبه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی ، از کمک و همبستگی فعال احزاب کمونیست و کارگری ، جنبش های آزاد بیخش ملی و نیروهای ترقیخواه و صلحدوست سراسر جهان برخوردارند . در خود ایالات متحده نیز دامنه تظاهرات علیه این جنگ غیر عادلانه و وسعت می پذیرد و جریان های هوادار حل مسالمت آمیز این مسئله تقویت میگردد .

امروز وظیفه ای پراچ ترومر متر از پشتیبانی از مل ویتنام ، لا ئوس و کامبوج و افشای تبهکاری های امریکا در هند و چین نیست . مبارزه خلق ویتنام در راه حق سلب ناپذیر خود برای تعیین سرنوشت خویش امر مشترک تمام مللی است که علیه امپریالیسم مبارزه میکنند .

نماینندگان احزاب کمونیست و کارگری اروپا که در ۲۷ ژوئیه سال ۱۹۷۲ در پاریس گرد آمده اند بارد یگر مراتب پشتیبانی قاطع خود را از پیشنهاد های معقول و راهگشای دولت — جمهوری دموکراتیک ویتنام و دولت انقلابی موقت جمهوری ویتنام جنوبی ابراز میدارند . این پیشنهاد ها بیباکتر مایلات حقه مردم ویتنام است و میتواند کار حل و فصل مسالمت آمیز تصادم را که امنیت مل را بخطر میاندازد برپایه عادلانه قرار دهد . جنگ تجاوزکارانه هرگز نمیتواند مسئله ویتنام را حل کند . راه حل آنرا باید در مذاکرات پاریس یافت .

در این پیشنهاد ها از دولت امریکا طلب میشود بید رنگ بمباران ها و کلیه عملیات جنگی خود را علیه جمهوری دموکراتیک ویتنام موقوف کند ، به محاصره بندر های آن پایان دهد ، از قتل عام خلق دست بکشد ، نیروها و تسلیحات خود را بید رنگ بوی هیچ قید و شرط از ویتنام جنوبی و سراسر هند و چین خارج سازد ، از پشتیبانی تیوا امتناع ورزد و هرگونه مداخله ای را در امور داخلی مردم ویت نام و خلق های لا ئوس و کامبوج قطع کند .

باید حق مسلم خلق های ویتنام ، لا ئوس و کامبوج برای تعیین سرنوشت خویش در محیطی که صلح و استقلال آنان تامین باشد برسمیت شناخته شود . در قبال تشدید نجاوزا مریکا ما جدا اعلامیداریم که از مبارزه علیه تجاوزگرایان نخواهیم ایستاد .

ما از کمونیست های سراسر اروپا دعوت میکنیم پرچم همیستگی پرولتری با خلق قهرمان ویت نام و میهن پرستان لا ئوس و کامبوج را بیشتر از پیش با همترازد آوردند .

ما از طبقه کارگر سراسر اروپا ، از زحمتمندان شهرها و دهات ، از دموکرات ها ، میهن پرستان ، از تمام مردان و زنانی که صلح ، عدالت و استقلال را ارجح می نهند دعوت میکنیم در برابر همیستگی با خلق های هند و چین ، بیشتر از پیش مجاهدت ورزند .

ما بویژه نسل جوان و شوروشوق شرافتمندان آنها را بامتقویت پشتیبانی از برادران و خواهران- نشان در هند و چین فرامیخوانیم .

تشریک مساعی تمام نیروهای انقلابی ، دموکراتیک و صلحدوست ، مبارزه مشترک و اتحاد آنان برای پیروزی امرحق خلق های هند و چین اهمیت قاطع دارد .

همیستگی با ملل هند و چین عاملی است برای تامین وحدت هرچه وسیعتر میان کمونیست ها ، سوسیالیست ها و تمام نیروهای ترقیخواه و صلحدوست . مسئله ویتنام موجب شده است که در نظریات نمایندگان کلیساها و عامه دینداران تحول روزافزون صورت گیرد . ما آمادگی خود را برای آغاز شوروسیع پیرامون مسئله تشریک مساعی اعلام میداریم .

مبارزه مشترک برای پایان دادن به قتل عام خلق ویتنام را تشدید کنیم !

هیچ انسان صاحب وجدان نباید در حاشیه این مبارزه قرارگیرد .

فعالیت مشترک خود را برای پشتیبانی از پیکار خلق های ویتنام و سراسر هند و چین در راه آزادی و استقلال تقویت بخشیم !



حزب، دولت، مردم

پاسخ گوستا وهوساک، دبیرکل
کمیته مرکزی حزب کمونیست
چکوسلواکی به سؤال های هیئت
تحریریه مجله "مسائل صلح
وسوسیالیسم"

سؤال — شما در سخنان خود در چهاردهمین کنگره حزب کمونیست
چکوسلواکی خاطر نشان کردید که تمام موفقیت های حزب
به وفاداری آن بهمارکسیسم — لنینیسم وتوانائی اش، در
کاربستمارکسیسم — لنینیسم در شرایط متحول وابسته است.
بعقید شما تغییراتعمده ای که در فعالیت حزب در مراحل
اساسی تاریخ آن پدید آمده، کدام است؟ از جمله این
امر که طبقه کارگر در کشور شما از راه مسالمت آمیز قدرت را بسط
دست گرفت، در اشکال وشبوه های فعالیت حزب چه
تاثیری داشت؟

پاسخ — چهاردهمین کنگره حزب ما هنگام تجزیه وتحلیل مرحله گذشته فعالیت حزب
وتنظیم برنامه واقع بینانه ای برای تکامل آتی سوسیالیسم در چکوسلواکی، پیش از همه این تجربه
را از تاریخ حزب در نظر داشت که حزب فقط زمانی که از آموزش لنین بطور پیگیر پیروی کرده و بسط
اصول عام این آموزش در شرایط مشخص هر یک از مراحل مبارزه طبقاتی وساختن سوسیالیسم
بطور خلاق تحقق بخشیده، توانسته است وظیفه خود را در برابر طبقه کارگر وتمام زحمتکشان هردو
خلق ما و در برابر جنبش جهانی کمونیستی وسیستم جهانی سوسیالیسم انجام دهد. و برعکس
هرگونه انحراف از اندیشه های لنین وبیش از همه عدول از مواضع طبقاتی وانترناسیونالیستی همیشه
به خطا کاری منجر شده حتی در سالهای ۱۹۶۹ — ۱۹۶۸ دستاورد های سوسیالیسم را در
چکوسلواکی مستقیماً در معرض خطر قرار داد.

این نتیجه گیری بر پایه بیش از نیم قرن تجربه سرشار از نمونه های شیوه برخورد لنینی به محل
مسائل بفرنج حاصل شده است. پروسه رشد وآبیدگی وبلشویکی شدن حزب مادر سالهای
سی، زمانیکه این حزب زیر رهبری کلمنت گوتوالد شیوه کاربست استراتژی وتاکتیک مبارزه سیاسی
را فرامیگرفت وتوانست نه فقط طبقه کارگر بلکه قشرهای وسیع زحمتکشان را متحد سازد، نمودار این
شیوه برخورد بود. خط مشی حزب ما هنگام اعتلاء مبارزه آزاد بینش ملی علیه اشغالگران فاشیست

نمونه دیگر این برخوردار لنینی است . حزب کمونیست چکوسلواکی پس از آنکه ارتش شوروی کشور ما را آزاد کرد با کار بست خلاق اصول عام لنینیسم ، طبقه کارگر را همراه با دهقانان و سایر زحمتکشان به پیروزی انقلاب سوسیالیستی و تحقق آمال دیرین آنان یعنی برانداختن استثمار و برپاداشتن سوسیالیسم ، رساند . امروز میتوانیم این رانیز اضافه کنیم که ما با پیروی از اصول لنینی همچنین توانستیم حمله دشمنان سوسیالیسم را دفع کنیم و تکامل آتی سوسیالیسم را در چکوسلواکی تأمین نمائیم . بنابراین شگفت نیست که درک اهمیت حیاتی لنینیسم برای طبقه کارگر و سرنوشت تمام زحمتکشان اساس کار ما را تشکیل میدهد و دشمنان مردم عمیقاً نفوذ میکند .

هدف ها و اصول فعالیت ما که با قانونمندی های دوران گذار انقلابی از سرمایه داری به کمونیسم هماهنگی دارد ، تغییر نکرد و نخواهد کرد . تحقق و تکامل این هدف ها و اصول هرگز الگووارتنبود بلکه پیوسته بنحوی خلاق و در روح لنینیسم انجام گرفته است . فقط شرایطی که طبقه کارگر و پیشاهنگ وی این اصول را بکار برده ، دستخوش تغییر بوده است . در وهله اول با تفاوت شرایط مبارزه را پیش از بدست گرفتن زمام حکومت و پس از آن متذکر شویم .

در مرحله مبارزه مستقیم در راه حاکمیت سیاسی که ادامه راه انقلابی طی شده در چکوسلواکی بود ، ما بر تجربه خود و تجربه بین المللی تکیه داشتیم . در شرایط تحول انقلاب ملی —

دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی حزب ما پیش از همه از این اصل مهم لنینی پیروی میکرد :

دیکتاتوری پرولتاریا فقط در نتیجه عمل انقلابی طبقه کارگر و سایر قشرهای زحمتکش برهبری — حزب کمونیست و بر پایه جنبش آگاهانه ای که از شرایط مساعد داخلی و خارجی بطور وسیع استفاده کند ، میتواند برقرار گردد . تجربه تلخ خیانت مونیخ ، یعنی خیانت بورژوازی حاکم و متحدین طبقاتی آن مردم و جمهوری چکوسلواکی و این واقعیت تاریخی که اتحاد شوروی در شکست فاشیسم و آزادی چکوسلواکی نقش قاطع داشت و نیروهای نهضت مقاومت در داخل و خارج کشور در این مبارزه که قیام ملی نقطه اوج آن بود ، شرکت فعال داشتند و این نیروها بطور عمده از طرف کمونیست ها رهبری میشد — عامل مهمی در ایجاد تحول انقلابی در کشور توده ها بود . بر این پایه بتدریج نظام توده ای و دموکراتیک نوینی بوجود آمد که بر دولت جنبه ملی چک ها و اسلواک ها و سیستم کمیته های ملی مبتنی بر اتحاد کارگران و دهقانان و جنبه ملی و دموکراتیک وسیعی که کمونیست ها در آن مواضع بهر از پیش استوار بدست میآوردند ، متکی بود . ولی در آن مرحله علاوه بر زحمتکشان ، بخشی از بورژوازی نیز دارای قدرت سیاسی بود . بنابراین در سال ۱۹۴۵ مسئله عمده انقلاب برای کمونیست ها یعنی مسئله حاکمیت هنوز بیطرفانهایی حل نشده بود .

حزب کمونیست در آن زمان به گذار مسالمت آمیز و تدریجی به سوسیالیسم توجه داشت .

آموزش لنین در باره تکامل انقلاب بورژوا — دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی پایه تئوریک فعالیت حزب را تشکیل میداد .

حزب در جریان مبارزه روزانه در راه تحقق مطالباتی که زندگی مطرح میکرد ، اعتماد توده ها را جلب میکرد . تلاش های سازنده و گوناگون و تصادمات حادثاتی در سازمان های توده ای و ارگان های دولتی (مصادره اموال خائنان و همکاران فاشیست ها ، ملی کردن رشته های کلیدی صنایع و بانک ها و صندوق های بیمه ، انجام اصلاحات ارضی ، حل مسئله ملی ، دموکراتیزه کردن سیستم آموزش و فرهنگ و تأمین اجتماعی) از ویژگیهای این مبارزه بود . در عین حال نیروهای ارتجاعی در دستگاه رهبری احزاب غیر مارکسیستی منفرد میشدند . این احزاب بهر از پیش از برنامه دولت جنبه ملی عدول میکردند و به آرمان های انقلاب ملی — دموکراتیک که بر پایه آن بوجود آمده بودند

و بخشی از مردم بنام این انقلاب از آنها پشتیبانی میکرد ، حمله خیانت میوزیوندند .
 پیروزی در ماه فوریه سال ۱۹۴۸ مرحله نهایی در پیروستکامل انقلاب ملی — دموکراتیک
 به انقلاب سوسیالیستی بود . قدرت حاکمه تماما به طبقه کارگروسا پوزحمتکشان انتقال یافت .
 دموکراسی شود ای به تحقق تمام وظائف دیکتاتوری پرولتاریا آغاز کرد . بدینسان اتحاد وسیع
 زحمتکشان به سرکردگی طبقه کارگر رهبری حزب کمونیست چکوسلواکی ، از راه مسالمت آمیز و ن
 تصاد مسلح و با رعایت سنن قانون اساسی و پارلمانی تمام قدرت حاکمه را بدست گرفت . ضمنا
 اشکال حاکمیت که در جریان انقلاب ملی — دموکراتیک پدید آمده بود ، حفظ گردید .
 باید خاطر نشان ساخت که زمانیکه از راه مسالمت آمیز تصد قدرت سیاسی سخن میروند و
 فقط اشکال و شیوه هایی که باز میروند مورد نظر است و نه محتوی تصادمات طبقاتی . به راه مسالمت
 آمیز در چکوسلواکی نیز باید از همین نظر برخوردار نمود . موضعگیری کمونیست ها در مورد راه مسالمت
 آمیز یک موضعگیری انقلابی در مبارزه طبقاتی با بورژوازی و تأمین رهبری خلق های مابود . هدف
 این مبارزه عبارت بود از سرنگون کردن بورژوازی و استقرار حاکمیت طبقه کارگرو تمام زحمتکشان .
 بطوریکه کلمنت گوتوالد خاطر نشان مساخت جز تحقق اصول مارکسیسم — لنینیسم و کار بست
 استراتژی و تاکتیک لنینی در شرایط کشور ما ، چیزی دیگری مطرح نبود .
 بطوریکه کلاس های مارکسیسم — لنینیسم پیش بینی میکردند ، تکامل مسالمت آمیز
 فقط به اراده طبقه کارگر و حزب کمونیست وابسته نیست ، بلکه پیش از همه به نیرو و اشکال مقاومت
 بورژوازی بستگی دارد .

کلمنت گوتوالد در سالهای مبارزه در راه سوسیالیسم بارها این سخنان لنین را خاطر نشان
 میساخت که پس از تصرف کامل قدرت ، مبارزه طبقاتی قطع نمیشود ، بلکه با اشکال دیگر ادامه مییابد
 و در عین حال دامنه مطالبات از طبقه کارگر و حزب آن که پس از تصرف قدرت تمام مسئولیت ساختن
 سوسیالیسم را بعهده میگیرند ، بیس افزایش می یابد .
 حقیقت اینست که ما تغییر شرایط فعالیت حزب را همیشه وهمه جا کامل در نظر نگرفته ایم
 و این بیشتر در مورد مرحله اخیر صادق است .

منافع سوسیالیسم ایجاب میکند که حزب هنگام حل مسائل عمده حیاتی زحمتکشان از
 امکانات دولت سوسیالیستی و مناسبات تولیدی سوسیالیستی واقعا بطور جامع استفاده کند تا
 بتواند کار سازندگی را در کشور با ابتکار و بر مبنای علمی رهبری کند و مناسبات سوسیالیستی و اشکال
 سوسیالیستی زندگی را تکامل بخشد و در مبارزه با ایدئولوژی های بورژوازی و خرده بورژوازی
 بطور پیگیر از اصول مارکسیسم — لنینیسم دفاع کند .

فعالیت " جبهه ملی " یکی از خصوصیات ساختمان سوسیالیسم در چکوسلواکی است .
 جبهه ملی بتدریج به مظهر سیاسی اتحاد طبقه کارگر و طبقه دهقانان کثرتی و سا پوزحمتکشانی
 که متفقا به سوسیالیسم تحقق می بخشند ، تبدیل گردید . ایجاد سوسیالیسم ، هدف برنامه ای
 تمام احزاب و سازمان های توده ای زحمتکشانی است که در جبهه ملی متحد شده و بدین ترتیب
 نقش رهبری کننده حزب کمونیست را بر ماثبه نمایندند . طبقه کارگر و تمام زحمتکشان پذیرفته اند ، این
 مناسباتی به مراتب عمیقتر و تکامل یافته تر از مناسبات میان شرکت کنندگان در ائتلاف سیاسی عادی
 است که در شرایط سیستم پارلمانی بورژوازی پدید میآید . این مناسبات بر برنامه مشترک بنیاد
 گذاری زندگی سوسیالیستی مبتنی است . فعالیت سکنات رستی خارج از چارچوب جبهه ملی فقط
 میتواندست به محدوده شدن پایگاههای توده ای در جریان ساختمان سوسیالیسم منجر گردد .

با اینجهت کاملاً روشن است که مساعی نیروهای راست برای متلاشی کردن جبهه واحد ملی زیر شمارا زگشت به ائتلاف مادی احزاب سیاسی ضربت مستقیمی بود برهدف های مشترک سوسیالیستی این جبهه .

میتوان گفت که تصرف مسالمت آمیز قدرت توسط طبقه کارگر ، زمانیکه تصادمات طبقاتی به تصادمات متصلحانه منجرنشد — يك فکتب بزرگ انقلابی بود . ولی بطوریکه تجربه چکوسلواکی نشان میدهد کمونیستها باید پس از تصرف مسالمت آمیز قدرت نیز قانونمند یهای قشرندی طبقاتی و مبارزه طبقاتی را که در تمام شرایط نمودار میگردند فراموش نکنند و قانونمندی های عام ساختمان سوسیالیسم را در نظر بگیرند و از تمام شیوه های سیاسی که حزب بکمک آنها در گذشته پیروزی بدست آورده ، پیوسته استفاده کنند و از راه گسترش و تکامل مناسبات سوسیالیستی میان مردم ، حکومت طبقه کارگر را تحکیم بخشند و اصول لنینیسم را پیوسته بطور خلاق بکار بندند و کارایند و ثلویزیک را در میان زحمتکشان بطور فعال انجام دهند .

سرانجام در مورد ویژگیهای ساختمان سوسیالیسم در چکوسلواکی باید این واقعیت را خاطر نشان ساخت که همبستگی کشورها یا اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی برای طبقه کارگر و قشرهای وسیع زحمتکشان کشورها اهمیت فراوان داشت . این همبستگی همچنین زمانیکه در راه بدست گرفتن زمام حکومت مبارزه قاطع انجام میگرفت ، مانع مداخله ضد انقلاب از خارج گردید . طبیعی است که تکامل سوسیالیستی کشورها هم امروز هم فرد فقط از راه اتحاد با شوروی و تمام سیستم سوسیالیستی میتواند امکان پذیرد و تضمین گردد .

سؤال — در کنگره ۱۴ حزب کمونیست چکوسلواکی از ضرورت مبارزه با

اپورتونیسیم سخن میروید و ضمناً خاطر نشان میگرد که در شرایط چکوسلواکی خطر عمده عبارتست از اپورتونیسیم و ریزیونیسیم راست . با اینجهت در تبلیغات ضد کمونیستی ادعا میشود که گویا حزب شما بصورت یک حزب " محافظه کار " در میآید و این حزب به شیوه های اداری و فبیره باز میگردد و حتی گفته میشود که در چکوسلواکی محاکمات سیاسی جریان دارد . در این باره نظر شما چیست ؟

پاسخ — کمونیست های چکوسلواکی بر آنند که سالهای میان دو کنگره ۱۳ و ۱۴ حزب ، دوران دشوارترین آزمون های تاریخ حزب بود . کنگره ۱۴ با اتکاء به نتایج مشخص سیاسی که در جریان تأمین وحدت و همبستگی بدست آمده بود ، توانست باین دوران برای همیشگی پایان دهد . خط مشی سیاسی کنگره ۱۴ ، حزب و جامعه ما را برای انجام وظائف مرحله نوین ، تأمین اعتدالی جامعه پیش از همه در اقتصاد ، تشدید فعالیت زحمتکشان که برای انجام وظائف ساختمان جامعه رشد یافته سوسیالیستی ضرورت دارد ، بسیج میکند .

کی سیاست اصولی حزب امکان داد تا پروسه ای که از پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکی در آوریل ۱۹۶۹ آغاز شده بود ، عمیقتر شود ، یعنی خصلت مارکسیستی — لنینیستی حزب کاملاً احیا گردد . حزب این کار را پیش از همه از راه مبارزه با اپورتونیسیم راست و تصفیه صفوف خود از حاطین آن انجام داد . در نتیجه ، برای اینکه حزب کمونیست چکوسلواکی بتواند تمام وظائفی را که از موقعیت آن بمطابقت نیروی رهبری کند ، جامعه سوسیالیستی ناشی میشود ، انجام دهد ، شرایط لازم فراهم آمد .

حزب باد رنظر گرفتن در سهای زمان بحران و تجزیه و تحلیل اوضاع داخلی و خارجی ، درکنگه ۱۴ بنحوی قاطع اعلام داشت که اپورتونیسیم و روبریونیسیم راست در شرایط کنونی چکوسلواکی خطر عمده بشمار میآید . این بدان معنائست که حزب ما بهزبان و خطراپورتونیسیم و روبریونیسیم " چپ " ونیز سکناریسیم و اوانتوریسیم ناشی از آن کم بهامید هد .

اراد هگراشی که در سالهای ۶۰ پس از ایجاد پایههای سوسیالیسم در وهله اول بصورت غلوط وسطح تکامل اجتماعی ، اید الیزه کردن وحدتمعنوی و سیاسی و طرح هدف های سیاسی واقتصادی غیر واقع بینانه منعکس میشد ، پیش از همه از این امر ناشی میشد که قانونمدی های تکامل اجتماعی در نظر گرفته نمیشد و اصول لنینی رهبری حزب ودولت واقتصاد نقض میگردد . از آنجاکه رهبری آنزمان حزب بهکشف کامل علل نارسائی ها و اصلاح پیگیر خطاها قادر نبود ، برای تشدید اپورتونیسیم و روبریونیسیم راست بمیزانسی چنان خطرناک ، شرایط فراهم آمد .

تعرض اید ثولوژیک روبریونیسیم ها بوسیله انتقاد از دکاتیسیم و خطاها ی گذشته پرده پوشی میشد و اضعف رهبری که نتوانست انتقاد صمیمانه از نارسائی ها و کوشش در جهت احیاء اصول حزبی را از خیانت و روبریونیسیمها تمیز دهد ، استفاد همیگردد . انتقادی که از مواضع راست انجام میگرفت ، بخش از زحمتکشان شریف را نیز دچار گمراهی ساخت . روبریونیسیمها ابتدا صحت راه ما را بینه سوسیالیسم در معرض تردید قرار دادند ، سپس بهنفی اهمیت لنینیسم وجستجوی باصطلاح " الگوی سوسیالیسم خاص چکوسلواکی " پرداختند و سرانجام کار را به تعرض به بنیاد های سوسیالیسم کشاندند .

خصلت ضد سوسیالیستی و ضد انقلابی اقدامات اپورتونیسیمها بخصوص پس از حملات مستقیم به رهبری متمرکز طبق نقشه و اشکال دولتی مالکیت سوسیالیستی یعنی به اصول اساسی اقتصاد سوسیالیستی آشکار گردید . نیروهای راست خواستار گسترش خود بخود با زربودند که کار را بمحران وتورم وبرهم خوردن انضباط کار منجر میکرد . تمام اینها با اقتصاد کشور خسارات فراوان وارد میآورد ، اعتماد بخش بزرگی از مردم را به آینده سلب میکرد و اعتقاد آنان را به سیستم سوسیالیستی تضعیف مینمود .

نیروهای راست با پلاتفرم کاذب " سوسیالیسم دموکراتیک " و " سوسیالیسم انسان گرا " که بدقت تنظیم شده بود ، وارد میدان شدند ولیبه تیرا ترا برای بی اعتبار کردن دولت سوسیالیستی ونقش رهبری حزب متوجه کردند . در عین حال آنان برای آنکه کار بر انداختن سیستم سیاسی را افراد آشکارا ضد انقلابی که زمانی بمعنوان خرابکار و عامل جاسوسی امیرالیسم محکوم شده بودند ، رهبری کنند ، امکانات قانونی فراهم آوردند .

نیروهای راست بوضوح نشان دادند که شعار " آزادی ودموکراسی " راکه پیش از همه بآن استناد میوزیدند ، چگونه درک میکنند و این اصول را برای چه اشخاصی میخواهند . نیروهای راست علیه کسانی که از سوسیالیسم هواداری میکردند و یاقضاء آنان میپرداختند ، دیوانه وار مبارزه میکردند .

بطوریکه کاملاً به ثبوت رسید ، اقدامات اپورتونیسیم های راست معلول اشتباه آنان نبود بلکه آنان با برنامه ای وارد میدان شده بودند که دستاورد های انقلابی طبقه کارگر و حزب انقلابی آنها بهنا بودی تهدید میکرد . برنامه نیروهای راست ، آنها را در صف آنتی کمونیسیم جهانی قرار میداد .

طبیعی است که تبلیغات ضد کمونیستی میکوشد این واقمیت را مستور دارد که پورتونیسیم

ها و رویزیونیست های راست در چکوسلواکی نفعی به دست نیامد ، بلکه علیه مارکسیسم — لنینیسم بطور کلی مبارزه میکردند . کوشش این تبلیغات در جهت پرده پوشی این واقعیت است که نیروهای راست نه فقط نمیخواستند اصول تکامل سوسیالیستی را رعایت کنند ، بلکه اصلاً با این اصول اعتقاد نداشتند و در این تبلیغات همچنین میکوشند این واقعیت را که اراده گزاشی در چکوسلواکی به ویژه در سال ۱۹۶۸ باوج خود رسیده ، پنهان دارند ، با نتیجهت برای مبارزه آشتی ناپذیر با اپورتونیسم و رویزیونیسم راست و حامین آن ایجاد شرایط لازم برای برخورد خلاق به حل مسائل ساختمان جامعه سوسیالیستی رشد یافته ضرورت داشت . اینکه حزب ما توانست در مدت چندین کوتاه بمحران اجتماعی پایان دهد و علل آنرا براندازد و ضمناً این کار را صرفاً بکمک شیوه های سیاسی انجام دهد ، بر نیرو و صحت خط مشی ما و یلوغ طبقه کارگر حکایت میکند و نشان میدهد که اندیشه های سوسیالیسم و انترناسیونالیسم پرولتری بنحوی استوار در شور مردم نفوذ کرده است .

حوادث سالهای اخیر تجربه ای تلخ برای ما بود . ما فهمیدیم که هرگونه انحرف از مارکسیسم — لنینیسم در فعالیت های اقتصادی و سیاسی واید ثولوزیک محیط مناسبی برای رویزیونیسم پدید میآورد . حزب ما برای گسترش دامنه کار ایدئولوژیک و سیاسی در جهت برانداختن بقایای نظریات و مواضع اپورتونیستی و ایجاد شرایط لازم برای تکامل و تعمیق دموکراسی سوسیالیستی مساعی فراوان بکار میبرد . ما بر آنیم که برانداختن نیروهای راست از این لحاظ نیز حائز اهمیت بود که اکثریت مردم مخابره زبانمندی برنامه و عمل آنان بی بردند .

ما را امروز متهم میکنند که به شیوه عمل سالهای ۵۰ و جریان محاکمات سیاسی باز میگردیم . این قبیل ادعاها بیشتر از همه از طرف کسانی انجام میگیرد که در اجرای نقشه های ضد انقلابی خود دچار شکست شده اند . حزب و زحمتکشان ما آن پدیده های ناهنجار را علناً محکوم کرده و از آن تبری جسته اند . ما برای رعایت پیگیری قوانین هم در مورد اهلالی کشور وهم در مورد دولست سوسیالیستی خود مجدداً کوشش بعمل میآوریم . ولی اگر کسی قوانین را نقض کند ، باید مسئولیت آن را نیز بعهده گیرد . هیچگونه محاکمات سیاسی ساختگی و غیرقانونی ، چنانکه تبلیغات ضد کمونیستی درباره آن فریاد برآورده ، وجود ندارد و نخواهد داشت .

شگفت آور نیست که اقدامات اصولی علیه کسانی که در راهداوت بانظام سوسیالیستی گام نهاده اند ، به مذاق دشمنان ما خوش نیاید . آنان بنحوی که مصالح ارتجاعی طبقاتی شان حکم میکند ، عمل مینمایند . چنین است منطق مبارزه طبقاتی .

سؤال — بطوریکه میدانید کوشش کمونیست های این یا آن کشوری که

در راه سوسیالیسم گام نهاده برای حفظ و تکامل نهاد

های مترقی ملی آنان ، دستاویزی برای گفتگو درباره

الگوهای سوسیالیستی ویژه ملی قرار گرفته است .

آیا میتوانید با در نظر گرفتن تجربه چکوسلواکی تفاوت

میان مفهوم " الگو " و مفهوم " ویژگیهای ملی " را در مورد

جامعه سوسیالیستی نشان دهید ؟

پاسخ — بطوریکه قبلاً گفته شد ، حزب ما در سراسر تاریخ خود در جستجوی چنان راهها و شیوه های کاربست مارکسیسم — لنینیسم در شرایط چکوسلواکی بوده است که با در نظر گرفتن منافع مشخص زحمتکشان بتواند استفاده از اشکان سنتی و ملی را در حیات سیاسی میسر سازد .

حزب ما میدانست که فعالیت سیاسی سنتی طبقه کارگر چکوسلواکی و شرکت مستمر آن در مبارزه انقلابی در راه دموکراسی و عنیه سیاست ارتجاعی فاشیستی و شوینبستی بورژوازی بزرگ و حزب آن به پیدایش اشکان نسبتاً تکامل یافته دموکراسی بورژوازی کمک نمود . باینجهت ما از اشکال سازمانی و سیاسی ایبکه در گذشته پدید آمده و در ضمن آزمایش شده بود ، و میشد با آنها محتوی سوسیالیستی داد ، کاملاً استفاده کردیم .

این امر مثلاً در مورد ارگان های اساسی دولتی یعنی کمیته های ملی که در مبارزه با فاشیسم بمثابه ارگان های انقلابی بوجود آمده بودند و یاد مورد جبهه ملی که بمثابه ائتلاف سیاسی سازمانهای پدید آمده بود که نمایندگ تمام قشرها و طبقات شرکت کنند و در مبارزه آزاد ییخش ملی بودند ، صادق است . فقط کمونیستها بودند که در این ارگانها و سازمانها میکوشیدند به خط مشی دموکراتیک پیگری تحقق بخشند .^۱ بدین طریق افراد غیر حزبی را بسوی خود جلب میکردند و به اعتبار خود میان اعضا^۲ سایر احزاب میافزودند . مبارزه برای جلبتود هها در تمام سازمان های موجود انجام میبرفت و حزب ما در این مبارزه پیروز شد .

بسد پیمان باشیوه های دموکراتیک وجه بساد جریان مبارزه سیاسی شدید با ایجاد سیستم نوین سوسیالیستی فارغ از عناصر دموکراسی پارلمانی کاذب بورژوازی (مبارزه احزاب سیاسی در راه بدست گرفتن زمام دولت ، مبارزه اپوزیسیون علنی علیه اکثریت حاکم ، نمایندگی منافع فقط از طریق حزب سیاسی وغیره) نائل آمدیم . عناصر جدید زندگی سیاسی برهمناسی دموکراتیک همکاری تامبروه های سیاسی مترقی برهبری حزب کمونیست تکامل مییافت .

حزب کمونیست چکوسلواکی میداند که با برطرف کردن عواقب دوران بحرانی ما در تمام عرصه های زندگی اجتماعی ، باید عناصر نوین دموکراسی سوسیالیستی آنها هم برپایه ارزیابی جدید تجارب حاصله رشد و تکامل یابد .

ما فراموش نمیکنیم که پدیده های حاکی بر رخوت و انفعالی که پیش از سال ۱۹۶۸ وجود داشت و بمیزان زیاد معلول اشکال نادرست فعالیت سیاسی و بویژه معلول ظاهر سازی و دهنگیری در حرج مسائل اقتصادی و سیاسی بود ، بوسیله گروه های " نخبه " راست مورد استفاده قرار گرفت تا با کمک شعارهای عوامفریبانه طبقه کارگر را به امتناع از پشتیبانی حزب کمونیست برانگیزانند . ما با بخاطر سپردن این امر میکوشیم بمیزان تاثیر کارگران در تصمیمات سیاسی دائماً بیفزائیم و بزندگی گروههای کارگری توجه فراوان میدول .^۳ در این میان نمایندگان جدید کمیته های ملی تعداد زیادی کارگرو وجود دارد . کنگره های سندیکائی در جمهوری و سراسر کشور نشان داد که زحمتکشان کشور ما کاملاً پی برده اند که سندیکا هانیروی سیاسی و اجتماعی منعکس کننده منافع آنها هستند و برای گسترش تمام وظائف اجتماعی سندیکاها همه امکانات وجود دارد .

در باره سازمان جوانان نیز همین را میتوان گفت . سازمان جوانان باید بنحوی کار کند تا جوانان بیش از پیش به مقام خود در جامعه پی بیرند و به پیشرفت و تکامل آن یاری رسانند . احزاب سیاسی غیر کمونیست نیز که برپایه پلاتفرم جبهه ملی عمل میکنند ، نقش خود را در چارچوب این جبهه که سازمان های اجتماعی کثیرالعدده را در بر میگردد ، ایفاء مینمایند . فعالیت این احزاب نشان میدهد که سیستم سیاسی ما برای همکاری فعال سیاسی امکانات فراوان فراهم میآورد ، زیرا احزاب غیر کمونیست و اعضا^۴ آنها در ساختمان سوسیالیسم و فعالیت کمیته های ملی و سازمان های اجتماعی بنحوی بهترانه و معمولاً صادقانه شرکت میورزند .

میسیتم سیاسی چکوسلواکی فقط عبارتست از پیوند اشکال " سنتی " با محتوی نویسیتم

سوسیالیستی نیست، بلکه این اشکال را متناسب با شرایط متغیر دگرگون میسازد. طبیعی است که حزب کمونیست چکوسلواکی در سیاست خود پیوسته باین واقعیت توجه داشته است که مردم چکوسلواکی از دین و خلق و از اقلیت های ملی تشکیل یافته ورشته های دینی و سنتی آنان را با هم پیوند میدهد. حزب ما که علیه نظریه نادرست بورژوازی درباره اصطلاح ملت واحد چکوسلواکی مبارزه میکند، در دوران جمهوری بورژوازی نیز میکوشید به اندیشه لنینی برای برابری حقوق و لزوم تکامل همه جانبه دولت چک و اسلواک که بخش اساسی مردم جمهوری را تشکیل میدهد، تحقق بخشد. در نتیجه پیروزی زحمتکشان در مبارزه آزادیبخش ملی حل مسئله ملی بر مبنای دموکراتیک آغاز گردید. در سالهای پس از پیروزی انقلاب، علیرغم تاثیرنا مساعد ذهنی گری و برخورد غیردلسوازانة به تحقق سیاست ملی، مایه یکسلسله موفقیت های غیرقابل انکار پیوسته در عرصه اقتصاد نائل آمدیم.

حزب کمونیست چکوسلواکی باین نتیجه رسید که تابع کردن اصولی مسئله ملی بمسئله طبقاتی و باین نتیجه به مسئله انترناسیونالیسم بدان معنا نیست که برای حل سیاسی معضلات ملی در داخل کشور ضرورتی وجود ندارد. ما در این مورد از اندیشه های لنین و تجربه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که شکل فدراسیون در آن حقانیت خود را کاملاً نشان داده بود، پیروی میکردیم. این فدراسیون بر ارض برابر حقوقی خلق ها در داخل کشور مشترک سوسیالیستی مبتنی است. بر این همکاری انترناسیونالیستی خلق ها و ملیت ها پایه های استوار بوجود میآورد. حزب ما، خلق های برادر چک و اسلواک همراه با اقلیت های ملی با در نظر گرفتن این اصول آزموده لنین به اصلاح اشتباهات دوران گذشته برخاستند و در چکوسلواکی سیستم فدرال بوجود آوردند. تا همین برابری دولتی و سیاسی خلق های چک و اسلواک برای تسریع پیرویه همسطح کردن رشد اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی آنان بمثابه بخشی از پیرویه پیشرفت همسویی و همه جانبه جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی بسود تمام زحمتکشان، امکانات مساعد تری فراهم آورد.

استفاد ه کامل از امکانات جمهوری های ملی برای پیشرفت تمام کشور به نقش قاطع و متحد کننده حزب کمونیست که بنا بر نظریه لنین یگانه حزب و یگانه پیشاهنگ ملل سوسیالیستی ما است بستگی دارد.

دشمنان سوسیالیسم و پورتونیست های راست پیرامون "الگوهای ملی" سوسیالیسم در رهبریک از کشورهای سوسیالیستی سروصدای فراوان بپا کرده و میکنند. مفهوم یا اصطلاح "الگو" بطور عمده برای نشان دادن یک واحد مرکب از درون سازمان یافته ای که دارای قوانین تکامل ویژه و هدف خاص خود - "طرح" است، بکار میرود. با بکار بر این این مفهوم میخواهند ثابت کنند که سوسیالیسم بمثابه نظام اجتماعی - اقتصادی واحد وجود ندارد و فقط سیستم های بصور مختلف سازمان یافته ایکه بانحاء گوناگون عمل میکنند، وجود دارد و این سیستم ها از جهات ماهوی فراوان و از لحاظ "الگوها" باهم تفاوت دارند و فقط دارای یک وجهه مشترک هستند و آن اینکه همه آنها سیستم سوسیالیستی نامیده میشوند.

بکمک این تقلب ایدئولوژیک سوسیالیسم واقعا موجود را نفی میکنند و آنرا بصورت سوسیالیسم "دولتی - سرمایه دار"، "دولتی - بوروکراتیک" و غیره جلوه میدهند و در مقابل آن "الگوهای سوسیالیستی" دیگری که غالباً مورد پشتیبانی احزاب خرده بورژوازی و بورژوازی قرار میگيرد، مطرح میسازند. این ادعا که در چکوسلواکی "سوسیالیسم دموکراتیک" ایجاد میشود، بیبایست

به جلب عوامفربانه توده ها و استتار ضد کمونیسم و شوروینیسم و همیستری ضد شوروی کمک کند .
حزب ما در ماهه سال ۱۹۶۹ بار دیگر بنحوی قاطع خاطر نشان ساخت که سوسیالیسم طبق قانونمدی های عامی تکامل مییابد که نقش رهبریکننده حزب کمونیست در تمام عرصه های زندگی اجتماعی ، تحقق بخشیدن بهوظائف دولت سوسیالیستی بمشابه ارگان حاکمیت طبقه کارگرو زحمتکشان ، تکامل اقتصاد سوسیالیستی بر اساس رهبری طبقه برنامه ، همکاری همه جانبه باتحاد شوروی وسایر کشورهای سیستم سوسیالیستی - آزان شمارند .

سؤال - تجربه جنبش جهانی کمونیستی نشان میدهد که حل نادرست مسئله روابط متقابل حزب وتوده هائی که حزب رهبری میکند ، برای کار انقلاب وسوسیالیسم عواقب وخیم ببار میآورد . اصول اساسی این روابط متقابل را که تا مین کنند دوام واستحکام دستاورد ها سوسیالیستی هستند ، بدان نظر گرفتن تجارب چکوب - سلواکی چگونه میتوان تعریف نمود ؟

پك

پاسخ - تجربه هریک از واحدهای جنبش جهانی کمونیستی مویذ آنستکه وحدت ایدئولوژی وسازمانی ، وحدت عمل وقدرت پیکارجویی حزب پیشاهنگ مجموعه ای از مناسبات و روابط متقابل بفرنج رامنکسر میسازند . علاوهبر رابطه میان پیشاهنگ انقلابی ازیکسوی طبقه کارگر ومتحدین آن ازسوی دیگر ، در داخل حزب پیشاهنگ نیز میان سطح رشد کارهای رهبری ود رجه بلوغ فعالین حزب بمشابه شرط فعان بودن دائمی صفوف حزب ، رابطه وجود دارد .
رهبری جدید حزب ما بسرکردگی گوتوالد در آغاز سالهای ۳۰ یعنی در مرحله بلشویکی شدن حزب ما پس از کنگره ۵ ، شعار " توجه به توده ها " را مطرح ساخت . ما پس از آوریل سال ۱۹۶۹ از نو این شعار را مطرح کردیم و کنگره ۱۴ محتوی این شعار را در مرحله کنونی دقیق تر نمود .

مفهوم این شعار در زمان گوتوالد چه بود ؟ پیش از همه انتقاد از سیاست اپورتونیستی رهبری حزب پیش از گوتوالد . این رهبری نتوانست وضع عمومی حزب ، طبقه کارگرو ادوی بورژوازی را واقع - بینانه ارزیابی کند و بالکنیک رشد نیروهای طبقاتی ومواضع متحدین ما را درک نماید و خط مشی سیاسی واقع بینانه ایکه توده ها را در مبارزه بابورژوازی بسیج کند و پاسخگوی شرایط مشخص ومنافع و نیازها بمرود رازمدت توده ها باشد ، نتظ بنماید .

ازسند " درسهای ناشی از وضع بحرانی در حزب وجامعه پرازسیرد همین کنگره حزب کمونیست چکوسلواکی " چنین برمیآید که تجزیه وتحلیل نادرست وضع ، تصور تحریف شده در باره منافع و نیازمندیهای عینی تکامل آتی سوسیالیسم ود ر باره طرق وشویه های حل مسائل میروم و عاجلی که تا سال ۱۹۶۸ مطرح شده بود ، چه عواقب وخیمی ببار آورد .

عمده اینست که بتوان مسائ اساسی هر مرحله را بدرستی وبموقع تشخیص داد وبرنامه عمل روشنی که قادر به جلب توده ها باشد تنظیم نمود . بی اعتنائی به نیازها ومنافع عینی توده ها ، جدا شدن رهبری از واقعیت بعلمت ناتوانی آن در نتیجه گیری های بموقع به هنگام بروز نخستین علائم پدیدهای منفی ، کار را به انبوه شدن مسائل حل نشده کشاند . بنابراین رهبری آنزمان حزب بجای برطرف ساختن عملی واصلی دشواری ها ، تسلیم بسیاری تاثیرات وگرایش های اپورتونیستی گردید وبه بهانه مبارزه در راه وحدت بعقب نشینی های اپورتونیستی پرداخت .

رهبری حزب پس از انزوانیه سال ۱۹۶۸ نتوانست مبارزه در راه اصلاح اشتباهات و برطرف ساختن نارسائی‌ها را از حمله تسمتقیم به دستاورد های عمده انقلاب سوسیالیستی بموقع تمیز دهد . نیروهای راست‌متواضع را یکی پس از دیگری بدست می‌آوردند و کمک عوام‌فریبی های اجتماعی وقتابخشی از طبقه کارگر و حزب را گمراه میساختند .

ما دیدیم که گمراهی توده‌ها چه معنائی دارد . بماثبت شد که فقدان اصولیت ، بهر شکل که باشد ، میتواند جامعه را به سرحد فلاکت بکشاند . ما هنوز بخاطر داریم که جلب مجدداً اعتماد توده‌ها چقدر دشوار است . گرچه ، در عین حال ثابت شد که توده‌ها حقیقت انقلابی را دیر یا زود باز می‌شناسند و مساعی پیشاهنگ یعنی حزب کمونیست را درک میکنند . اگر حزب در راه خط مشی صحیح مبارزه کند و صبورانه آنرا توضیح دهد ، از پشتیبانی وسیع توده‌ها برخوردار خواهد بود .

تجربه فراوان حزب کمونیست چکوسلواکی تجربه ای که پس از سال ۱۹۶۹ نیز باین حزب کمک نمود ، حاکی است که بخاطر مواضع خود در تمام عرصه‌ها باید مبارزه مستمر و صبورانه برداشت . حزب توده‌ها نه فقط بمثابه نیروئی که برای تحقق برنامه خود لازم دارد ، بمثابه آماجی که حزب باید بر آن اعمال تاثیر کند ، بلکه در عین حال بمثابه منبع اصلی سیاست‌تواند بشه خود بشگرد .

شعار " توجه به توده‌ها " یک شعار سیاسی دائمی است و اصول مارکسیستی - لنینیستی رهبری کردن توده‌ها ، یعنی طرح وظائف مشخص ، تنظیم خط مشی و اشکال روشن پیشرفت ، پیشرفت گام به گام متناسب با شرایط و اوضاع متغیر ، بارعایت قانونمندیهای عام جامعه سوسیالیستی در آن تجلی مییابد . مفهوم تحقق این شعار آنست که توده‌ها برای درک منافع عینی خود راهنمایی گردند و بیا هرگونه عوام‌فریبی در این زمینه مبارزه انجام گیرد و راه رسیدن به هدف به توده‌ها نشان داده شود یعنی با جنبش خود بخود بدون هدف روشن نباید درآمیخت . حزب ما از این شعار پیروی میکند .

اینگونه رهبری توده‌ها ایجاب میکند که به طبقات و گروههای مختلف اجتماعی به شیوه های مختلف برخورد شود ، از ترکیب سازمانی غنی حزب و اشکال گوناگون کار استفاده کرد و منافع خاص گروههای مختلف اجتماعی بحساب آید و این منافع با منافع تمام جامعه تلفیق داده شود .

ما در زندگی روزمره میان سیاست و قانونمندیهای عینی تکامل جامعه سوسیالیستی روابط مهمی که با اشکال گوناگون نمودار میگردند مشاهده میکنیم . اخذ تصمیم و تعیین خط مشی فعالیت کاری که در پراتیک سیاسی همه روزه انجام میگیرد ، میتواند چنین تصوراتی پدید آورد که در امر سیاست استقلال و " آزادی " کامل وجود دارد . ولی هرگونه انحراف جدی از خط مشی متخذه ما را بر این امر متفقد میسازد که تکامل اجتماعی در شرایط سوسیالیسم نیز پروسه ایست عینی و دارای قوانین خاص . این قوانین در قبال تغییراتی که در شرایط بروز آنها حاصل میشود فوراً از خود واکنش نشان میدهند . ولی در سیاست در عین حال اصول خاصی نیز عمل میکند ، بدینمعنا که تکامل اجتماعی پروسه مستمری است که نمیتوان آنرا از حرکت بازداشت و این پروسه نمیتواند منتظر آن باشد که ما چوقت تصمیم خواهیم گرفت و لیساً ابراه خود ادامه خواهد داد و اگر ما وضع را کنترل نکنیم ، خصلت خود بخود خواهد یافت . بعقیده من یکی از عمده ترین و مفرجتترین وظائف حزب وارگان‌ها و کارکنان مسئول آن از همینجانشی میشود . نباید به جریان خود بخودی تن داد و نباید از جنبش جدا شد . باید تا میتوان بماند نه نگریمست و در عین حال در حل مسائل مبرم روز نباید از حادترین آنها ظفره رفت . باید اولویت حل این مسایل را بد رستی تشخیص داد ، به " حلقه عمده " زنجیر دست یافت و نهایتاً کوشش را بعمل آورد تا در جریان اخذ تصمیمات سیاسی حتی الامکان کمتر

د چار اشتباه شد واگر هم خطائی روی داد ، بموقع آنرا برطرف ساخت .
 ناتوانی د برانگیختن و بسیج کردن و گسترش دادن نیروی انقلابی توده ها و استفاده از
 این نیرو ، جدی ترین نقطه ضعفی است که میتواند در جنبش انقلابی و حزب کمونیست بوجود آید .
 لنینیسم می آموزد و برایتیک جامعه سوسیالیستی مویب آنست که نه فقط متوجه کردن تمام سیاست
 کمونیستی ، رهبران و فعالین حزبی با اجرای این وظیفه ، بلکه استفاده از تمام وسائل لازم که
 فعالیت سیاسی — ایدئولوژیک و سیاسی — سازمانی حزب در میان آن جای عمده دارد ، دارای
 اهمیت قاطع است .

تامین رهبری مستمر ایدئولوژیک و سازمانی توده ها بر پایه یک برنامه عملی که بکمال ایدئولوژی
 مارکسیستی — لنینیستی تنظیم شد و وظیفه همیشگی و در عین حال یکی از دشوارترین وظائف اجتماعی
 بطور کلی است . بطوریکه میدانیم پروسه های اجتماعی بفرنجتترین اشکال حرکت واقعیت عینی
 است . رهبری آگاهانه این پروسه ها مستلزم تجربه فراوان و مصیق انقلابی پیشاهنگ جنبش کارگری ،
 کادرهای رهبری حزب و تمام فعالین توده های حزبی است . ولی این به تنهایی کافی نیست .
 غنی تر کردن تجربه مبارزه انقلابی و ساختمان سوسیالیسم ، تجربه ای که بوسیله هر یک از کشورهای
 و تمام جنبش جهانی کارگری و دموکراتیک حاصل میشود نیز ضرورت دارد . ما اجرای سیاست
 سوسیالیستی یعنی رهبری امور تمام جامعه با در نظر گرفتن منافع حیاتی و دراز مدت طبقه کارگر و
 توده های زحمتکش ، ایجاد و تکامل جامعه سوسیالیستی و کمونیستی را کاری بی نهایت پرسئولیت
 میشماریم . این کار باید فرتجزیه و تحلیل انتقادی پراتیک ما و برد ستاورد های تکامل هد فمندی
 (نه تکامل بخاطر تکامل) علمی که بانجام وظائف کلیدی جامعه یاری میرساند ، مبتنی باشد .
 در میان این وظائف ، حزب ما برای وظائف اقتصادی مقام اول قائل است و انجام آنرا حلقه اساسی
 سیاست خود میدانند .

سؤال — چندی پیش در مجله ما درباره مسئله پیوند سوسیالیسم علمی

با فعالیت اجتماعی زحمتکشان تبادل نظر بعمل آمد . از
 جمله مسئله وارد کردن آگاهی مارکسیستی — لنینیستی میان
 توده ها در شرایط ساختمان سوسیالیسم مورد بررسی قرار
 گرفت . بطوریکه میدانیم در چکوسلواکی برای این مسئله
 اهمیت خاصی داد میشوند . آیا میتوانید چگونگی حل این
 مسئله را در مورد طبقات و گروه های مختلف اجتماعی توضیح
 دهید ؟

پاسخ — بطوریکه قبلا متذکر شدیم ، تجربه نشان داد که بکار ایدئولوژیک به مثابه بخشش
 لاینفک فعالیت حزب ما باید توجه بیشتر بشود . و این امر پیش از همه از وظائفی که پس از کنگره
 ۱۰ در برابر ما مطرح شده ، وظائفی که فقط بر پایه فعالیت تولیدی و سیاسی مجدانه و آگاهانه افراد
 میخواهیم میتوانیم حل کنیم ، ناشی میشود . این مسئله جانب دیگر هم دارد . بطوریکه سند
 " درسهای وضع بحرانی ... " حاکی است ، یکی از علل بحران در حزب و جامعه ما آن بود که
 تبلیغات بورژوازی ، ضد کمونیستی ، ضد شوروی ، ضد سوسیالیستی و رویزیونیستی پیش از همه در
 جهان بینی باقیمانده قشرهای خرده بورژوازی و در بقایای جهان بینی بورژوازی که در شعور
 برخی از مردم ما حفظ شده بود ، از سالیهای ۶۰ زمینه نسبتا مساعدی بدست آورد . این امر

بیشتر معلول برخورد سطحی به تربیت زحمتکشان در روح سوسیالیسم بود . باینجهت حزب ما پیوسته باید با این جانب امر توجه فراوان مید. ول دارد .

ما برآنیم که ما کسبیم - لنینیسیم مذ هب نیست ، بلکه آموزشی زنده و انقلابی در ساره تحول حیات و اندیشه است و تجربه روزمره زندگی و شرایط واقعی سوسیالیسم در چگونگی شعور انسان ها تاثیر قاطع دارد . ولی ما این حکم را باید مشخص تر کنیم ، آنرا توضیح دهیم و بخصوص در فعالیت ایدئولوژیک خود افراد را با وظایف و برنامه آینده جامعه سوسیالیستی آشنا کنیم ، و رابطه آنها را با ساعی روزانه ای که در جهت بالا بردن شریخی کار در هر عرصه انجام میگرد ، نشان دهیم . کنگره ۱۴ حزب ما ضرورت مبارزه در راه بالا بردن سطح آگاهی سوسیالیستی مردم را با در نظر گرفتن همین امر ، خاطر نشان ساخت . باینجهت ما کار ایدئولوژیک و تربیتی را بمثابة اعمال تاثیر دایمی حزب بر تمام جامعه میدانیم . این امر با افراد جامعه کمک میکند تا به امکانات خود در شرایط سوسیالیسم پی ببرند . کم بهادان به کار ایدئولوژیک ، ظاهر سازی و برخورد غیر مشخص بآن و خلاص کردن آن به کارزار تبلیغاتی بسته گریخته راه را بروی اندیشه های بورژوازی هموار ساخت . فقط فعالیت ایدئولوژیک منظم حزب همراه با فعالیت سیاسی میان توده ها میتواند به نتایج نیکو برسد .

ولی ما معتقد نیستیم که هدف فعالیت ایدئولوژیک ما باید فقط تغییر نظریات مرد باشد ، گرچه این بنیوه خود حائز اهمیت است و موضعگیری و روش مردم با این امر بستگی دارد . فرار گرفتن جهان بینی علمی ، به اعضا ، جامعه سوسیالیستی امکان میدهد تا در مسائل بفرنج جهان معاصر مستقلا موضعگیری کنند و به جوانب بفرنجتر سیاست امپریالیستی پی ببرند و مسائل سیاسی از مواضع انترناسیونالیستی برخورد کنند . در همین حال ما میکوشیم ایدئولوژی علمی پس از فرار گرفتن در فعالیت علمی نیز انعکاس یابد . ما در کنگره ۱۴ این وظیفه را در برابر خود قرار دادیم که " هر انسان شریف سیاست حزب را درک کند و موافق آن باشد " و نه فقط در محل کار ، بلکه در تمام فعالیت اجتماعی خود برای تحقق این سیاست حد اکثر کوشش را بعمل آورد .

اکنون یکسال پس از کنگره ۱۴ من با تمام مسئولیت میتوانم بگویم که ما این وظایف را با موفقیت انجام مید دهیم . من میتوانم در این باره که چگونه خط مشی حزب و سیاست کنگره ۱۴ مورد پشتیبانی توده های هر چه وسیعتر طبقه کارگر و اعضاء تعاونی های روستائی و روشنفکران زحمتکش و جوانان و تمام زحمتکشان قرار میگیرد ، نمونه های فراوان ارائه دهم .

جبهه ملی پیش از انجام انتخابات ارگان های قانونگذاری و مقامات حاکمیت محلی برنامه ها برای پیشرفت هر یک از نقاط مسکونی ، هر یک از بخش ها و ایالات را تنظیم نمود و کسانی که نامزد نمایند بودند در ملاقات ها با خود با انتخاب کنندگان در باره بهبود این برنامه ها و تحقق آنها مشورت می کردند . در نتیجه فعالیت کمیته های ملی که از طرف تقریبا ۲۰ هزار اعضاء کمیسیون ها و ۳۰ هزار فعالین یاری میشوند ، نهضتی برای قبول دستجمعی تصدات سوسیالیستی بوجود آمد . این تصدات در واقع برنامه های اجتماعی رشد هر یک از روستا ها ، شهرها ، بخش ها و ایالات را تشکیل میدهد . ابتکاری که کارگران و دهقانان برای اجرای این برنامه ها بکار میبرند ، بنیاد اعتلای فعالیت آنانرا تشکیل میدهد .

سازمان های اجتماعی نیز به فعالیت خود میافزایند . چندی پیش کنگره های سند یگانا در مقیاس جمهوری ها و سراسر کشور برگزار شد . این کنگره ها خط مشی کنگره ۱۴ حزب کمونیست چکوسلواکی را تماما موکمال تایید کردند . برای اینکه سازمان های سند یکانی تصدیقات کنگره ۱۴ را

بمرحله اجراء رآورند ، تدابیر مشخصی اتخاذ گردید . کنگره تعاونی های روستائی نیز در همین روح برگزار شد و این کنگره وظائف تعاونی ها را برای اجرای تصمیمات کنگره حزب کمونیست — چکوسلواکی در عرصه کشاورزی ، تعیین نمود . کنگره های انجمن دوستی چکوسلواکی و شوروی ، روزنامه نگاران ، نویسندگان نیز تشکیل شد و کنگره سازمانهای نظیر اتحاد سوسیالیستی جوانان اتحادیه هنرمندان و غیره نیز رآینده نزدیک تشکیل خواهد شد . در تمام این جلسات کارهای انجام شده و نتایج بدست آمده جمع بندی میشود ، اشتباهات و نارسائیها تجزیه و تحلیل میگردد و پیش از همه برای تشدید فعالیت اعضاء این سازمانها در روح تصمیمات کنگره ۱۴ حزب بسیج آنان برای انجام وظائفي که در برابر جامعه قرار گرفته ، راههای جدید جستجو میشود . حزب کمونیست چکوسلواکی برای آموزش مارکسیستی — لنینیستی اعضاء حزب و تربیت اعضاء سازمانهای اجتماعی ، بویژه سندیکاها و سازمانهای جوانان از لحاظ ایدئولوژی و سیاست و اقتصاد و جهان بینی توجه فراوان مبذول میدارد . در عین حال ما میکوشیم از هر نوع قالب سازی اجتناب ورزیم و سعی میکنیم در فعالیت تبلیغاتی خود تناسب صحیحی میان معلومات عمومی و اختصاصی بوجود آوریم . ماهیچنین میدانیم که برای تربیت ایدئولوژیک و سیاسی باید با در نظر گرفتن سطح آگاهی سوسیالیستی گروهها و افراد مختلف ، اژ مسائل و شیوه های گوناگون استفاده کنیم .

کمیته مرکزی در پلنوم ماه فوریه (۱۹۷۲) مسأله اقتصاد دکنسور را از جوانب کاملاً وسیع اجتماعی از جمله از لحاظ تعلیمات اقتصادی مردم ، مورد بررسی قرار داد . کمیته مرکزی مسئله کشاورزی را نیز بطور جامع بررسی نمود . ما از مشی عمومی کنگره ۱۴ درباره بالا بردن ثمر بخشی اقتصاد بطور پیگیر پیروی میکنیم . رسیدن به هدف های تعیین شده یعنی ارتقاء سطح زندگی بهبود وضع اجتماعی گروههای مختلف ، تحکیم و تقویت تمام جامعه سوسیالیستی ما — مستلزم ایجاد شرایط مقدماتی مهم و تأمین منابع ضروری است . پلنوم آیند کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکی که درباره مسائل ایدئولوژیک تشکیل خواهد شد ، این خط مشی را ادامه خواهد داد ، تجارب حاصله را در نظر خواهد گرفت و در نما وجهت کارهای ایدئولوژیک و تربیتی را در چارچوب تمام سیاست حزب در قیقتر خواهد کرد .

اگر بخواهیم به سؤال مطرح شده پاسخ کوتاه دهیم ، باید بگوئیم : تجربه ما نشان میدهد که طبقه کارگر و تمام زحمتکشان در جریان ساختمان جامعه سوسیالیستی اصول عمده مارکسیسم — لنینیسم را فرامیگیرند و در فعالیت عینی خود پیش از پیش آگاهانه از این اصول پیروی میکنند . ما میدانیم که آن آگاهی سوسیالیستی که برای رسیدن به هدف های مرحله گذشته کافی بود ، امروز باید به سطح عالی تری ارتقاء داد . مثلاً امروز معرفت بر قانوندنی ها و طرق رشد اقتصاد ملی آشنائی با شیوه های رهبری و تدابیر لازم برای عمیقتر کردن وحدت اقتصاد سوسیالیستی و آگاهی بر تمام سیاست حزب ضرورت دارد . از آنجا که ما میخواهیم میان دستاوردهای انقلاب عینی و فنی و برتری های سوسیالیسم پیوند ایجاد کنیم ، با اهمیت دانشهای اختصاصی و روابط متقابل آنها تجربه سیاسی مردم نیز افزود میشود . همچنین از لحاظ رشد اخلاق مردم و مسائل متقابل آنان خواسته های جدیدی مطرح میشود و تعمیق حزمه پستی سوسیالیستی و تربیت انترناسیونالیستی ضرورت بیشتر مییابد . فعالیت سیاسی و تربیتی حزب نقش خود را باید در اجرای این وظائف ایفاء نماید . حزب میان کار تربیتی و تبلیغاتی خود و تجربه عینی خود هم در محل کار و سازمانهای اجتماعی و خانواد و غیره پیوند بوجود میآورد .

حزب کمونیست چکوسلواکی با نقش رهبری خود در سیستم اجتماعی سوسیالیسم از تمام امکانات این سیستم برای رشد آگاهی سوسیالیستی استفاده میکند . وظیفه عمده حزب کمونیست که نقش رهبری آن در این عرصه ساختمان سوسیالیسم نیز تحکیم و توسعه می یابد ، عبارت است از تأمین کارشمار بخش مستمر و هماهنگ تمام حلقه های سیستم اجتماعی سوسیالیسم در جهت هدف واحد .

مارکسیسم - لنینیسم و دوران ما

قانون‌بندی های عام و ویژگی های ملی تکامل سوسیالیسم

اریش گلوکاتوف

رئیس شعبه کمیته مرکزی حزب
سوسیالیست متحد آلمان

مسئله وحدت ماهیت و تنوع اشکال ساختار سوسیالیسم در ایام اهمیت خاص کسب کرده است. این امر و علت دارد: نخست آنکه تعیین وظائف مشخص ناس از ضرورت تکمیل سوسیالیسم واقعاً موجود که از چارچوب یک کشور خارج شده و به کار و فعالیت اجتماعی میلیون‌ها نفر بدل گردیده منوط به حل صحیح این مسئله است. دوم آنکه با تبدیل سیستم جهانی سوسیالیسم به مهمترین عامل تکامل جهانی برای جدائی آتی کشورهای دیگر از سیستم سرمایه داری بیش از هر زمان امکان واقعی پدید آمده است. وجود چنین امکانی ما را موظف میکند تا درباره مسائل زیرین تصویر روشن داشته باشیم و بدانیم که تکامل سوسیالیسم در سالهای آینده چگونه صورت خواهد گرفت. اشکال آن در کشورهای که سطح رشد اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی گوناگون دارند چگونه خواهد بود و در این رهگذر تجربه حزب کمونیست اتحاد شوروی و سایر احزاب مارکسیست - لنینیست کشورهای سوسیالیستی در زمینه ایجاد نظام اجتماعی نوین چگونه استفاده خواهد شد.

اهمیت تئوریک و سیاسی این مسائل آشکار است. درک علمی آنها با روح مارکسیسم - لنینیسم مهمترین پایه لازم برای تنظیم استراتژی و تاکتیک احزاب انقلابی و مبارزه موفقیت آمیز علیه تحریف کنندگان تئوری و پراتیک سوسیالیسم است.

کوشش برای انطباق خلاق اصول عام سوسیالیسم بر شرایط تاریخی مشخص کشورهای مختلف اکنون در فعالیت تئوریک و پراتیک جنبش جهانی کمونیستی و واحدهای جداگانه آن جای برجسته‌ای دارد. نظریه مارکسیستی - لنینیستی مربوط به پیوند دیالکتیکی میان عام و خاص در ساختمان جامعه نوین و اصول انترناسیونالیسم پرولتری در اسناد برنامه‌های کنفرانس‌های جهانی یک سلسله احزاب برادر در سالهای ۱۹۵۷، ۱۹۶۰ و ۱۹۶۹ به شیوه‌ای خلاق گسترش یافته و مورد ارزیابی مشخص قرار گرفت.

دنباله سلسله مقالات منتشره در شماره‌های ۴، ۵، ۶ و ۱۳۵۰ شماره‌های ۲، ۳ و ۴ سال ۱۳۵۱ مجله "مسائل بین المللی". این مقالات برای نوآموزان تئوری مارکسیستی - لنینیستی در نظر گرفته شده است.

احزاب کمونیست کشورهای سرمایه داری به طرح این مسائل توجه فراوان معطوف می دارند . مثلا در برنامه جدید حزب کمونیست کانادا تحت عنوان " راه رسیدن به سوسیالیسم در کانادا " ضرورت پیروی از قوانین عام ساختمان سوسیالیسم در عین توجه به ویژگی کشور خویش تصریح شده است . در برنامه حزب کمونیست ایالات متحده امریکا خاطر نشان میگردد که در ساختمان سوسیالیسم ویژگی های تاریخی و تجربه و سنت های کشور در نظر گرفته خواهد شد . رفیق ژرژ مارش همواره در بیرکل حزب کمونیست فرانسه ضمن سخنرانی خود که به تشریح " برنامه دولتی مشترک کمونیست ها و سوسیالیست های فرانسه " اختصاص داشت گفت : . . . اجرای پیگیر این برنامه " میتواند راه رسیدن به سوسیالیسم را با اشکال و شیوه های خارج کشور ما هموار سازد " .

بدینسان کمونیست ها برای نوسازی سوسیالیستی جوامع خویش در جستجوی راه های هستند که با توجه به ویژگی های تاریخی مشخص کشورهایشان حداعلی اثربخشی را داشته باشد .

نیروهای دشمن سوسیالیسم و از جمله جامعه شناسان و مورخین بورژوا و رویزیونیست های راست و " چپ " میکوشند نظریه مارکسیستی - لنینیستی مربوط به پیوند دیالکتیکی میان عام و خاص ملی و بین المللی را در سیر تکامل جامعه کمونیستی منکسر کنند و آنرا مردود جلوه دهند . ضمنا با آنکه در این زمینه شیوه های گوناگون بکار برد میشود هدف واحدی تعقیب میگردد که عبارتست

از تخریب مبانی وحدت سیستم جهانی سوسیالیستی و ایجاد تفرقه در صفوف جنبش جهانی کمونیستی . علاوه بر ستایشگری ایدئالیستی سنتی سرمایه داری که در آن قانون عینی تصویب یک نظام

اجتماعی به نظام دیگر نفی میگردد و تاریخ جامعه بشری تاریخ جوامعی " در پیوسته " و از نظر اصولی یکی یا یکدیگر ناممکن و غیره جلوه گرمیشود - اکنون نظریات دیگری هم پدید آمده است که طریقی

تکامل سوسیالیسم و تقا موجود را تحریف شده ترسیم میکند . هواداران این نظریات قوانین عام سوسیالیسم را یا صرفا منکرند و یا آنها را نادیده میگیرند و در عوض بران ویژگی های ملی استقامت را

سوسیالیسم و اشکال ساختمان آن در کشورهای مختلف جنبه مطلق قائل میشوند و این ویژگی ها را پیش از اندازه بزرگ جلوه میدهند . " مدل " هایی که به پیروی از این هدف ها برای سوسیالیسم

ساخته میشود همه در آخرین تحلیل بر پایه و حدی استوارند یعنی در همانها ماهیت سوسیالیسم و آنچه که در آن عمده و قاطع است نفی میگردد . حتی دعوی میشود که سوسیالیسم های گوناگون

" توجیهی " دارند . مثل برخی از تئوریسین های رویزیونیست راست برای بی اعتبار جلوه دادن تجربه اتحاد شوروی دعوی میکنند که " مدل شوروی " در حال حاضر فقط بدر کشورهای کم - رشد

(مستعمره و نیمه مستعمره) میخورد و برآیند برای کشورهای رشد یافته مدل گذائی " صنعتی " را عرضه میدارند و حال آنکه سطح عالی رشد اقتصادی و فرهنگی اتحاد شوروی بر همگان عیانست .

رویزیونیسم " چپ " نیز که در صورت ظاهر قطب مخالف رویزیونیسم راست را تشکیل میدهد در این نقطه با رویزیونیسم راست متلاق میشود و میکوشد سیستم جهانی سوسیالیسم را بشیوه متافیزیک و یکجانبه

به کشورهای " غنی " و " فقیر " تقسیم بندی کند . ضمنا علائم و عوامل فرعی تکامل نظام نوین اصلی و قاطع و نامود میشود و تحرک و پویائی سیستم سوسیالیستی نفی میگردد . این " مدل سازی " ها

با مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری کمترین وجه مشترکی ندارند زیرا ضد دیالکتیکی و ضد علمی هستند و هدفی جز برانگیختن احساسات ناسیونالیستی و تیره ساختن مناسبات میان دول

برابرند و بتمام نیروهای هوادار سوسیالیسم زیان میرسانند .

تئوری های عدیده ای هم که طی سالهای چند دهه اخیر درباره سوسیالیسم غیر مارکسیستی

و از آنجمله درباره " سوسیالیسم مسیحی " ، " سوسیالیسم انسانگرا " یا " دموکراتیک " شش - شوق

گوناگون " سوسیالیسم ملی " (در کشورهای در حال رشد) وغیره وضع شده اند بانظریه واقعا علمی درباره پیوند دیالکتیکی میان عام و خاص در ساختن جامعه نوین هیچگونه وجه مشترکی ندارند . این تئوری ها بیا نگرمنافع نیروهای اجتماعی گوناگونی هستند و چگونگی برخورد آنها نیز به کشورهای سوسیالیستی و به تئوری مارکسیستی - لنینیستی متفاوت و متضاد است . تحلیل این تئوری ها مستلزم بررسی خاص است و مقاله حاضر بآنها نخواهد پرداخت (برای بررسی ایست - مبحث رجوع شود به سلسله مقالاتی که درباره انواع نظریات مربوط به " سوسیالیسم غیر مارکسیستی " در شماره های ۳ و ۶ سال ۱۳۵۰ و شماره ۳ سال ۱۳۵۱ مجله " مسائل بین المللی " انتشار یافته است) .

ماهی آنکه قصد تشریح جامع مبحث بفرنج و وسیع " قانونمندی های عام و ویژگی های ملی " تکامل سوسیالیسم " را داشته باشیم فقط به بررسی برخی از جوانب آن میپردازیم و در این زمینه بطور عده تجربه جمهوری دموکراتیک آلمان و نیز اتحاد شوروی و برخی از کشورهای سوسیالیستی دیگر را در نظر میگیریم .

۱

اسلوب مارکسیستی - لنینیستی درک چگونگی تاریخ جامعه بشری بر پایه قانونمندی های عینی تکامل صورت بندی های اجتماعی - اقتصادی استوار است . لنین ضمن تصریح اهمیت عظیم خدا معلقی مارکس وانگلس در زمینه کشف این قانونمندی ها در کتاب مشهور خود تحت عنوان " دوستان مردم " گیانند و چگونه بر ضد سوسیال دموکرات ها میجنگند ؟ " نوشت : " تا آن زمان برای جامعه شناسان دشوار بود که در شبکه پیچیده پدیده های اجتماعی پدیده های مهم را از غیر مهم تمیز دهند (ریشه ن ذهن گرافی (سوبژکتیویسم) هم در جامعه شناسی همین عامل است) و نمی توانستند برای چنین تمیزی ملاک عینی بیابند . ما تریالیسم یک ملاک کاملاً عینی در این زمینه بدست دادید یعنی که مناسبات تولیدی را بعنوان استخوان بندی (استرکچر - مترجم) جامعه متمایز ساخت و بدینسان امکان داد تا ملاک علمی عام یعنی اصل تکرارپذیری پدیده های اجتماعی که ذهن گرایان میگفتند نمیتوان آنرا در عرصه جامعه شناسی بکار بست در مورد این مناسبات نیز بکاربرد شود آنگاه تجزیه و تحلیل مناسبات مادی جامعه (منظور از مناسبات مادی مناسباتی است که پیدایش آنها مستقل از شعور انسان ها صورت میگیرد : انسان ها در جریان مبادله محصولات خویش بی آنکه خود حتی به ذهنشان هم خطور کند که در اینجا پای مناسبات تولیدی جامعه در کار است بایکدیگر وارد مناسبات تولیدی میشوند) - بلافاصله امکان داد تا به تکرارپذیری و وجود نظم و ترتیب در پدیده های اجتماعی پی برده شود و نظامات موجود در کشورهای گوناگون در قالب یک مفهوم اساسی یعنی صورت بندی اجتماعی تعمیم یابد . تنها یک چنین مفهومی بود که امکان داد تا از توصیف . . . پدیده های اجتماعی به تحلیل کاملاً علمی آنها پرداخته شود . و اما بکمک این تحلیل میتوان فی المثل وجه تمایز میان یک کشور سرمایه داری و کشور دیگر را مشخص ساخت و به پژوهش وجه مشترک میان آنها پرداخت " (۱) .

پس این فقط از مختصات نظام اجتماعی سوسیالیستی نیست که تکامل آن بر پایه قانونمندی های عام صورت میگیرد . نظام سرمایه داری نیز بر پایه قانونمندی های عینی معینی استوار است که

تأثیر خود را در تمام کشورهای این سیستم بطور مشخص اعمال میکنند. ولی هیچ مارکسیستی تاکنون باین فکر نیفتاده است که اهمیت عام تحلیلی را که مارکس در کتاب " سرمایه " درباره نظام سرمایه داری انجام داده است باین استناد که تحلیل مزبور بطور عمدتاً انگلستان را شامل میشود - نفی کند. سرمایه داری پدیده بین المللی است. در تمام کشورهای سرمایه داری علی الاصول - نوع واحدی از مناسبات تولیدی حکمفرماست که رویبانی سیاسی واید ثولوژیک آنها نیز در ماهیت خود یکمان ویا این مناسبات همانند است. البته جامعه سرمایه داری مثلاً در امریکا دارای ویژگیهای ملی - تاریخی معینی است که آنرا فرضاً از جامعه سرمایه داری در سوئد، پاراگوئه یا ایتالیا متمایز میسازد. ولی هیچ عقل سلیمی دعوی نمیکند که نظام اجتماعی این کشورها بایسکدیگر تفاوت اصولی دارند.

قانونمندی های اساسی و عمده سوسیالیسم یعنی قانونمندی های اجتماعی، اقتصادی سیاسی واید ثولوژیک نیز خصیلت مبنی و عام و بین المللی دارند و دامنه عمل آنها به جارجوب یک کشور ویک منطقه محدود نمیکرد. در فوق برژنف با اتکا بر اصول مارکسیسم - لنینیسم و احکام مصرح در اسناد کنفرانس های جهانی احزاب کمونیست و کارگری این قانونمندی های هارا بشرح زیر برشمرد:

انقلاب سوسیالیستی باشکاف گوناگون واز جمله به شکل درهم شکستن و تعویض ماشین دولتی استثمارگران، استقرار دیکتاتوری پرولتاریا با اشکال گوناگون در عین اتحاد پرولتاریا با سایر قشرهای زحمتکشان، برانداختن طبقات استثمارگر، اجتماعی کردن وسائل تولید و برقراری مناسبات تولیدی و سایر مناسبات اجتماعی سوسیالیستی در شهرود، قرارداد ان دستاورد های فرهنگ در اختیار توده های بزرگ زحمتکشان و به بیان دیگر انقلاب فرهنگی به مفهوم لنینی آن. خصائص حتمی سوسیالیسم پس از پایان ساختمان آن عبارتست از حکومت زحمتکشان در عین تأمین نقش پیشاهنگ طبقه کارگر، رهبری رشد جامعه توسط حزب مارکسیست - لنینیست، مالکیت اجتماعی بر وسائل تولید و براساس آن تأمین رشد برنامه ریزی شده مجموع اقتصاد ملی و با استفاده از سطح عالی تکنیک برای تأمین رفاه عامه مردم، تحقق اصل " از هر کس بر حسب استعدادش و به هر کس بر حسب کارش" تربیت تمام مردم بر پایه اصول اید ثولوژیک کمونیسم علمی و با روح دوستی با ملل کشورهای سوسیالیستی براد روز زحمتکشان سراسر جهان، سیاست خارجی مبتنی بر اصول انترناسیونالیسم پرولتری و سوسیالیستی (۱).

تجربه احزاب مارکسیست - لنینیست کشورهای برادرموید صحت این نظر است که ساختمان موفقیت آمیز سوسیالیسم از بسیاری جهات منوط است به درک صحیح چگونگی رابطه میان عام و خاص در سیر تکامل اجتماعی و درک صحیح دیالکتیک قانون و پدیده. به بررسی اجمالی ماهیت این دیالکتیک بپردازیم.

قانون دیالکتیکی عبارتست از رابطه جبری همگانی اساسی و عمده ای که مستقل از اراده افراد میان اشیاء، پدیده ها و سیستم های موجود در عرصه واقعیت عینی برقرار است و خصیلت داعی و تکرار پذیر دارد. لنین مینویسد: " قانون آن چیز است که در پدیده پایدار است (باقی میماند)" (۲). شناخت قانون در قیاس با نظاره گری و مکاشفه پدیده ها به درک عمیقتر و کاملتر جهان پیرامون کمک میکند. مع الوصف پدیده از قانون " غنی تر" است زیرا علاوه بر آنکه " قانون را در بردارد" و وجود خصائص فردی فراوان نیز هست (۳).

(۱) - لئونید برژنف: " آموزش لنین زنده و پیروزمند است" - ص ۹۲ - ۹۴، مسکو، سال ۱۹۷۰

(۲) - لنین، جلد ۲۹، ص ۱۳۶.

(۳) - همانجا، ص ۱۳۷.

از این احکام یکسلسله نتایج مهم برای مبحث ما بدست میآید :

— عام و خاص ، قانون ویدیده را نباید مجزا از یکدیگر در نظر گرفت .

— قوانین عام بیانگر ماهیت پدیده های اجتماعی هستند و باینجهت برویژگی های ملی و تاریخی اولویت دارند و هرکس این نکته را از نظر رد وارد خود را در معرض این خطر قرار میدهد که در گرداب حوادث روزمره مبارزه سیاسی گمراه گردد و همدف اساسی از مد نظرش بد و رافتد .

— تکیه یکجانبه برویژگی ها و منافع ملی عواقب زیان بخش در بردارد زیرا ویژگی ملی و تاریخی آنجیزیست که کشورها را از یکدیگر متمایز میسازد و باینجهت مطلق ساختن آن فقط موجب تضعیف پیوستگی صفوف کشورهای سوسیالیستی میگردد و باینمنافع اساسی مجموع جنبش جهانی کمونیستی که اصل اساسی آن انترناسیونالیسم پرولتری و سوسیالیستی است در تضاد میافتد .

— قانونمندی ها هنگام تکامل سوسیالیستی نظیر هر قانون عینی بشکل " خالص " برویژنیکند و همیشه بوسیله پیروسه ها و پدیده های مشخص زندگی اجتماعی و از آنجمله ویژگی ها ملی و تاریخی متجلی میگردد و بهمین جهت احزاب مارکسیست — لنینیست باید این ویژگی ها را در قیاس بررسی کنند و در فعالیت خود در نظر بگیرند .

این مطلب را باز کردیم مثال از چگونگی ساختمان سوسیالیسم توضیح میدهیم .

قانون اساسی انقلاب سوسیالیستی آنستکه طبقه کارگر قدرت سیاسی طبقات استثمارگر را براندازد ، ماشین دولتی کهنه را درهم شکنند و قدرت سیاسی خویش را مستقر سازد . شرایط مشخص تاریخی در ماهیت این قانون تأثیری نصی بخشند ولی حزب مارکسیست — لنینیست نمیتواند این شرایط را در نظر بگیرد ، زیرا این امر که کمک به تحقق این قانون در هر کشور چگونه و به چه شکل باید انجام گیرد درست بهمین شرایط بستگی دارد . لنین در این زمینه در کتاب " دولت و انقلاب " مینویسد : " فقط کسی که بکنند آموزش مارکس در باره دولت بی برده است که فیهیو باید در یک تئوری یک طبقه نهنسها برای هرگونه جامعه طبقاتی و نه تنها برای پرولتاریائی که بورژوازی را سرنگون ساخته است بلکه برای سراسر دوران تاریخی میان سرمایه داری و " جامعه بدون طبقات " یعنی کمونیسم نیز ضرورت دارد . . . گذار از سرمایه داری به کمونیسم البته نمیتواند با پیدا ایش اشکال سیاسی فراوان و متنوع همراه باشد ولی همه این اشکال ناگزیر ماهیت واحدی خواهند داشت کـــــــــــــــــه در یک تئوری پرولتاریاست " (۱) .

در یک تئوری پرولتاریائی یعنی اینکه طبقه کارگر را در ساختمان سوسیالیسم قدرت سیاسی را بلا منازع بدست میگیرد و آنرا با هیچ طبقه دیگری تقسیم نمیکند و نباید بکنند زیرا فقط این طبقه است که تحت رهبری حزب مارکسیست — لنینیست میتواند کار ساختمان جامعه نوین را به فرجام رساند .

ولی در همین حال اتحاد با قشرهای دیگر همگیشان و جلب آنان بکارکشورداری برای در یک تئوری پرولتاریا ضرورت حیاتی دارد . بآنکه در یک تئوری پرولتاریا ماهیت واحد دارد تحقق آن در کشورهای گوناگون بر حسب چگونگی تناسب نیروهای طبقاتی داخلی و بین المللی به صور مختلف انجام میگیرد . مثلا اشکال اتحاد طبقه کارگر با سایر قشرهای مردم در کشورهای گوناگون متفاوت بوده است . در اتحاد شوروی ساختمان سوسیالیسم تحت رهبری یک حزب انجام گرفت . میدانیم که در ماههای نخستین پس از پیروزی انقلاب اکتبر بلشویک ها با جناح چپ حزب سوسیالی رولوسوئرها (اس . ا . ر . ها) حاضر به همکاری شدند و نمایندگان این جناح در دولت و شوراهای محلی شرکت ورزیدند . ولی این حزب بعلت تضاد های درونی اش خود را از ائتلاف با بلشویک ها سرپیچید و علیه حکومت شوراهای قیام

(۱) — لنین ، جلد ۳۳ ، ص ۳۵ (ترجمه فارسی : آثار منتخبه لنین ، جلد ۲ ، بخش دوم ،

صلح دست زد .

پس از پایان دومین جنگ جهانی که در نتیجه آن تناسب نیروها بسود صلح ، دموکراسی و سوسیالیسم تغییر کرد گروهی از کشورهای اروپائی امکان یافتند دیکتاتوری پرولتاریا را در چهار چوب سیستم چند حزبی و در عین تأمین نقش رهبری حزب مارکسیست — لنینیست طبقه کارگر برقرار سازند . مثلاً در جمهوری دموکراتیک آلمان ساختمان سوسیالیسم با وجود پنج حزب انجام گرفت ضمناً جلب کارفرمایان کوچک و متوسط نیز به جبهه اتحاد تحت رهبری طبقه کارگر میسر گردید و این قشرها در ریجا به زحمتکشان جامعه سوسیالیستی بدل شدند . با تمام این احوال سیاست مارکسیستی — لنینیستی اتحاد در محیط ساختمان سوسیالیسم یعنی دیکتاتوری پرولتاریا — و اعمال نقش رهبری حزب مارکسیست — لنینیست چه در اتحاد شوروی و چه در جمهوری دموکراتیک آلمان و سایر کشورهای سوسیالیستی پایه‌های اصولی یکسان داشته است .

یک مثال دیگر : آن گروه از کشورهای اروپائی که پس از دومین جنگ جهانی راه سوسیالیسم در پیش گرفتند علی‌العموم مرحله انقلاب دموکراتیک ملی را پیمودند . در شرق آلمان آن — زمان و جمهوری دموکراتیک آلمان کنونی این مرحله شکل ویژه انقلاب دموکراتیک ضد فاشیستی بخود گرفت و این امر برای ریشه کن ساختن فاشیسم هیتلری ضرورت حیاتی داشت .

سازمان دولتی کشورهای سوسیالیستی نیز دارای ویژگی‌های ملی هستند . اتحاد شوروی کشوریست مرکب از ۱۵ جمهوری متحده و ۲۰ جمهوری خود مختار و ۱۰ سرزمین ملیست نشین . بهمین جهت نیز ارگان‌های نمایندگان خلق یعنی شورای عالی به دو مجلس تقسیم میشود : شورای اتحاد شوروی و ملیت‌ها و ایدینسان این ارگان با ویژگی یک کشور کثیرالمله مطابقت دارد . جمهوری سوسیالیستی چک و اسلواکی نیز دارای سازمان دولتی فدراتیو است . در کشورهای سوسیالیستی دیگر نظیر جمهوری دموکراتیک آلمان ، جمهوری توده‌ای لهستان و غیره که از نظر ملی وضع دیگری دارند به‌چنین سازمانی نیازی نیست . ولی اصل عده همه‌جا محفوظ است یعنی دولت سوسیالیستی بر پایه اصل مرکزیت دموکراتیک استوار است .

سطح رشد اقتصادی کشورهای مختلف در آغاز انقلاب باید یک تفاوت اساسی داشته‌است . از یک کشور عقبمانده کار صنعتی کردن سوسیالیستی در قیاس با کشورهای پیشرفته صنعتی رخ داده‌است . طبیعتاً شواثر انجام میگیرد و به منابع دیگری برای انباشتنی زمین است .

مثلاً جمهوری توده‌ای مغولستان که قبلاً در آن مناسبات فئودالی حکمفرما بود ضمن اتخاذ راه رشد غیر سرمایه‌داری مستقیماً به ساختمان سوسیالیسم پرداخت . این وضع ناگزیر انجام وظایف دیگری را متفاوت با وظایف کشورهای سوسیالیستی اروپا ایجاد میکند . بهمین جهت در همانحال که احزاب برادر این کشورها (با استثنای اتحاد شوروی که هم‌اکنون در سطح رشد عالیتری قرار دارد) درکنگره‌های اخیر خود وظیفه ساختمان جامعه سوسیالیستی رشد یافته را مطرح ساخته‌اند ، کنگره ۱۶ حزب توده انقلابی مغولستان مرحله‌ای را که در سالهای ۱۹۷۱ — ۱۹۷۵ طی خواهد شد گام مهمی در راه ایجاد بنیاد مادی و فنی سوسیالیسم در کشور آزبایی کرده‌است . ولی قانوتندی‌ها و گرایش‌های عام رشد سوسیالیسم در جمهوری توده‌ای مغولستان نیز همانست که در کشورهای دیگر هست .

عوامل دیگری چون تراکم جمعیت یا چگونگی محیط جغرافیائی و غیره در سیر تکامل سوسیالیسم و آهنگ رشد آن ویژگی‌هایی پدید می‌آورند .

ولی مالکیت اجتماعی بروسائل تولید و برنامه ریزی تمام اقتصاد ملی که بر پایه آن انجام

میگیرد قانون عا تمام کشورهای سوسیالیستی است . در مجموع سیستم جهانی سوسیالیستی گرایشی در جهت همتراز شدن سطوح رشد اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و فرهنگی وجود دارد .

۲

پیدایش و تکامل سوسیالیسم برخلاف نظام های اجتماعی پیشین خود بخود ی و سرخود انجام نمیگیرد . قانونمندی های عینی آن فقط در پرتو فعالیت طبقات کارگرو متحدین آن تحت رهبری حزب مارکسیست - لنینیست راه خود را هموار میسازند و اثربخشی آنها بحد کمال میرسد . شرط لازم جهش از " عالم جبر به عالم اختیار " همین است و نه تنها سوسیالیسم واقعا موجود بلکه دگرگونی های سوسیالیستی آیند نیز معمول این شرط هستند .

انقلاب سوسیالیستی در هر کشور بخشی از پروسه انقلاب جهانی است . این پروسه واحدی است مبتنی بر قانونمندی های عام . مارکس و انگلس در " مانیفست حزب کمونیست " درباره خصیصه ممیزه کمونیستها نوشتند : " . . . آنها در مبارزه پرولترهای ملل گوناگون منافع مشترک جمیع پرولتاریا یعنی منافع امریکه را که به ملیت ارتباطی ندارد برجسته میسازند و از آنها دفاع میکنند . . . آنها در مراحل گوناگونی که مبارزه پرولتاریا علیه بورژوازی می یوید همواره بیانگر منافع جنبش در مجموع آن هستند . . . در زمینه تئوریک برتری آنها بر طبقه توده پرولتاریا در آنستکه شرایط جنبش پرولتری مسیر این جنبش و نتایج کلی آنرا درک کرده اند " (۱) .

برتری کمونیستها که مارکس و انگلس از آن سخن گفته اند اکنون در آنستکه بر پایه فعالیت آگاهانه توده ها و قوانین عینی تاریخ که مارکسیسم - لنینیسم به شناخت آنها نائل آمده است نظام اجتماعی نوین برپا میآیند . با اینجهت طبیعی است که پروسه تکامل این نظام در کشورهای مختلف بیش از پیش از پیش خصلت واحد آنرا ترانسینوالیستی کسب میکند . ولی این پروسه همانگونه که لنین نیز خاطر نشان ساخته است کمونیستها را به مبارزه علیه " تنگ نظری ، عزلتجویی و جدائی طلبی ملی و در نظر گرفتن کل و عام و تابع ساختن منافع جزء به منافع کل " (۲) موظف میسازد .

سوسیالیسم برای برقراری مناسبات طراز نوین میان طبقات امکانات لازم فراهم میسازد .

ترانسینوالیسم بورژوازی جای خود را به همکاری برادرانه و انترناسیونالیسم پرولتری میدهد ، طبل سوسیالیستی جدید پدید میآیند و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی آنان با سرعت بیسابقه ای انجام میگیرد و این امر بحق حصن غرور ملی و میهن پرستی سوسیالیستی بوجود میآورد . در این جریان میان طبقات سوسیالیستی در کلیه عرصه ها روابط محکم برقرار میگردد و هم پیوندی (انترگاسیون) فنی و اقتصادی آنان استحکام می پذیرد . همراه با تکامل و تحکیم نظام سوسیالیستی اشتراک منافع کشورهای سوسیالیستی نیز بیشتر میشود و تفاهم و همکاری آنان تقویت میگردد . احزاب برادر و جامعه کشورهای سوسیالیستی این گرایش های عینی را در نظر میگیرند و به تحقق آنها کمک میکنند .

هم پیوندی اقتصادی سوسیالیستی بر پایه برنامه جامع شورای تعاون اقتصادی گسترش می پذیرد ، سیاست خارجی در چارچوب کمیته مشورتی سیاسی کشورهای عضو پیمان ورشو هماهنگ میگردد ، اشکال همکاری همه جانبه بیش از پیش تکمیل میشود و مبادله هیئت های نمایندگان حزبی و دولتی و فرهنگی افزایش می یابد

(۱) - مارکس و انگلس ، جلد ۲۴ ، ص ۴۳۲ .

(۲) - لنین ، جلد ۳۰ ، ص ۴۴۰ .

بررسی تجربه حزب کمونیست ود ولت اتحاد شوروی در این زمینه اهمیت خاص دارد .
 لنین بر آن بود که " . . . نمونه روسی بتمام کشورها چیزی و آنهم چیز بسیار مهم از آینه نبرد یکشان نشان میدهد " (۱) . اتحاد شوروی نخستین کشور است که قانونمندی های عام نظام اجتماعی نوین در آن تحقیق یافت . اتحاد شوروی در زمینه تمام جوانب ساختمان سوسیالیسم و ایجاد بنیاد مادی و فنی کمونیسم تجربه سرشار دارد . بررسی این تجربه نه تنها نافی فعالیت خلاق احزاب مارکسیست - لنینیست نیست بلکه بآن کمک میکند . رفیق اریش هونکر در برابر کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان در رکنگه هشتم حزب ضمن تحلیل قرارهای تاریخی رکنگه ۲۴ حزب کمونیست اتحاد شوروی که اهمیت آن از حد ود اتحاد شوروی بمی فراتر میروند گفت : " ما از تجربه عظیم تئوریک و پراتیک اتحاد شوروی استفاده میکنیم و آنرا در انطباق با شرایط مشخص خود بکار می بندیم . بدینسان ما وحدت کاملی میان اولویت اصول عام ساختمان سوسیالیسم و مراعات شرایط ویژه هرکشور را تامین میکنیم " .

تجربه اجتماعی بی پایگی دعوی رویزیونیست های راست را در بارها اینکه سوسیالیسم گویا در نتیجه تحمیل های اتحاد شوروی به کشورهای دیگر همه جا " متحد الشکل " شده است ، نشان میدهد . در عین حال تجربه تاریخ بمانند آموزد که امکانات موجود در نظام سوسیالیستی بخودی خود تحقق نمی پذیرد بلکه حزبی که رهبری جامعه را بدست دارد برای تحقق آن باید مشی لازم اتخاذ کند . مناسبات برادرانه میان ملل و کشورهای سوسیالیستی فقط در صورت پیگیری احزاب کمونیست و کارگری در اجرای سیاست مارکسیستی - لنینیستی و تربیت زحمتکشان با روح انترناسیونالیسم و مبارزه جدی علیه ناسیونالیسم و شوینیسم تحکیمی پذیرد . در غیر این صورت همانگونه که نمونه چین کسوفی نشان میدهد ممکنست کار به احیای ناسیونالیسم ود امن زدن بآن وحتى جبهه گیری علیه جامعه کشور های سوسیالیستی منجر گردد . سیاست رهبران کمونی پکن ود اول آنان از انترناسیونالیسم پرولتری علاوه بر آنکه به سیستم جهانی سوسیالیسم زبان میرسانند و ستاورد های سوسیالیستی خود مردم چین را نیز در معرض خطر قرار میدهد . مبارزه علیه گرایش های ناسیونالیستی و شوینیستی در عرصه ایدئولوژی و سیاست شرط لازم تامین کامیابی های آتی سوسیالیستی جهانی است .

لنین مینویسد : " تمام ملتها به سوسیالیسم خواهند رسید ، این امر ناگزیر است ، ولی همه بطور کامل یا یکسان بآن نخواهند رسید . هر ملت با ارائه شکلی از اشکال دموکراسی یا گونه ای از گونه های دیکتاتوری پرولتاریا و متناسب با سرعتی که در کارتنوسازی سوسیالیستی جوانب مختلف زندگی اجتماعی از خود نشان خواهد داد - ویژگی همین خود را در سوسیالیسم وارد میسازد " (۲) .
 سیستم سوسیالیسم واقعا موجود گواه صادقی است بر صحت این پیشگویی لنین . این سیستم در سه قاره جهان کشورهایی را در بر میگیرد که در لحظه انقلاب از نظر سطح تکامل اقتصادی ، درجه رشد پرولتاریا و شعور طبقاتی آن ، تجربه احزاب کمونیست در زمینه مبارزه ونیز از نظر سنن ملی و وضع همین - المللی بایکدیگر تفاوت هائی داشته اند . در آینده نیز پیشک مللی که در مراحل گوناگون رشد

(۱) - لنین جلد ۴۱ ، ص ۴۰

(۲) - لنین جلد ۳۰ ، ص ۱۲۳

اجتماعی هستند براه سوسیالیسم گام خواهند نهاد . بهمین جهت احزاب مارکسیست لیستی
لنینیست بررسی وتوجه به ویژگی های ملی را برای جستجوی بهترین اشکال نوسازی سوسیا
ضرور میسرند ودرعین حال اعتقاد راسخ دارند که سوسیالیسم واقعی بدون نشانه های حتمی
ومشترك وجود ندارد ونمیتواند وجود داشته باشد .



International Affairs
Selected articles from
the Review of the Communist and Worker Parties
for Theory and Information
1972 No 5 (59)

Price in :

U.S.A.	0.30 dollar
Bundesrepublik	1.00 Mark
France	1.50 franc
Italia	200.00 lire
Österreich	7 .00 schilling

اشترك ساليانه ١ مارك آلمان غربى يامعادل آن

Annual Subscription 6 West German Mark or its
equivalent

مجله «مسائل بین المللی» که هر دو ماه یکبار انتشار می یابد، به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کارگری اختصاص دارد.

مندرجات این مجله از میان مقالات مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس کننده نظریات و اندیشه های آنانست، انتخاب و ترجمه میشود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره های ۹ و ۱۰ (سپتامبر - اکتبر) سال ۱۹۷۲ مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» بچاپ رسیده است.

شماره حساب بانکی مجله «مسائل
بین المللی»

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: 0 400 126 50
Dr. John Takman

خوانندگان عزیز!
باین آدرس با ما مکاتبه کنید:
P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

Druckerei des Verlages " Rude Pravo "

P R A H A